

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سره):

«اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید.

شما جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام، در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره اصالت‌ها را در نظر گرفته و امتیازاتی که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می‌سازد فراموش نکنید.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«... عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک می‌کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمین‌گیر می‌کند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار می‌کنند، تلاش می‌کنند؛ در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه‌ی فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت می‌کند. در اقتصاد هم همین‌جور است. روحیه‌ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.»

بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱

ره توشه راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان

ویژه نوجوانان ۱۴۳۸ ه.ق - ۱۳۹۶ ه.ش

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

ره‌توشه راهیان نور

متون علمی - آموزشی مبلغان

ویژه نوجوانان ۱۴۳۸ هـ. ق - ۱۳۹۶ هـ. ش

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- مؤلف: گروهی از نویسندگان
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶
- شمارگان: ۱۴۰۰ نسخه
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۳۹۷
پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکاری که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل پور
- کارشناسان تحریریه: علی‌رضا انصاری و محمدحسین فکور
- کارشناس اجرایی ره‌توشه: محمد مهدی تقدیمی صابری
- مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب

فهرست مطالب

سخن نخست ۷

فصل اول: اعتقادی

دانای مهربان ۱۰
نیاز انسان به پیامبران ۱۵
هدایت گران ۲۱
یک راز ۲۷
میزان ۳۳

فصل دوم: قرآن

کتاب زندگی ۴۱
مائده ملکوتی ۴۷
خانه پاکی ها ۶۳
شهادت در راه خدا ۶۹

فصل سوم: اخلاق

طلای ناب ۷۹
ایثار و احسان ۸۷
رضایت الهی ۹۵
یار گل ۱۰۳

۶ ■ ره توشه راهیان نور، ویژه طرح هجرت تابستان ۱۳۹۶ (نوجوانان)

۱۱۳	رسم ادب.....
۱۲۱	راه سعادت

فصل چهارم: احکام

۱۳۳	اجتهاد یا تقلید
۱۳۴	رجوع به متخصص
۱۳۹	فلسفه‌ی احکام
۱۴۷	اهمیت و مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۳	حریم و مرز
۱۵۹	لباس عزت

فصل پنجم: گوناگون

۱۷۱	کتاب و کتابخوانی
۱۷۵	کار و تولید
۱۷۹	هنر دوستی
۱۸۷	همدلی و همکاری
۱۹۷	کارگاه خلاقیت و نوآوری

سخن نخست

رسول خدا ﷺ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»^۱ فرزندان خود را محترم بدارید و آنان را با آداب خوب و ملکات پسندیده پرورش دهید.»

تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نخبگان فرهنگی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است.

پیش از آن‌که سقراط را محاکمه کنند، از وی پرسیدند: بزرگ‌ترین آرزویی که در دل داری، چیست؟ پاسخ داد: «بزرگ‌ترین آرزوی من، این است که به بالاترین مکان آتن صعود کنم و با صدای بلند به مردم بگویم: ای دوستان! چرا با این حرص و ولع، بهترین و عزیزترین سال‌های زندگی خود را به جمع‌آوری ثروت و سیم و طلا می‌گذرانید؟ در حالی که آن‌گونه که باید و شاید، در تعلیم و تربیت اطفال‌تان که مجبور خواهید شد ثروت خود را برای آن‌ها باقی بگذارید، همت نمی‌گمارید؟»^۲

اگر نوجوانان به شایستگی تربیت شوند، تحولی شگرف در جامعه رخ خواهد داد، زیرا موتور حرکت جوامع به دست توانمند آنان حرکت می‌نماید و قله‌های رفیع موفقیت کشورها توسط آنها فتح می‌گردد؛ نوجوانان، مدیران و آینده‌سازان هر جامعه می‌باشند، از این رو است که در جوامع برای تعلیم و تربیت نوجوانان سرمایه‌گذاری کلان صورت می‌گیرد. همچنین بسیاری از اعمال و کنش‌های دوره بزرگسالی، واکنشی برخاسته از پدیده‌های زندگی خردسالی است. از سوی دیگر،

۱. بحار الأنوار ج ۱۰۱، ص ۹۶

۲. فرحناز فردوسی‌ان، «نکته‌هایی پیرامون تربیت فرزند»، مجله طوبی، ش ۵.

خداوند به انسان استعداد های فراوانی بخشیده که از دوران نوجوانی همراه او است و روشن است که اگر این استعداد ها شناخته شوند و برای بارور کردن آن برنامه ریزی شود، نتایج فراوان و پسندیده ای حاصل خواهد شد. بنابراین، بی توجهی، غفلت و نداشتن برنامه برای نوجوانان، گناهی نابخشودنی است و پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی خواهد داشت.

روشن است که برای آموزش یک نسل تنها آموزش های کلاسیک و دستوری رسمی کافی نیست و پرکردن ساعات فراغت و بهره گیری بهتر از این دوران که بخش قابل توجهی از زندگی نوجوان را شامل می شود، اهمیت فراوانی دارد.

در عصر حاضر اهمیت تعلیم و تربیت و پرکردن اوقات فراغت این گروه سنی اهمیت بیشتری پیدا نموده است؛ زیرا، تهاجم فرهنگی و فضای مجازی و آسیب های آن به شدت نوجوانان را تهدید می نماید. بنابراین باید دست اندرکاران فرهنگی فعالیت های خویش را چند برابر نمایند. زیرا امروزه نوجوانان از هر زمان دیگری بیشتر در معرض این تهدید هستند. تبلیغ روش مند و شایسته برای نوجوان، نیازمند برنامه و دقت و هماهنگی است. مبلغ باید زمان و مکان و مخاطب را به خوبی بشناسد. با مشکلات و نیازهای آنها آشنا باشد و از روش صحیح برخورد با قشر نوجوان آگاه باشد. آنگاه با زبانی شیوا، جذاب و با استفاده از توانمندی شخصی خود معارف ناب مکتب اهل بیت علیهم السلام را به نسل نوپای جامعه منتقل کند و آنان را از این چشمه زلال سیراب نماید. بدین منظور معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی اثر حاضر را برای مبلغان گرامی سامان داده است تا با بهره گیری از آن به آموزش و هدایت نوجوانان بپردازند.

کتاب حاضر که در قالب ۲۵ درس تهیه شده، از مجموع درس های ره توشه نوجوانان سال های گذشته انتخاب و متناسب با نیاز مبلغان عزیز تنظیم شده است، امید است مبلغان و سفیران هدایت، ضمن بهره مندی از آن، پیشنهاد های سازنده و تجربیات ارزشمند خود را ارایه نمایند.

در پایان، ضمن قدردانی از فاضل گرامی جناب آقای محمد حسین فکور که در آماده سازی این اثر همت گماشتند، از تلاش تمام کسانی که در امر تهیه و سامان دهی کتاب حاضر کوشیدند، به ویژه از زحمات حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، صمیمانه سپاسگزارم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

فصل اول

اعتقادی

دانشای مهربان

گل سازی

موضوع: توحید

آیا شما تا به حال گل درست کرده‌اید؟

بعضی از پسرها فکر می‌کنند که گل درست کردن یک کاردستی دخترانه است، ولی این طور نیست؛ گل سازی نه پسرانه است و نه دخترانه، بلکه یک هنر است مثل نقاشی، شعر و هنرهای دیگر.

برای ساختن یک شاخه گل چه چیزهایی لازم است؟

چسب، کاغذ یا پارچه‌های رنگی مخصوص، سیم فلزی و ...

آیا اگر این وسایل را درون ظرفی بریزیم و به هم بزنیم، آیا گلی ساخته خواهد شد؟

(مربی از کسانی که داوطلب هستند، می‌خواهد که به جلو کلاس بیایند و با استفاده از وسایل موجود گلی بسازند و سایر دانش‌آموزان با شمارش اعداد آن‌ها را ترغیب می‌کنند تا زودتر این کار را انجام دهند.)

کدام گل زیباتر است، کدام یک از شما توانست گل بهتری بسازد؟

اگر کسی یک سال کلاس گل سازی رفته باشد، بهتر می‌تواند گل درست کند یا کسی که به چنین کلاسی نرفته است؟

آیا یک استاد گلساز با تجربه بهتر می‌تواند گل درست کند، یا کسی که یک سال، کلاس گل‌سازی رفته است؟ چرا، فرق این گل با گل طبیعی چیست؟

این گل «بو» ندارد، اما گل طبیعی بود و عطر دارد.

این گل «رشد» ندارد، اما یک گل طبیعی رشد دارد.

این گل دانه تولید نمی‌کند و تولید مثل ندارد، اما گل طبیعی دارد.

جنس و رنگ این گل باید با جنس و رنگ مواد اولیه آن یکی باشد، اما یک گل طبیعی ظریف و لطیف از مشتی خاک تیره پدید آمده است.

آیا هیچ فکر کرده‌اید که از دل خاک تیره و متعفن یک باغچه چگونه گل‌های رنگارنگ معطر به وجود می‌آید؟

آیا این گل‌های زیبای معطر می‌توانند خود به خود به وجود بیایند؟

داستان^۱

«نیوتن» به یک مکانیک ماهر سفارش داد تا برای او ماکت کوچک منظومه شمسی را بسازد. این ماکت ساخته شد و در آن یک مرکز و تعدادی سیارات قرار داده شد. سیارات این منظومه شمسی توپ‌های کوچکی بودند که به وسیله یک تسمه با همدیگر ارتباط داشتند و برای آن‌ها هندلی کوچک قرار داده بود که با حرکت آن، تمام توپ‌ها به طرز جالبی در مدار خود حرکت می‌کردند و دور آن هسته مرکزی به حرکت در می‌آمدند.

یک روز نیوتن کنار میز مطالعه خود نشسته بود، در حالی که مهندس مکانیک سازنده آن ماکت هم روی مبل در کنار او بود!

در همین موقع یکی از دوستان نیوتن که یک دانشمند مادی بود، وارد شد! وقتی چشمش به آن ماکت زیبا افتاد، تعجب کرد و از زیبایی و ابتکار مکانیک آن در حیرت شد. حیرتش وقتی بیشتر شد که هندل کوچک آن را حرکت داد، ناگاه دید که آن سیارات کوچک فلزی به سبکی جالب به دور هسته مرکزی خود به گردش درآمدند. این جا بود که فرد منکر خدا فریاد برآورد: «وَه! چه چیز زیبا و جالبی! کی این را ساخته است؟»

نیوتن بدون آن که سرش را بلند کند، گفت: «هیچ کس! به طور تصادفی به وجود آمده! مادی

۱ - برگرفته از کتاب «ره توشه» سال ۱۳۷۴، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

گفت: آقای نیوتن، مگر به سؤال من توجه نکردید؟ من پرسیدم این ماکت را کدام مکانیک ماهری ساخته است؟

نیوتن گفت: اتفاقاً به سؤال شما دقت کردم و در پاسخ همین سؤال بود که گفتم: « این ماکت را کسی نساخته، بلکه خود به خود به وجود آمده است! »

مرد مادی گفت: « آقا شما خیال می کنید من احمقم؟! آخر چطور ممکن است این ماکت زیبا به طور تصادفی به وجود آمده باشد؟ خیر، سازنده این ماکت نه تنها مهندس ماهری بوده بلکه یک نابغه بوده است! »

نیوتن به آرامی از کنار میز خود برخاست و گفت: « دوست عزیز آنچه که دیدی و از سازنده آن می پرسی، چیزی جز یک ماکت کوچک نیست! ماکتی که از روی سیستم واقعی و عظیم منظومه شمسی ساخته شده است. با این حال شما حاضر نیستید بپذیرید که این ماکت به خودی خود و در اثر تصادف به وجود آمده باشد و سازنده ای با هدف و دانا نداشته باشد! پس چگونه اصرار دارید که این جهان با عظمت که منظومه شمسی جزئی از آن است، آفریننده: عاقل و با شعوری نداشته باشد؟

دانشمند مادی شرمنده شد و از پاسخ باز ایستاد:^۱

خدای مهربان روزی رسان

هنگامی که موسی عليه السلام از طرف خداوند مأمور گردید که به سوی فرعون برود و او را به خدا پرستی دعوت نماید، ناگهان به فکر خانواده و بچه های خود افتاد و به خدا عرض کرد: « پروردگارا چه کسی از خانواده و فرزندان من سرپرستی می کند؟ »

خداوند به موسی عليه السلام فرمان داد: « عصای خود را به سنگ بزن! »

موسی عليه السلام عصای خود را به سنگی زد. آن سنگ شکست و در درون آن، سنگ دیگری نمایان شد. با عصای خود ضربه دیگری به آن سنگ زد. آن سنگ نیز شکسته شد و او درون آن، سنگ دیگری را دید، موسی عليه السلام ضربه ای به سنگ سوم زد و آن را نیز شکست و درون آن کرمی را دید که چیزی به دهان گرفته است و آن را می خورد!

حضرت موسی شنید که آن کرم می گوید: « پاک و منزّه است خدایی که مرا می بیند و سخن مرا

۱ - سالنامه جوانان (ص ۲۸۹)، از انتشارات نسل جوان سال ۱۳۵۰ به نقل از کتاب Minnesota technology.

می شنود و به جایگاه من آگاه است و به یاد من است و مرا فراموش نمی کند.»
به این ترتیب موسی علیه السلام دریافت که خداوند عهده دار رزق و روزی بندگان است و با توکل بر او کارها سامان می یابد.^۱

خدای مهربان

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که لبخندی بر لب داشت، به طرف آسمان نگاه می کرد. شخصی از علت لبخند آن حضرت سؤال کرد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «به آسمان نگاه می کردم، دو فرشته دیدم که به زمین آمدند تا پاداش عبادت شبانه روزی بنده با ایمانی را که هر روز به عبادت و نماز مشغول بود بنویسند، ولی او را در محل عبادتش نیافتند. آنها به حضرت باری تعالی عرض کردند: «ما بر طبق روال همیشگی برای نوشتن پاداش عبادت آن بنده با ایمان به محل نماز او رفتیم، ولی او را در محل نمازش نیافتیم، زیرا او در بستر بیماری آرمیده بود. خداوند به آن دو فرشته فرمود: «تا او در بستر بیماری است، پاداشی را که هر روز برای عبادت او می نوشتید بنویسید! بر من لازم است که پاداش اعمال او را تا آن هنگام که در بستر بیماری است، برایش در نظر بگیریم!»

خدا را با چشم ظاهری نمی توان دید

بعضی از کافران می گفتند: تا خدا را نبینیم او را نمی پرستیم و او را نمی پذیریم! زیرا چیزی که دیده نمی شود، وجود ندارد!
شما چه جوابی برای این افراد دارید؟
جواب این ها خیلی ساده است؛ برای این که از آن ها می پرسیم مگر همه چیز دیده می شود که بگویم اگر چیزی دیده نشد، پس وجود ندارد.
بسیاری از چیزها هست که وجود دارد، اما با چشم دیده نمی شود. اگر گفتید مانند چه چیزهای؟
بله، مثل جریان الکتریسته و نیروی جاذبه زمین و نیروی آهن ربا.
بسیاری از چیزهاست که چون فاصله ای با ما زیاد است، دیده نمی شود، مثل ستارگانی که میلیارد ها سال نوری با ما فاصله دارند.

۱ - تفسیر روح البیان، ج ۴، ص ۹۶-۹۷.

و خیلی از چیزهاست که آن قدر ریز است که بدون چشم دیده نمی‌شود. آیا می‌توان به راحتی گفت که هر چه دیده نمی‌شود، پس وجود ندارد.

اگر خدا را با چشم نمی‌توان دید، اما به دلیل عقل می‌توان به وجود او پی برد.

اما این که چرا خداوند را با چشم ظاهری نمی‌توان دید به این دلیل است که خداوند جسم نیست تا تصویری از آن در مردمک چشم ما قرار بگیرد و دیده شود!

نیاز انسان به پیامبران

به نام خداوند رنگین کمان خدای من و تو، خدای جهان

سلام بر گردشگران علمی، دانش آموزان عزیز و مهربان!

درس ما راجع به گنج و گنج یابی است. اگر درست به حرف های من گوش کنید و گنج هایی را که به کمک دوستانتان پنهان کرده ایم پیدا کنید می توانید نام درس را حدس بزنید.^۱ ابتدا فکر می کنم باید کمی در مورد مسابقه برای دوستان توضیح بدهم و بعد وارد مسابقه و درس شویم، حاضرید؟...

ما سه گروه می خواهیم تا «نه» گنج را برای ما پیدا کنند (هر گروه سه گنج) دقت داشته باشید هر گنجی که پیدا کردید هم مطلب را به دقت بخوانید و هم آدرس گنج را که در پشت آن نوشته شده است، بخوانید. (در این کار سرعت و دقت شرط لازم است) همان گنج را هم با خود همراه بیاورید.

در پایان که همه موفق شدید باید آنچه را که پیدا کرده اید به ترتیب برای ما بخوانید.

۱. مربی برای اجرای درس چند روش می تواند در نظر بگیرد:

الف: مسابقه را جدا جدا اجرا کند، یعنی اول گروه یک را بفرستد تا گنج هایی را که از قبل پنهان کرده است، (این گنج ها، به صورت برگه هایی است که مطالبی در آن آمده است.) پیدا کنند و بیاورند و ضمن قرائت گنج ها مربی توضیحات لازم را بدهد. بعد به سراغ گنج دوم و سپس سوم برود.

پ: مربی هر سه گروه را به دنبال گنج هایی که از قبل پنهان کرده است، بفرستد و بعد از آوردن گنج ها توضیحات لازم را بدهد. و در هر دو صورت برای بچه ها (به تناسب پاسخ کامل یا ناقص) جایزه ای در نظر بگیرد.

حالا اگر حاضرید، با ذکر یک صلوات برویم به استقبال درس و مسابقه: «گنج یابی»^۱

گروه اول

گنج اول:

آیا می‌توانید چند اختراع برای ما نام ببرید و نام آن‌ها را هم بگویید؟^۲

نام اختراع مخترع

اتومبیل بخار	رابرت (آمریکایی)
برق	ادیسون
بمب اتم	انشتین (آلمان)
تلفن	گراهام بل (آمریکایی)
تلسکوپ	گالیلئو (ایتالیایی)
چاپ	یوهان کوتمبرگ (آلمانی)
تلویزیون	برد (اسکاتلندی)
الکل	رازی (ایرانی)

خوب، بچه‌ها! من توضیحی راجع به این اختراعات بیان می‌کنم، هرچند ممکن است کسانی قبل از این افراد برای اختراع این وسایل تلاش‌هایی کرده و به نتیجه هم رسیده‌اند؛ اما در هر صورت این اختراع‌ها به اسم اشخاصی که گفتم ثبت شده است. مثلاً صنعت چاپ در مصر قدیم با پاپیروس^۳ شروع شد و سپس در چین و عربستان ادامه یافت اما متأسفانه به اسم یک آلمانی ثبت شده است.

۱. مربی می‌تواند به تعداد افرادی که در نظر گرفته، شیرینی، شکلات و یا چیزهای دیگر همراه گنج‌ها پنهان کند تا هم تنوعی باشد و هم هیجان بیشتری ایجاد کند. در ضمن این برنامه در روزهای وسط یا آخر طرح که بچه‌ها با محیط آشنا شده‌اند اجرا شود.

۲. جهت آشنایی مربی. این سؤال از دانش‌آموزان کلاس باید پرسیده شود. در صورت جواب ندادن دانش‌آموزان، خود مربی از دانش‌آموزی که در مسابقه شرکت کرده است می‌خواهد که جواب را بلند بگوید.

۳. پاپیروس یا کاغذ مصری گیاهی است از نوع «نی» که مصریان قدیم از آن کاغذ مانندی می‌ساختند و بر آن چیز می‌نوشتند. محمد معین، فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران، ج ۱۱، ۱۳۷۶.

گنج دوم:

هر اختراعی دستور العملی دارد^۱، مثلاً در مورد اتومبیل، آیا می دانید اتومبیل برای خودش قاعده و قانونی دارد و به عنوان مثال نباید بدون تهیه ی بنزین انتظار داشته باشیم اتومبیل راه برود و یا بدون عوض کردن دنده بخواهیم با سرعت مناسب برودو... حالا شما در مورد دستورالعمل های اختراعات دیگر (برق، تلفن، تلسکوپ، تلویزیون)، توضیح دهید.

گنج سوم:

آیا برای اختراعات فوق ما می توانیم قانون بهتری وضع کنیم یا سازندگان آن ها؟^۲ مثلاً آیا بهتر می دانیم که وسایل مورد نیاز برای یک تلویزیون، ماشین و... چیست و دستورالعمل های آن ها کدام است یا سازندگان آن...؟

گروه دوم:

گنج اول:

چند نمونه از مخلوقات خدا را نام ببرید.
... بله! علاوه بر آن موارد انسان هم یکی از مخلوقات خداست.

۱. مربی پرسد: آیا می توانید دستورالعمل این دو مورد اختراعاتی که ذکر کردیم بگویید؟ آدرس گنج دوم در پشت کارت یادآوری شود. سال های اختراع به ترتیب عبارت است از:

اتومبیل	۱۸۸۹ میلادی
برق	۱۸۸۲ میلادی
بمب اتم	۱۹۴۲ میلادی
تلفن	۱۸۷۶ میلادی
تلسکوپ	۱۶۰۹ میلادی
چاپ	۱۴۵۰ میلادی
تلویزیون	۱۹۲۶ میلادی
الکل	(۳۱۱-۲۷۰) هجری قمری

عنایت الله شکبیا پور: «دائرة المعارف اجتماعی»، اشراقی، تهران، ص ۱۶۱.

۲. همان سؤال در کارت نوشته شود و مربی ضمن این که از دانش آموزان توضیح می خواهد خود نیز مثل موارد فوق مطالی ذکر کند.

گنج دوم:

انسان نیز نیاز به دستورالعمل‌هایی دارد که به آن قانون می‌گویند.^۱

گنج سوم:

آیا سزاوار است خداوند که آفریننده‌ی آسمان و زمین است و برای هر چیزی قوانینی وضع کرده است، برای انسان قانون وضع نکرده باشد؟!^۲

گروه سوم:

گنج اول:

قانون باید ابلاغ شود.^۳

خوب! حالا اگر از شما بخواهم راجع به این توضیح دهید، چه می‌گویید؟
بله! ... من توضیحات دوستان شما را تکمیل می‌کنم.

اگر در مجلس کشوری قانونی وضع شود و کسی به آن عمل نکرد با این که قانون گذاران نمایندگان مردم در مجلس هستند این قانون چه فایده‌ای دارد؟

سازنده‌ی تلویزیون یک دستورالعمل و قاعده‌ای در مورد استفاده از تلویزیون در نظر داشته باشد، اما آن را با تلویزیون چه خریداران ندهد، چنین قاعده‌ای چه فایده‌ای دارد؟
پس هم قانون مجلس هم قانون تلویزیون و همین طور قانونی که خدا برای انسان وضع می‌کند باید چه شود؟ ... بله! به انسان‌ها ابلاغ شود تا به کار آید و از آن استفاده شود.

گنج دوم:

همه‌ی مردم برای دریافت قانون خدا شایستگی ندارند.

حال از شما می‌پرسم پس خداوند چگونه قانون‌های مورد نظرش را به انسان‌ها ابلاغ می‌کند؟ ...

۱. مربی توضیحاتی که به نظرش لازم می‌آید بیان کند.

۲. مربی محترم به‌غریزه‌ای که خداوند در نهاد حیوانات به امانت گذاشته است، اشاره کند، مثلاً مورچگان چگونه زندگی دارند یا پرندگان چگونه بعد از مدت‌ها بدون هیچ راهنمایی ظاهری به خانه‌هایشان بر می‌گردند؟

۳. مربی به دستورالعمل‌هایی که وسایل برقی مثل تلویزیون، جاروبرقی، ضبط، ویدئو که همراه با آن‌ها به مشتری می‌دهند (دفترچه‌ی راهنما) اشاره کند.

بله! خداوند برای ابلاغ قانون به افرادی نیاز دارد که:

الف: هم مردم و هم خدا به آن‌ها اطمینان داشته باشند تا قانون را اشتباه نفهمند یا اشتباه به انسان‌ها نگویند.

ب: در برابر امتحان خدا سربلند باشند.^۱

بنابراین خداوند کسانی را انتخاب می‌کند که شایستگی دریافت وحی و قانون را داشته باشند.

گنج سوم:

خدا انسان‌های شایسته‌ای را برای رساندن قانون به مردم انتخاب کرده است.

این‌ها چه کسانی هستند؟

پیامبران سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ

خوب! گفتیم چرا قانون را به همه‌ی ابلاغ نمی‌کند؟ چون هرکسی شایستگی آن را ندارد.

حالا همه گوش کنید، آیا صدایی را می‌شنوید؟

بله! صدای چه؟ صدای ...

اما صدایی نیز وجود دارد که گوش ما قادر به شنیدن آن نیست با این حال وجود دارند.^۲

بله! دوستان همه‌ی ما با این که گوش و عقل و شعور داریم، اما نتوانستیم این صداها را بشنویم،

چرا؟ چون هر چیزی رابطه‌ی مخصوصی می‌خواهد.

خوب! رابط بین انسان‌ها و خداوند چه کسانی هستند؟ آفرین! پیامبران

در پایان برخی دیگر از دلایل لزوم بعثت پیامبران را در این کارت‌ها نوشته‌ام خوب توجه کنید.^۳

سه نفر از شما که صدای بلند رسا دارند و بدون غلط می‌توانند بخوانند، تشریف بیاورند و در

مسابقه‌ی ما شرکت کنند تا با این دلایل هم آشنا شویم.^۴

۱. مربی می‌تواند به امتحان‌هایی که خداوند برای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و سخنی‌هایی که برای پیامبر اکرم (ص) پیش آورد، اشاره کند.

۲. مربی پیچ رادیو را روشن کند و به دانش‌آموزان نشان دهد.

۳. مربی کارت‌هایی با ابعاد ۱۵*۲۰ انتخاب کند و مطالب را با خط خوانا و قشنگ بنویسد و هر کدام را به یکی از شرکت‌کنندگان در مسابقه‌ی خواندن عبارات بدهد تا بدون غلط (مقداری از آن را بدون نقطه بنویسد) بخوانند.

۴. مربی در صورت مناسب بودن وقت و موقعیت این دو مطلب را بدون نقطه بنویسد و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد تا هرکسی زودتر و بدون غلط خواند جایزه‌ای دریافت کند و گرنه به صورت معمولی خوانده شود (کارت‌ها به اندازه‌ی مناسب از قبل تهیه شود).

۱- شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: لزوم بعثت و صحت نبوت پیامبران را چگونه ثابت می‌کنی؟

حضرت فرمود: وقتی ثابت کردیم که ما آفریدگار داریم منزّه (صفات) همه ی آفریدگان، حکیم و والاتر از (صفات) آفریدگان و مردم نمی‌توانند آن را ببینند یا لمس کنند یا با او به بحث و گفت و گو پردازند، ثابت می‌شود که باید در میان مردم سفیران و نمایندگانی داشته باشد تا میان او و بندگانش واسطه باشند و ایشان را به آن چه سود و صلاح است و بقا یا فنا ی ایشان به انجام دادن یا ندادن آن بستگی دارد، راهنمایی کنند.^۱

۲- ابوعلی سینا در شفا می‌نویسد:^۲ «نیاز به بعثت پیامبران در بقای انسان و به دست آوردن کمال‌های وجودی مسلماً از روییدن موهای مژگان و ابرو و فرو رفتگی کف پاها بیشتر است.»
۳- قرآن می‌فرماید:

«... خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل کرد تا در میان مردم، در آن چه اختلاف داشتند، داوری کنند.»^۳
«...فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ...»^۴

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. کارت دوم.

۳. کارت سوم. مربی آیه را در پشت کارت بنویسد و در پایان خودش یا یکی از دانش‌آموزان با صوت زیبا بخواند.

۴. بقره ۲۱۳، در پایان با خواندن دعای فرج می‌توان حالتی روحانی به جلسه وارد داد.

مدیت کران

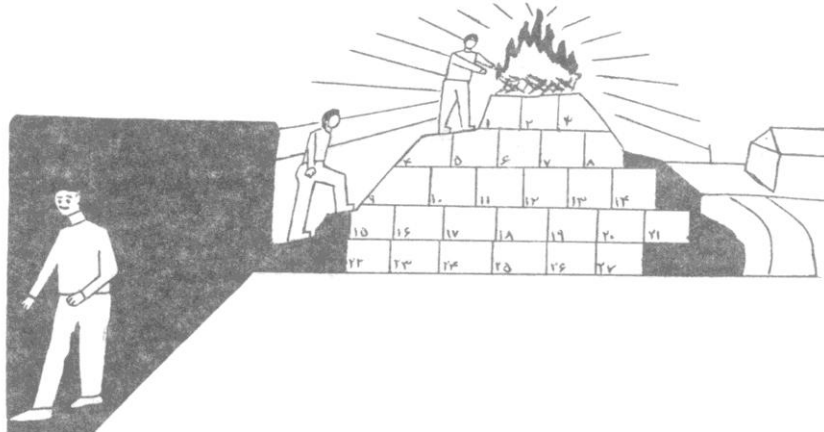
به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

خدمت همه شما دانش آموزان گرامی سلام عرض می کنم امیدوارم که حال همه شما خوب باشد برنامه را با یک سوال شروع می کنم:

آیا می دانید در قدیم که جاذبه و تابلو و علائم مختلف جاده ها نبود و مردم با چهارپایان سفر می کردند، شب ها چگونه راه شهرها را پیدا می کردند؟

یکی از راه ها این بود که آتشی را بر بلندترین قسمت شهر، برای نمونه روی تپه ها کنار شهر یا برج های بلند شهر روشن می کردند تا دیگران با دیدن نور آن، راه را از بیراهه بشناسند و راه خود را برای رسیدن به مقصد که همان شهر مورد نظرشان بوده است، پیدا کنند.

حالا من تصویری از همان تپه و آتش برای شما روی تخته می کشم تا به ادامه برنامه بپردازیم.



در تصویر شماره یک جدول^۱ است که ما باید بعد از قرار دادن حروف خانه‌ها با سوال‌هایی که از شما می‌پرسم، پیام آن را که جاهای خالی حدیث زیر است، پیدا کنید.
امام رضا علیه السلام چنین فرموده است: «امام همانند آتشی بر سر تلّ می‌باشد آن را که نیاز به ... داشته باشد، می‌بخشد و آن را گرفتار ... شود ... راه به او بنماید و هر که از آن ... گیرد، شود.»^۲

خوب عزیزان من! حالا به سراغ سوال‌های جدول می‌رویم تا پیام جدول را به دست آوریم.

۱. به امام و پیشوا چه می‌گویند؟ رهبر (۸، ۱۷، ۷، ۲۳)

۲. از سران لشکر یزید بود، در روز عاشورا توبه کرد و در رکاب امام حسین علیه السلام شهید شد/ حر (۲، ۹)

۳. امام حسین علیه السلام در کجا به شهادت رسید؟ کربلا (۱۱، ۱۸، ۷، ۴، ۲۶)

۴. به با ایمان چه می‌گویند؟ مومن (۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۹)

۵. کدام کشور از نظر وسعت دومین کشور دنیاست؟ (بیش از ۷۰ درصد این سرزمین یخبندان می‌باشد و پایتخت آن شهر اتاوا می‌باشد.^۳ کانادا (۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۱، ۲۷)

۶. به کانال‌های خون در بدن چه می‌گویند؟ رگ (۶، ۱)

۷. به صدای خنده بلند چه می‌گویند؟ هاها (۵، ۲۲، ۱۳، ۲۵)

۸. حرف چهارم از حروف الفبای فارسی! ت (۳)

تا این جا حروف جدول ما کامل شد پیام را متوجه نمی‌شوید، مگر این که کلید پیام را خدمت شما عزیزان بگویم، کلید به دست آوردن پیام، عدد ۷ می‌باشد. ابتدا حرف اول جدول را می‌نویسیم و ۷ تا ۷ می‌شماریم تا پیام را به دست آوریم.^۴

۱. مربی می‌تواند با هماهنگی قبلی برای کشیدن طرح از یکی از دانش‌آموزان که طراح خوبی است، استفاده نماید در ضمن مربی بعد از طرح سوال‌های جدول و در آوردن پیام جدول، تصویر دو نفر، یکی نزدیک آتش و دیگری دور از آتش بکشد.

۲. ابن شعبه حرانی: نطف العقول» علمیه اسلامیة، تهران ف ۱۳۷۹ ق، ج ۲، ص ۵۱۳

۳. جغرافیای قاره‌ها و کشورهای متون درسی سال اول متوسطه، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸

۴. مربی حرف اول جدول را می‌نویسد بعد ۷ تا ۷ می‌شمارد و حرف خانه هفتم را می‌نویسد و ادامه می‌دهد تا پیام کامل به دست آید، پیام جدول گرما، حرارت، مهالک، راه‌کناره، نابود)

با تشکر از شما عزیزان که ما را در به دست آوردن پیام یاری کردید. حالا من تصویر دو نفر را که یکی نزدیک به آتش و دیگری دور از آتش است برایتان روی ای تپه می کشم تا حدیث را بهتر متوجه شوید. ترجمه متن کامل معنای حدیث امام رضا علیه السلام چنین است: امام آتشی بر سر تلّ (تپه) بلندی می باشد که آن را که نیاز به گرما داشته باشد، حرارت می بخشد و آن را که گرفتار مهالک (تباهی) می شود، راه به او می نماید و هر که از آن کناره گیرد نابود می شود. در این تصویر دو نفر را می بینیم که یکی نزدیک به منبع نور و گرما، و دیگری دور از آن منبع می باشد.

نفر اول از دو فایده این منبع بهره می برد:

۱. گرما و حرارت

۲. نور و روشنایی

نفر دوم تنها یک فایده از این منبع می برد که اگر به راهش ادامه دهد، به فایده دوم هم خواهد رسید و آن فایده همان استفاده از نور و روشنایی منبع نور می باشد. حالا تصویر نفر سوم را هم برای شما ترسیم می کنم.^۱ نفر سوم بر خلاف آن دو نفر که رو به منبع نور و گرما حرکت می کنند. پشت به آن حرکت کرده و لحظه به لحظه از آن جا دور و دورتر می شود که در صورت ادامه مسیر، بیش تر در سیاهی فرو می رود و راه را گم خواهد کرد. اگر او از این مسیر بازنگردد، به طور یقین در بیابان های سرد و تاریک از بین خواهد رفت و هلاک خواهد شد.

بنا به فرموده امام رضا علیه السلام آن منبع نور چه کسانی هستند؟ آفرین امامان معصوم علیهم السلام آری امامان ما شیعیان هر کدام برای هدایت ما آماده اند آنان آمده اند تا خداوند را بهتر بشناسیم و از نعمت هایش شکرگزاری کنیم. حالا اگر کسی مثل شخصی که در تصویر نزدیک به منبع گرما است خود را به امامان علیهم السلام نزدیک کند نجات یافته است. هر کسی هم که از آنان فاصله گرفته است ولی به جانب آن توجه کرده است، راه را از بیراهه تشخیص خواهد داد و سرانجام به مقصد خواهد رسید، اما وای به حال کسی که از آن ها فاصله گرفته است و لحظه به لحظه هم از آن ها دور می شود این امر، یعنی دوری از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله موجب نابود شدن آن شخص خواهد

۱. مربی کنار تصویری که از آتش دورتر است، تصویر نفر سوم را که پشت به آتشی دارد، می کشد.

شد.

آری عزیزان من! نور معنوی ائمه علیهم‌السلام در قلب‌هایی که زمینه هدایت دارند، اثر می‌گذارد و گاهی یک نگاه، با یک کلام و یا یک توجه سبب می‌شود که آن‌ها را به راه راست بازگردند و هدایت شوند.

اکنون به داستان فردی که با عنایت ائمه و کلام آنان هدایت شد و نجات یافته، توجه کنید و خوب گوش کنید.

آرام آرام از [کوچه^۱]‌های پر پیچ و خم گذر می‌کرد. در یکی از پیچ‌های کوچه و صدای ساز و آواز بلندی شنیده می‌شد. معلوم بود مجلس عیش و نوش در آن‌جا بر پاست امام کاظم به در آن خانه خیره شد و آهی از ناراحتی کشید که نگاه حضرت به خدمتکار خانه افتاد که به بیرون از خانه برای ریختن آشغال‌ها آمده بود و به اطراف نگاه می‌کرد. امام کاظم علیه‌السلام خدمتکار را صدا زد. خدمتکار با احترام پیش آمد و عرض کرد: آقا بفرمایید کاری داشتید امام فرمود: آیا صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

خدمتکار که از سوال امام تعجب کرده بود با شگفتی پرسید: این چه سوالی است؟ آقا خوب معلوم است که صاحب خانه آزاد است. او پیشخدمت‌های بسیاری دارد و صاحب ثروت فراوان است تعجب می‌کنم که شما چنین سوالی را می‌پرسید.

امام کاظم نیز سرش را به علامت تاکید حرکت داد و فرمود: آری! راست گفتی او آزاد است؛ چون اگر او بنده بود چنین کارهایی نمی‌کرد. او آزاد است که چنین اعمالی را انجام می‌دهد. آن‌گاه امام علیه‌السلام به راه خود ادامه داد. خدمتکار مات و مبهوت به امام کاظم خیره مانده بود که ناگهان صدایی از درون منزل او را به خود آورد خدمتکار به سرعت خود را به داخل خانه رسانید. آقای خانه که [بشر] نام داشت با عصبانیت از او پرسید: پس کجا بودی؟ چرا این قدر دیر بازگشتی؟ خدمتکار جواب داد: داخل کوچه بودم که آقای مرا صدا زد و از من [سوال عجیبی] پرسید: چه سوالی؟ خدمتکار گفت: من سوال کرد که آقای این خانه بنده است یا آزاد؟ من نیز با تعجب جواب دادم خب معلوم است که آزاد. سپس او [حرف عجیب تری] گفت که مفهومی را متوجه

۱. مربی می‌تواند در تعریف داستان از کارت‌هایی ۱۳*۱۸ استفاده کند که کلمه‌های مشخص شده را به ترتیب به دانش‌آموزان نشان داده و داستان را تعریف کند در صورتی که کارت در اختیار نداشت می‌تواند از تعریف این کلمه‌ها را روی تخته بنویسد و هنگام تعریف داستان کلمه‌ها را نشان دهد.

نشدم. بشر که علاقه مند به این سوال و جواب شده بود از خدمتکار پرسید: بگو ببینم آن آقا چه گفته که تو را به فکر فرو برده است، خدمتکار با ترس و لرز جواب داد: آن آقا در جواب من گفت که اگر او بنده بود چنین نمی کرد راست گفتمی او آزاد است که چنین اعمالی انجام می دهد. بشر به یک باره سرجایش میخکوب شد انگار آب سردی بر روی سرش ریخته باشد. چند لحظه ای با چشم های گرد شده خیره خدمتکار را نگاه کرد. ناگهان به خود آمد او دیگر بشر چند دقیقه پیش نبود، با عجله از خدمتکار پرسید: آن آقایی که این حرف ها را زد الان کجاست؟ خدمتکار جواب داد: داخل کوچه نباید زیاد دور شده باشد.

بشر با پای برهنه به داخل کوچه دوید از دور آن **مشعل هدایت** و امام شیعیان را شناخت. دوان دوان خود را به او رساند. حالا بشر بود و امام کاظم علیه السلام پاهای امام علیه السلام را می بوسید و اشک می ریخت. بشر با صدای لرزان و چشم های اشکبار عرض کرد: مولای من، من غافل بودم کلام شما قلب تاریک من را نورانی کرد. می خواهم در محضر شما به پیشگاه خداوند **توبه** کنم. امام علیه السلام با خوشحالی به بشر نگاه کرد و او را از روی زمین بلند کرد و بشر به جهت همین ملاقات پر برکت که با پاهای برهنه به خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و توبه کرد و به **بشر حافی** یعنی بشر پا برهنه معروف گردید.^۱

مشعل هدایتی است که ما با کمک گرفتن از او راه را از بیراه بشناسیم؟ آری امام دوازدهم امام عصر که در غیبت به سر می برند و بر ما لازم است که از عالمان و دانشمندان دین که جانشینان آن حضرت (عج) است، پیروی کنیم.

حالا چند کلمه برایتان نام می برم، شما بگویید که در کدام یک از جاها مورد توجه امام زمان خواهیم بود. مسجد رفتن، همسایه آزاری، نماز اول وقت خواندن، بی توجهی به نماز، کمک به دیگران، دعای ندبه خواندن، اذیت کردن دیگران، زیارت عاشورا خواندن، مجلس روضه امام حسین علیه السلام رفتن، عمل به وعده، احترام کردن به پدر و مادر، بعد از صلوات، ذکر «و عجل فرجهم» گفتن.^۲

۱. سید محمد باقر خوانساری، روضات الجنات اسلامیة، تهران، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۳۲

۲. مربی می تواند این کلمه ها را بر روی کارت هایی بنویسد. اگر ممکن نبود هنگام گفتن کلمات را روی تخته نوشته و با اشاره به آن از دانش آموزان بخواهد که بگویند در کدام یک از این موارد مورد عنایت امام عصر خواهیم بود.

ما نیز در پایان برنامه و به یاد آن امام غایب (عج) که امید استفاده از گرمای وجودشان را داریم، شعری را زمزمه می‌کنیم:

نام شعر بدون تو	گل داغ خورشید هست
تو هستی که در آسمان	صمیمیت بید هست
و توی خیابان و باغ	چه تکراری و کهنه است
بدون تو شعر درخت	به یک آه خواهد شکست
دل صاف آینه‌ها	سیاه و سفید است و تار
بدون تو تصویر باغ	قلم موی سبز بهار
و گم می‌شود زیر خاک	خطوطی کج و درهم است
بدون تو ذهن درخت	و آواز او میهم است
و شعر قناری غلط	زهم کنده خواهند شد
بدون تو سیاره‌ها	پراکنده خواهند شد
و چون نقطه‌هایی سیاه	سراپا نمی‌ایستند
و بی‌تو درختان همه	غریبان‌ه می‌ایستند. ^۱
و مردم سرچار راه	

۱. حسین حداد، نان و پروانه محراب قلم، تهران ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۲

یک راز

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

نوجوانان عزیز! سلام، امیدوارم حال شما خوب باشد، اگر موافق هستید با یک بازی با کلمه به

یک چیزی پی ببریم که نام درس ما را تشکیل میدهد

دوازدهمین حرف الفبای فارسی:

ر

بوته‌ی انگور، تاک:

رز

نهار قرآنی^۱:

روز

عکس سوره‌ی زمر:

مرز

درشت نیست:

ریز

حرف مهم و سری:

راز

بله! آن چیز، یک راز...! بود و ما می خواهیم برای شما از یک راز صحبت کنیم؛ اما این راز با

همه‌ی رازهای دنیا فرق دارد، چون این را می توانیم بگوییم و افشا کنیم.

راز ما خیلی مهم است و شما می دانید که برای رسیدن به چیزهای مهم باید خیلی تلاش کرد،

پس خوب گوش کنید و تمام حواستان را جمع کنید تا با کمک هم به این راز بزرگ دست یابیم.

حالا این راز به چه چیزی مربوط می شود؟

برای پی بردن به این موضوع باید به چند سؤال پاسخ دهید، البته چند سؤال ساده.

تنها اصل از اصول پنج گانه‌ی دین که با حرف الف شروع می شود:

امامت

شمار امامان شیعه:

۱۲

۱ - نباء، ۱۱، (وجعلنا النهار معاشاً).

نام امام دوازهم: امام مهدی (عج)

سالی که امام زمان (عج) به دنیا آمد: ۲۵۵ هـ ق

سال قمری که در آن قرار داریم: ۱۴۲۲

با یک حساب ساده سن امام زمان (عج) می شود: $1422 - 255 = 1167$

خوب! موضوع درس هم این است که چگونه می شود یک انسان این همه عمر کند. اگر از شما بپرسند چه جواب می دهید؟^۱

در این رابطه اگر موافق باشید، با هم یک بحث عملی - تقریحی را شروع می کنیم تا هم به اطلاعات خود بیفزاییم و هم به پاسخ این سؤال بریم. موافقت؟^۲ بله! ما چهار جواب برای این سؤال داریم من عنوان آن ها را روی کارت نوشته ام.

قرآنی	روایی	تاریخی	عقیدتی
-------	-------	--------	--------

۱- طول عمر در قرآن:

خداوند در آیه چهاردهم سوره ی عنکبوت می فرماید: حضرت نوع عليه السلام فقط ۹۵۰ سال به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.^۳ پس معلوم می شود یک انسان می تواند عمر زیادی داشته باشد.

۲- جواب امام صادق عليه السلام

امام صادق عليه السلام در پاسخ به این سؤال فرمود:

«... چون خداوند می خواست به قائم ما (حضرت مهدی (عج)) عمر طولانی بدهد و می دانست که بندگان بر طول عمر او اشکال خواهند کرد. به همین جهت عمر بنده ی صالح خویش «خضر» را طولانی ساخت که به آن استدلال شود و عمر قائم (عج) به آن تشبیه شود...»^۴

۱ - مربی اندکی تأمل کند و جواب های دانش آموزان را بشنود.

۲ - مربی چهار کاردی را که عناوین جواب ها بر روی آن نوشته شده است رو به روی دانش آموزان قرار دهد ضمناً پشت هین کارت (متناسب) خلاصه ی جواب ها نوشته شده است.

۳ - «... فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاماً...».

۴ - سید محمد کاظم قزوینی: «امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور»، علی کرمی، سید محمد حسینی، الهادی، قم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۴۵.

۳- جواب تاریخی:

راستی بچه ها! شما اطلاعات تاریخی تان در چه حدی است؟ می توانید به خودتان نمره بدهید! من چند نفر از کسانی را که عمر طولانی داشته اند و نام آن ها در تاریخ آمده است ذکر می کنم شما بگویید چند سال عمر کرده اند؟^۱

۲۳۰۰ ۱- حضرت نوح علیه السلام:

۹۳۰ ۲- حضرت آدم و حضرت سلیمان علیه السلام:

۷۰۰ ۳- عزیز مصر که از آن در سوره ی یوسف نام برده شده است:

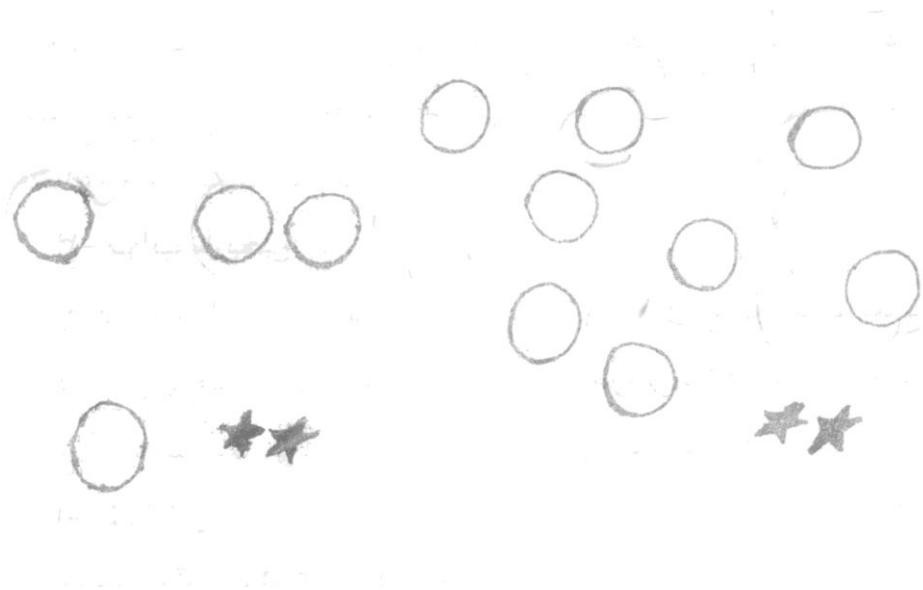
۲۳۰۰ ۴- مردم در زمان حضرت نوح علیه السلام چند سال می زیستند؟

چند تا جواب دیگر باقی مانده است؟ بله! فقط یک جواب و آن هم جواب اعتقادی است، اتفاقاً قسمت جذاب و شیرین درس ما هم این جا است؛ جایی که آن راز بزرگ فاش می شود و علاوه بر آن شما هم می توانید حسابی امتیاز جمع کنید.^۳

۱ - مربی پاسخ هر سؤال را روی تخته بنویسد.

۲ - سید محمد کاظم قزوینی: پیشین، ص ۴۵۷.

۳ - مربی ۱۲ دایره رسم کند و ۱۲ کلمه (هر کلمه پاسخ یک سؤال) درون آن ها بنویسد و با کنار هم گذاشتن حروف اول و آخر هر کلمه به ترتیب از دایره ی اول تا دوازدهم، پیام بازی، استخراج می شود. تعداد سؤالات را باید بین گروه ها تقسیم کرد و به ازای هر پاسخ یک امتیازی در نظر گرفت. ضمناً علاوه بر سؤال و به دست آوردن پیام کلمه ی مورد نظر که مرتبط به درس می باشد نیز از امتیاز برخوردار است. مربی به دلخواه خود می تواند برای هر قسمت امتیاز ویژه ای در نظر گرفته و به دانش آموزان اعلام کند. (مثلاً برای پاسخ به هر سؤال ۵ امتیاز، حدس پیام مسابقه ۱۰ امتیاز و حدس کلمه ی مورد نظر ۱۵ امتیاز) توجه شود که کلمه ی ششم به خاطر دقت و توجه بیشتر دانش آوزان، برعکس استفاده می شود یعنی به جای ترکیب اول و آخر، ترکیب آخر و اول آن مراد است، از این رو روی ششم علامت فلش برعکس (از چپ به راست) جهت توجه نصب می گردد.

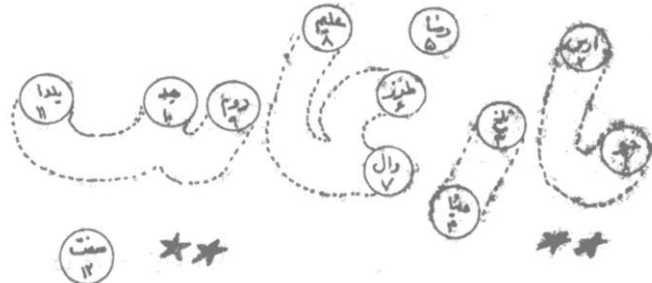


- | | |
|------|---|
| خو | ۱- به معنای خُلق و عادت: |
| ارس | ۲- رودخانه‌ی مرزی ایران با یک کشور آسیای میانه: |
| تلخ | ۳- مزه‌ای که توسط قسمت انتهایی زبان احساس می‌شود: |
| دنیا | ۴- جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، گیتی: |
| رضا | ۵- لقب امام هشتم، به معنای راضی: |
| طرز | ۶- نحوه، شیوه و روش: |
| وال | ۷- بزرگ‌ترین جانور دریایی: |
| علیم | ۸- یکی از صفات خدا به معنای بسیار دانا: |
| روم | ۹- یکی از امپراطوری‌های قدیم که در قرآن سوره‌ای به نام آن آمده است: |
| هد | ۱۰- ضربه‌ی سر در فوتبال: |
| یلدا | ۱۱- بلندترین شب سال: |
| سفت | ۱۲- محکم و سخت: |

پیام مسابقه‌ی ما، همان‌طور که آن را پیدا کردید عبارت است از:

«خواست خدا راز طول عمر مهدی (عج) است»

حالا من از این دایره ها یک کلمه می سازم، چه کلمه ای شد؟



کدام یک از شما می تواند پیام مسابقه را توضیح دهد، یعنی چگونه می شود که خواست خدا دلیل طول عمر یک انسان شود؟^۱

خوب بچه ها! تا حالا جواب های این سؤال مهم را به خوبی فراگرفتید و این همه زحمت کشیدید تا به جواب ها برسید. لذا اگر کسی از شما سؤال کرد و این اشکال را وارد کرد، خواهید توانست پاسخ های محکم و مستدلی را برای او بیاورید.

امام الآن من یک سؤال اساسی دیگر دارم، آیا شما دوست دارید که آقا امام زمان (عج) زودتر تشریف بیاورند؟ آقایی که از وصف او گفته شده است:

مثل آبی؛ نه! مثل خورشیدی
نه! از آن بهتری، تو امیددی

آب هستی برای تشنه لبان		نور هستی برای شب زدگان
نور امید خسته ها هستی		داروی دل شکسته ها هستی
روزی از راه کعبه می آیی		تا که درهای بسته بگشایی
بهتر از حرف این و آن هستی		مهدی صاحب الزمان هستی ^۲

راستی آیا می دانید دو حرف (عج) که بعد از نام مبارک امام زمان علیه السلام می نویسند، نشانه

۱ - مری بعد از شنیدن جواب ها در جمع بندی آن ها بگوید: «چون آفریننده ی طبیعت است، لذا خواست و اراده ی او از طبیعت و قوانین حاکم بر آن فراتر است و می تواند در آن هر گونه که بخواهد تصرف کند (مثل کوزه گری که می تواند کوزه را به هر شکلی در آورد، و تا هر وقت که بخواهد آن را نگه دارد). چون اوست که خواص و ویژگی پدیده ها را به آن ها ارزنی داشته پس می تواند هر که را اراده کند و تا هر وقت که بخواهد زنده بدارد.» سید محمد کاظم قزوینی: پیشین، ص ۴۵۰.

۲ - (شعر از مصطفی رحماندوست) محمود پوروهاب، مجید ملامحمدی: «آیه های آفتاب»، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۴.

اختصاری چه کلمه ای است و به چه معناست؟

بله! اختصار «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است، یعنی: خداوند بزرگ ظهور ایشان را نزدیک فرماید.

سؤال: ما چگونه می‌توانیم در نزدیک شدن ظهور ایشان نقش داشته باشیم و چه کار می‌توانیم بکنیم که خداوند ایشان را زودتر به ما برساند تا مسلمانان را نجات دهد.

بله! یکی از کارهای بزرگی که ما می‌توانیم در این زمینه انجام دهیم. دعا کردن و خواستن از خداوند است، مثل چه دعایی؟

یکی مثل همان دعایی که الآن گفته شد، دیگر چه دعایی بلدید؟ یک دعای کوتاه هست که بعد

از صلوات آن دعا را می‌خوانند، چه کسی بلد است؟ بله! (وعجل فرجهم)^۱

یک دعای بلند هم داریم که صبح‌های جمعه، آن را می‌خوانند؟ دعای ندبه^۲

دعای دیگر هم داریم که معمولاً بعد از نماز آن را می‌خوانند چه کسی بلد است؟

بله! دعای (الهی عظم البلاء و...) ^۳

و دعای معروف دیگر که ما می‌خواهیم جلسه امروزمان را با آن تمام کنیم دعای (الهم کن

لولیك الحجة بن الحسن...) ^۴ است. دست‌ها را بالا ببرید تا با هم بخوانیم.

۱ - شیخ عباس قمی: «مفاتیح الجنان»، موسوی دامغانی، صبا، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۱.

۲ - همان، ص ۸۷۹.

۳ - همان، ص ۷۴ و ۸۷۸، می‌توان از دانش‌آموزان خواست که ترجمه این دعا را به عنوان کار در منزل انجام داده و بیاورند.

۴ - همان، ص ۳۷۹.

میزان

مربی شکل ساده ای از ترازو را در قسمتی از تخته رسم می کند^۱ و از دانش آموزان سؤال می کند:

ترازو چه کاربردی دارد؟

جواب: برای وزن کردن است.

در وزن کردن یک چیز ثابت وجود دارد که «میزان» است، مثلاً سنگ یک کیلویی، میزان است. میزان ها متفاوتند.

برای سنجش وزن «اجسام»، میزان، «وزنه های ثابت» است.

برای سنجش «طول و عرض»، میزان، «متر» است.

برای سنجش «صحت جسم انسان»، میزان «معیارهای بهداشتی» است.

آیا می دانید برای سنجش اعمال انسان، میزان چیست؟

میزان، قوانین و معارف الهی است، اگر عمل آدمی مطابق آنچه خداوند می خواهد باشد، میزان است.

این اعمال چه زمان و در کجا سنجیده می شوند؟

در قیامت.

قیامت چگونه برپا می شود و ضرورت برپایی آن چیست؟

ضرورت برپایی قیامت از دو راه ثابت می شود:

۱ - شکل ترازو به اندازه ای باشد که جا برای مطالب دیگر روی تخته باشد.

۱. عقل

۲. خبر انبیای الهی

عقل

ما می‌دانیم که خدا عادل و حکیم است. از طرفی می‌بینیم خیلی از صاحبان حق بدون آن که به حق خود برسند، می‌میرند و بعضی از بدکاران نیز بدون آن که مجازات شوند می‌میرند. اگر این افراد به آنچه مستحق هستند نرسند ظلم است، در حالی که خدا عادل است.

خبر پیامبران

تمام ادیان آسمانی خبر از وقوع رستاخیز داده‌اند. پیامبران هم از راه وحی کسب خبر می‌کنند و معصوم هستند، لذا اخباری که می‌دهند صددرصد صحیح است. آیات زیادی در قرآن خبر از وقوع قیامت و چگونگی آن داده‌اند.

معمای قرآنی:^۱

در جزء سی ام قرآن، چه سوره‌هایی با «اذا» شروع شده است؟^۲

مربی از یک یا چند دانش آموز می‌خواهد که ترجمه آیات اول این سوره‌ها را برای دیگران بخوانند. هنگام خواندن، مربی کلمات زیر را روی تخته می‌نویسد: «کوه»، «زمین»، «خورشید»، «ستاره»، «دریا»، «حیوانات» و ... آن گاه همراه با ترجمه آیات، در هر مورد توضیح مناسب را بیان می‌کند.

آیات این سوره‌ها^۳ خبر از تغییر و تحوّل آسمان و زمین می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «در صور دمیده می‌شود و بر اثر آن همه جانداران جان می‌سپارند^۴ و عالم هستی دگرگون می‌شود، خورشید و ستارگان خاموش می‌شوند، کرات معلق در فضا به شدت با هم تصادم خواهند کرد. کوه‌های سر به فلک کشیده مانند ذرات پشم زده شده می‌شوند. اقیانوس‌های عظیم و دریاها شکافته می‌شوند

۱ - مناسب است دانش آموزان، قرآن جزء سی ام را همراه داشته باشند.

۲ - سوره‌های تکویر ۸۱، انفطار ۸۲، انشقاق ۸۴، زلزله ۹۹، نصر ۱۱۰.

۳ - غیر از سوره نصر.

۴ - زمر ۶۸ «و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض».

و جهان خاموش می‌شود.

در روز قیامت هر انسانی از برادر خود، از مادر و پدر خود و از دوست و فرزندان خود فرار می‌کند^۱ و هر زن شیرده از هول و هراس، طفل خود را فراموش می‌کند مردم حالت گیجی دارند.^۲ انسان‌ها سؤال می‌کنند که چه شده است؟^۳، همه به زانو درمی‌آیند و هر فرقه‌ای به سوی کتاب (نامه عمل) خودش خوانده می‌شود.

نامه اعمال هر کسی به دست او داده می‌شود، کسانی که عمل نیکو داشته‌اند، خوشحالند و می‌گویند: «این روز (قیامت) را اعتقاد داشتم^۴» بدکاران می‌گویند: «ای کاش نامه‌ام را به من نمی‌دادند ای کاش هرگز از حساب اعمالم آگاه نمی‌شدم».^۵ دادگاه عدل الهی تشکیل می‌شود.

ویژگی‌های این دادگاه

۱. هر کس اعمال خود را حاضر شده می‌یابد.^۶
۲. شاهدان دادگاه: فرشتگان، پیامبران و برگزیدگان خدا^۷ (حتی اعضای بدن انسان گواهی می‌دهند)^۸
۳. حساب در آن جا دقیق است.^۹
۴. هیچ کس بار دیگری را نمی‌کشد.^{۱۰}
۵. جایزه: به نیکوکاران ده برابر پاداش می‌دهند.^{۱۱}

۱ - «فاذا جاءت الصاخّة، يوم يفر المرء من اخيه، ...» عبس / ۳۳ الی ...

۲ - «يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما أرضعت و ...» مدثر / ۱۰-۸.

۳ - «وقال الانسان ماله»، زلزله / ۳.

۴ - «فاما من اوتى كتابه ...» حاقه / ۲۰-۱۹.

۵ - سوره حاقه / ۲۵ الی ۲۹.

۶ - «يوم تجد كل نفس ما عملت من خير» آل عمران / ۳۰.

۷ - «وجىء بالنبيين و الشهداء...» زمر / ۶۹.

۸ - «يوم تشهد عليهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم...» نور / ۲۴.

۹ - «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره و من ...» زلزله / ۷/۸.

۱۰ - «ولا تزر وازرة اخرى» زمر / ۷.

۱۱ - «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» انعام / ۱۶۰.

۶. جریمه: گناه گمراهی دیگران به گردن گمراه کننده است.^۱
 ۷. هر کس به فکر خویش است.^۲
 ۸. نتیجه دوستی با افراد ناباب معلوم می‌شود.^۳
- رأی دادگاه اعلام می‌شود، عده ای به اردوگاه تفریحی بهشت می‌روند و عده ای هم به بازداشتگاه خطرناک جهنم سوق داده می‌شوند.

کیفیت نعمت های الهی در بهشت

۱. فضای سبز^۴
۲. چشمه های بهشتی با نهرهایی از عسل و شیر و ... که فاسد نمی‌شود^۵
۳. خوردنی های لذیذ
- الف. گوشت پرنده^۶
- ب. هر میوه ای که دلشان بخواهد^۷
- لباس های فاخر^۸
- قصرهای مجلل^۹
- ...

کیفیت بازداشتگاه مخوف (جهنم)

- ◀ افراد بازداشت شده، کافران و منافقان هستند.^{۱۰}

-
- ۱ - «لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضَلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ...» نحل / ۲۵.
 - ۲ - «يَوْمَ يَفِرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ...» عبس / ۳۴.
 - ۳ - ... «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» فرقان / ۲۸.
 - ۴ - فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ جَانِبِ الْجَحْدِقِ / ۲۲.
 - ۵ - «فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ»، محمد / ۱۵.
 - ۶ - «وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ» واقعه / ۶.
 - ۷ - «وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ» واقعه / ۲۰.
 - ۸ - «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سَنَدُسٌ» انسان / ۲۱.
 - ۹ - «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ»، زمر / ۲۰.
 - ۱۰ - «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» نساء / ۱۴۰.

- ◀ قیافه آن‌ها را پوششی از تاریکی گرفته است.^۱
- ◀ مأموران عذاب، خشن و تندخو هستند.^۲
- ◀ غذایشان «زقوم» است و خوردن آن بر سوزش اندرونشان می‌افزاید.^۳
- ◀ آب خوردن آنان مانند آهن گداخته است...^۴
- ◀ لباس آتشین دارند.^۵
- ◀ سرتا پایشان آتش است.^۶

ارتباط جهنمی‌ها با بهشتی‌ها

۱. جهنمی‌ها تقاضای آب می‌کنند، ولی از طرف بهشتی‌ها جواب می‌شنوند که خداوند آن را بر کافران حرام کرده است.
۲. بهشتی‌ها سؤال می‌کنند که چرا شما در جهنم افتادید؟
جواب می‌دهند: ما اهل نماز نبودیم طعام به مسکین نمی‌دادیم، با بیهوده گویان بیهوده گویی می‌کردیم و به قیامت ایمان نداشتیم.
۳. شیطان به جهنمی‌ها می‌گوید: خداوند به شما وعده حق داد و من وعده خلاف. من تسلط بر شما نداشتم (کارهای شما اختیاری بود) من شما را دعوت کردم، ولی خودتان قبول کردید. مرا سرزنش نکنید، بلکه خود را ملامت کنید.^۷

یوم الحساب

هان! که خداوند بزرگ و احد خود خبر از روز قیامت دهد

۱ - «کانما اغشیت وجوههم قطعاً من اللیل مظلماء» یونس / ۲۷.
 ۲ - «... علیها ملائکة غلاظ شداد»، تحریم / ۶.
 ۳ - «... فانهم لأکلون منها فمالئون منها البطون...»، صفات / ۶۶.
 ۴ - «و ان یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل...»، کهف / ۲۹.
 ۵ - «قطعت لهم ثیاب من نار»، حج / ۱۹.
 ۶ - «و یصلی سعیراً»، انشقاق / ۱۲.
 ۷ - با استفاده از جزوه آخرین سفر نوشته حجة الاسلام حسین قدوسی.

زود شود بر همه کس آشکار	راستی وعده پروردگار
دیده دل باز کن اینک ببین	جلوه آیات خدا در زمین
رشد درختان زدل دانه ها	ناز گل و گردش پروانه ها
مرغ شب و زمزمه جویبار	ریزش پر همه آبخشار
این همه آیات که بیهوده نیست	غیر خدا خالق و فیاض کیست؟

ای بشر امروز بکن فکر خویش	هست تو را روز حسابی به پیش
روز مکافات گناه و صواب	روز گرفتاری و «يوم الحساب»
روز حساب بد و نیک همه	عدل خدا قاضی آن محکمه
هر که در آن محکمه محکوم شد	خوار و سرافکنده و محروم شد
قسمت او در طبقات جحیم	حسرت و درد است و عذاب الیم
منزل هر مؤمن نیکو سرشت	غرفه پر نعمت باغ بهشت
عطر گل و موج خوش نهرها	برتر از آن قرب و رضای خدا

شعر از: حسان

پرسش و تمرین

۱. میزان برای سنجش اعمال آدمی چه چیزی است؟
۲. ضرورت برپایی قیامت از چند راه ثابت می شود؟ ذکر نمایید.
۳. سه ویژگی از ویژگی های دادگاه عدل الهی در روز قیامت را ذکر کنید.
۴. جهنمی ها در برابر سؤال بهشتی ها که چرا به جهنم افتادید چه پاسخی می دهند؟

فصل دوم

قرآن

کتاب زندگی

سرفصل کلی:

حوزه مخاطب و مسجد (قرآن)

موضوع درس:

آشنایی دانش آموزان با قرآن و جایگاه آن در زندگی

هدف گذاری:

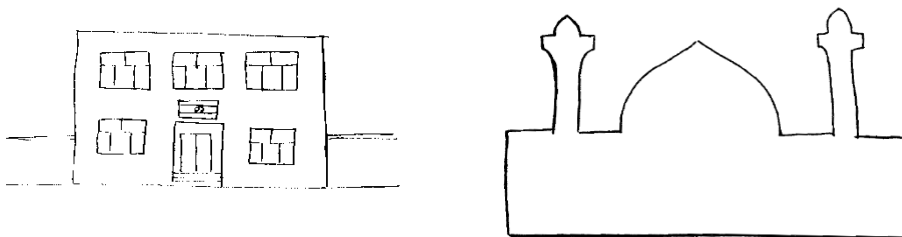
در این درس ابتدا با مقایسه دوباره مدرسه و مسجد، تشبیهی بین اجزای این دوازده قبیل کتاب درسی و مؤلفین آن با قرآن و ائمه خواهیم داشت و سپس در این درس به بیان مطالبی پیرامون قرآن کریم جهت آشنایی نوجوانان با این کتاب آسمانی خواهیم پرداخت. البته در ذکر نکات، بیش از آنکه به فکر افزودن اطلاعات بعضاً سرگرم کننده برای مخاطب باشیم، درصددیم که گاهی هر چند کوچک در جهت تغییر نگرش وی به قرآن، به عنوان راهنمای زندگی ایجاد کنیم؛ ان شاء الله. لذا به مقدار بسیار جزئی و تنها به قدر ضرورت به بیان مباحث تحت عنوان معماهای قرآنی خواهیم پرداخت.

در درس های بعد هم به معرفی الگوسازانه از چهارده معصوم علیهم السلام خواهیم پرداخت که در جای خود توضیحات آن خواهد آمد.

درس نامه:

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در درسهای قبلی درباره مسجد و مدرسه و اهمیت هر کدام صحبت کردیم. حالا می‌خواهیم به یکی دیگر از فرقهای این دو جای مهم در زندگی هر کسی اشاره کنیم. اول بریم سراغ کشیدن عکس مسجد و مدرسه تا بهتر بتوانیم درباره آنها صحبت کنیم. حالا دو نفر بیاوند پای تخته و هر کدام شکل یکی از این دو جا را بکشند.



چه کسی می‌تواند بگوید که معلمها و دانش‌آموزان در مدرسه درس را از چه چیزی یاد می‌دهند و یاد می‌گیرند؟
کتاب درسی (در شکل نوشته شود)

مثل چه کتابهایی؟ ریاضی، قرآن، دینی، علوم، زیست و...

در مسجدها مردم و روحانی مسجد از چه کتابهایی استفاده می‌کنند؟ کتاب زندگی (در شکل)

مثل چه کتابهایی؟

قرآن، مفاتیح الجنان، رساله توضیح المسائل، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و...

در اینجا مربی از دانش‌آموزان بخواهد که درباره هر کدام از این ۵ کتاب یک نفر و خیلی خلاصه توضیح دهد و سپس خود مربی با تکمیل توضیح آنها، آشنایی اجمالی با این کتب را برایشان پدید آورد.

خب؛ حالا ببینیم که کتابهای مدرسه و کتابهای مسجد چه فرقهایی با هم دارند.

کتابهای مدرسه را چه کسانی می‌نویسند؟

استادهای هر رشته. مثلاً درس ریاضی را چند تا از اساتید و آدمهایی که در ریاضی تخصص دارند می‌نویسند که به آنها مؤلف کتاب درسی می‌گویند.

کتابهای مسجد را چه کسانی نوشته‌اند؟

علماء و اساتید دینی که سالهای زیادی دربارهٔ مسایل دینی و مذهبی درس خوانده و تحقیق کرده‌اند.

مؤلفین کتابهای درسی در این کتابها حرف و نظر چه کسانی را می‌نویسند؟
دانشمندان و محققین ایرانی و خارجی.

علمای دینی در کتابهای خود حرف چه کسانی را می‌نویسند؟
۱. خدا
۲. چهارده معصوم

آیا ممکن است که حرف خدا و یا پیامبر خدا و امامان معصوم اشتباه از آب در بیاید؟ خیر

حرف دانشمندان و محققان چطور؟ بله

می‌دانید چرا؟

خداوند از همه چیز در قبل و بعد با خبر است و همه چیز را خودش آفریده؛ پس طبیعی است که دقیقترین و درست‌ترین اطلاعات را دربارهٔ هر چیزی داشته باشد. معصومین هم که از خدا علم خود را می‌گیرند، طبیعتاً آنها هم علم صحیح و بدون اشکالی دارند و هر چه بگویند درست است؛ البته ممکن است که ما به خاطر علم و عقل ناقص خود آن حرفها را نفهمیم. اما دانشمندان به هزاران دلیل ممکن است اشتباه کنند. زیرا علم آنها با تجربه بدست می‌آید که به آن علم تجربی می‌گویند. تجربه هم محصول حس کردن است یعنی دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و لمس کردن. پس کاملاً امکان دارد که دانشمندی که نظری می‌دهد، موقع تحقیق دربارهٔ آن به دلیل مریضی، حواس پرتی، مشکل روحی، خستگی، خوشحالی و... اشتباه دیده باشد، اشتباه شنیده باشد، اشتباه بوییده باشد، اشتباه لمس کرده باشد، اشتباه چشیده باشد و یا حتی اشتباه حساب کرده باشد و اشتباه تصور کرده باشد و اشتباهات بسیار دیگر که هیچکدام از این اشتباهات در خدا نیست.

* خوب است مربی از روز قبل متن زیر را به دو دانش‌آموز بدهد که موقع تعریف آن توسط مربی، به صورت پانتومیم (نمایش بی‌صدا) اجرا کنند.

داستان پلیسی

یک حادثه در یک فروشگاه بزرگ اتفاق می‌افتد و دو نفر به شما خبر این حادثه را می‌دهند. هر دو خبر هم با هم کاملاً فرق دارد. یکی از آنها مدیر فروشگاه است که سالهاست در آنجا کار می‌کند و حوادث زیادی مثل آن را دیده و به جز اینکه با چشم خودش حادثه را دیده، با دوربینهای مختلف و از زوایای مختلف هم حادثه را دیده و ضبط کرده است. نفر دوم نانوایی است که مغازه او روبروی فروشگاه، در آن طرف خیابان است که:

۱- صدایی را نمی‌شنیده ۲- صحنه را از فاصله دور و از پشت شیشه دیده ۳- قسمتی حادثه در پشت قفسه‌های فروشگاه بوده که او اصلاً ندیده ۴- او مشغول پخت نان بوده و برای همین هر چند لحظه یک بار به سمت تنور می‌چرخیده و نان را درون آن می‌گذاشته و برای همین حادثه را یکی در میان دیده ۵- این نانوای عینک ته استکانی داشته و از قضا آن روز عینکش در خانه جا مانده بوده! ۶- این نانوای تازه به این محل آمده بوده و تا حالا فکر می‌کرده که آن فروشگاه یک نانوایی بزرگ و با کلاس است! و...

حالا اگر شما کارآگاه تشخیص عامل حادثه باشید، حرف کدام یکی را قبول می‌کنید؟

با این حال آیا می‌شود به یک نفر عادل باشد، در حالی که وقتی بین حرف خدا و معصومین و حرف دانشمندان و علوم روز اختلاف می‌بیند، حرف خدا و معصومین را کنار می‌گذارد و می‌گوید «نه، این دانشمندان کلی فکر کرده‌اند! اینها رایانه و اینترنت دارند و...»

تذکر: البته به دانش‌آموزان باید یادآوری شود که علوم تجربی هم قابل احترام و عمل هستند؛ منتهی تا زمانی که با علم قطعی و حقیقی یعنی وحی و کلام معصوم که از وحی سرچشمه گرفته، مخالف نباشند.

معما!

آن چیست که در تمام موقعیت‌های زیر هست؟

- سر قبر
- در خانه‌ای که کسی مرده است
- سفره عقد
- طاقچه اتاق
- زیر آینه ماشین به صورت آویز!!

- داخل ویتترین کتابخانه (البته در قفسه‌ای که دست آدم به آنجا نمی‌رسد)

- کنار آبی که پشت سر مسافر می‌ریزند.

یک راهنمایی: آن چیز در اصل برای هیچکدام از این کارها نیست و برای کار مهمتری به وجود آمده است!!!

این چیز در واقع یک کاتولوگ یا دفترچه راهنماست که صاحب هر کارخانه‌ای با محصول خودش می‌دهد. این دفترچه راهنما را هم صاحب کارخانه انسان سازی یعنی خدا داده و هر کس طبق آن عمل کند بهترین آدم و محصول می‌شه و کسی که مخالف آن عمل کند، بدترین محصول خواهد بود.

حتماً همه فهمیدید که منظور چیست. آری؛ قرآن

توجه توجه توجه

این کتاب با تمام محتوای آسمانی و معجزه بودن، موقعی برای آدم فایده دارد که مطالب آن را بخواند و به آنها عمل کند؛ برای همین، اینکه قرآن را در جیب یا جلوی ماشین یا سفره عقد و... بگذاریم و یکبار هم آن را نخوانیم چه برسد به عمل کردن به آن، هیچ فایده‌ای ندارد. مثل این است که در ماشین بنشینیم و کمر بند ایمنی را نبندیم. بعد با خود بگوییم: «خب ماشین ما کمر بند ایمنی دارد و ان شاء الله برای ما اتفاقی نمی‌افتد!» هر آدم عاقلی به این فرد می‌خندد و می‌گوید: «تا کمر بند را نبندی و از آن استفاده نکنی که خطر از بین نمی‌رود.» قرآن هم همینطور است.

معما:

چه کسی می‌داند این شعری که می‌خوانم مربوط به کدام سوره از قرآن است؟

همان ذاتی که او را نیست اولاد
نه زایید و نه او را هیچ کس زاد
سوره توحید

چه کسی این سوره را می‌تواند صحیح و زیبا بخواند؟

چه کسی این سوره را می‌تواند ترجمه کند؟

فرمول‌های خوشبختی:

همانطور که گفته شد، قرآن کتاب زندگی است و لذا در آن راههای خوشبختی و سعادت نشان داده شده‌اند. که به عنوان نمونه به چند فرمول اشاره می‌کنیم.

تذکر: مربی گرامی پیش از ارائه هر فرمول، ابتدا به صورت جمع خوانی آن آیه و سوره را تلاوت کنند، سپس یکی از دانش‌آموزان ترجمه آن را بگویند و سپس این فرمول با سؤال و کمک از مخاطب به روی تخته نوشته شود و با آیات تطبیق داده شوند:

۱- سوره مبارکه عصر ← فرمول سعادت

ایمان+عمل صالح+سفارش یکدیگر به حق+سفارش یکدیگر به صبر=سعادت و خوشبختی

۲- سوره مبارکه نصر ← فرمول پیروزی

پیروزی از دین خدا + تسبیح و حمد خدا + استغفار + توبه = پیروزی

۳- سوره مبارکه ماعون ← فرمول دین داری

قبول دین + یتیم نوازی + حفظ مال یتیم + نماز خواندن + ریا نداشتن + زکات دادن = دین داری

یادآوری:

البته درباره قرآن دانستیها و مطالب و نکات بسیاری می‌توان گفت که قطعاً از مجال این درس خارج است. لذا به همین مقدار که نگاهی نو به اصل و برخی جزئیات ایجاد شود مفید است؛ ان‌شاءالله.

جریان سازی پرورشی:

۱. درخواست نقاشی کشیدن مفهوم یک آیه یا سوره

۲. درخواست استخراج فرمول مانند آنچه ذکر شد

۳. درخواست پیشنهاد برای استفاده عملی از قرآن ← جایزه ویژه فرصت کافی برای طرح برتر.

ماده ملکوتی

موضوع

ضرورت انس با قرآن، و مراحل و شیوه حضور قرآن در زندگی.

هدف کلی

ارتقای انگیزه نوجوان در زمینه انس با قرآن و مواجهه با قرآن به عنوان کتاب زندگی، همراه با تبیین مراحل و شیوه توجه و انس با قرآن.

هدف رفتاری

امید است که نوجوانان عزیز با الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم السلام و بزرگان توجه بیشتری به قرآن در زندگی داشته باشند؛ همچنین طبق روش‌های پیشنهادی، انس با قرآن را فراتر از تلاوت آیات بدانند و با مفاهیم آن آشنا شود.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی - توصیفی؛ ۲. روش فعال (استفاده از پرسش و پاسخ برای بهره بردن از آگاهی‌های نوجوان در ضمن بحث)؛ ۳. جدول؛ ۴. معما؛ ۵. داستان.

رسانه‌های آموزشی

تخته و ماژیک، فلش کارت.

سلام بچه‌های عزیز!

امیدوارم همیشه، خوب و شاد و سلامت و سرزنده باشید. قبل از شروع برنامه، اجازه دهید

جهت تعجیل در فرج و سلامتی امام عصر علیه السلام به پیشگاهش همه با هم صلواتی را هدیه کنیم:

«اللهم صلی علی محمد و آله محمد و عجل فرجهم.»

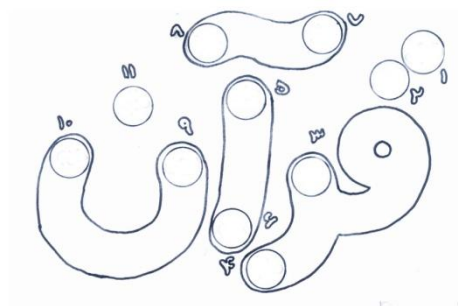
دوستان من! چند دایره روی تخته می‌کشم و از شما عزیزان می‌پرسم که به نظر شما، با این دایره‌ها چه کلمه‌ای را می‌توان نوشت؟ (مربی دایره‌ها را به ترتیب شماره رسم می‌کند. سپس مطابق شکل، آن را کامل می‌کند.)

دقت کنید من کم‌کم برخی از قسمت‌ها را به هم وصل می‌کنم. شما حدس بزنید که چه کلمه‌ای است؟ هم‌زمان با وصل کردن دایره به هم، به این حکایت گوش کنید و حدس بزنید این حکایت از زبان کیست؟

... شرح مسلمان شدنش را چنین می‌گوید: در نیویورک که بودم یک روز در کتابخانه قدم می‌زدم و کتاب‌ها را نگاه می‌کردم؛ چشمم افتاد به کتابی که رویش نوشته شده بود: قرآن کریم. کنجکاو شدم که ببینم در قرآن چه چیزی آمده است؛ آن را برداشتم و شروع کردم به ورق زدن، و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم که این کلمات، کلماتی نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. آن را امانت گرفتم و بیشتر مطالعه کردم و احساس کردم که آن را می‌فهمم و قبول دارم. ... بعد از این قضیه، به یک مرکز اسلامی در نیویورک مراجعه می‌کند و درخواستش مبنی بر این‌که می‌خواهد مسلمان شود را مطرح می‌کند و مسلمان می‌شود.^۱

شما را یک راهنمایی می‌کنم؛ نام چیزی است که جایش در زندگی ما روی تاقچه، سر سفره عقد، گوشه کتابخانه، و سر قبر و مجلس فاتحه مردگانمان است؛ البته از همه مهم‌تر این‌که: کتاب بزرگ زندگی است! خوب، جواب این سؤال چیست؟ شما بگو. آفرین! «قرآن کریم.» خوب، بچه‌ها این دوستان را تشویق کنید. ممنونم. حالا برای سلامتی‌اش، یک کف مرتب، نه یک صلوات قشنگ بفرستید. آفرین به بچه‌های گلم!

۱. نام این فرد، «ادواردو آنیلی» می‌باشد که پدرش سناتور ثروتمندی می‌باشد که مالک چند کارخانه اتومبیل‌سازی مانند کارخانه فیات و چند بانک خصوصی می‌باشد.



سه نفر از سران قریش: ابوسفیان، ابوجهل و اخنس بن شریف، شبی از شب‌ها برای شنیدن آیات قرآن به طور مخفیانه نزدیک خانه پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ در حالی که آیات قرآنی را تلاوت می‌کرد، هر کدام در گوشه‌ای پنهان شدند؛ بدون آن‌که دیگری با خبر شود و تا صبح، گوش به تلاوت قرآن سپردند. هنگام طلوع فجر متفرق شدند؛ ولی در راه یکدیگر را دیدند؛ در حالی که هر کدام دیگری را سرزنش می‌کرد و با هم پیمان بستند که دیگر این کار تکرار نشود. شب دیگر، همان کار را تکرار کردند و صبح، هنگامی که یکدیگر را در مسیر دیدند، همان سخنان شب قبل و همان سرزنش‌ها را بر زبان راندند. دوباره با هم قرار گذاشتند که دیگر تکرار کارشان را نکنند و سپس به خانه‌های خود رفتند.

شب سوم نیز همین مسأله تکرار شد و صبح هنگام که یکدیگر را ملاقات کردند، به هم گفتند: «ما از این مکان، تکان نمی‌خوریم تا عهد و پیمان ببندیم که برای همیشه این کار را ترک کنیم.» در نهایت، پیمان بستند و متفرق شدند.^۱

بچه‌ها! به نظر شما چرا قرآن بر ذهن و روح و رفتار ما اثر نمی‌گذارد؟

به نظر من، قرآن سبب دو عامل است که حتی چنین آدم‌ها (مشرکان) را به سوی خود جذب می‌کند:

۱. خود قرآن: معارف و محتوای قرآن از یک سو، و زیبایی بیان و رسایی قرآن از سوی دیگر؛
۲. پاکی روح و روان پیامبر: پیامبر به عنوان قرائت‌کننده قرآن، آیات الهی را با تمام شرایط

۱. پیام قرآن، به نقل از سیره ابن هشام.

تلاوت می‌کرد و با پاکیزگی جسم و روح، به قرآن و معارف آن توجه می‌کرد. این شعر، در وصف کیست؟ آیا می‌توانید مصرع دوم آن را تکمیل نمایید؟
چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن^۱

حالا می‌توانید پاسخ سؤال من را بدهید که چرا قرآن آن گونه که باید و شاید بر ما تأثیر ندارد و ما چندان با قرآن مأنوس نیستیم؟
خود قرآن که در دسترس ما است و خودش را از ما دریغ نکرده است. پس ما زمینه‌ها را در خودمان آماده نکرده‌ایم تا از باران و برکات قرآن در زندگی مادی و معنوی مان استفاده کنیم.

حکایت

یک ماهی قرمز زیبا و کنجکاو شنیده بود که در دنیا چیزی به نام «آب» وجود دارد. او همچنین شنیده بود که آب، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خدا است که به برکت آن، تمام هستی زنده است و طراوت دارد.

این ماهی به راه افتاد تا شاید به آب دست پیدا کند و از نزدیک، با این نعمت خداوند آشنا شود؛ او دریای پهناور را طی کرد و به هر موجود زنده‌ای یا ماهی کوچک و بزرگی که می‌رسید، از آب سراغ می‌گرفت تا این که موج بزرگی آمد و او را به ساحل دریا پرتاب کرد. ماهی بیچاره، لَه‌لَه زنان، مرگ و پایان زندگی را پیش چشم خود می‌دید و این جا بود که فهمید نعمت آب همان بوده است که در آن شناور بوده و به برکت آن، زنده بوده است.

بچه‌ها، مثلاً ما نسبت با قرآن، مانند قصه ماهی و آب است که چون در اختیار ما است و به حضور او در کنارمان عادت کرده‌ایم، قدرش را نمی‌دانیم و از آن استفاده و بهره نمی‌بریم؛ تا زمانی که مرگمان فرا رسد و زندگی را از کف بدهیم و دستانمان از «زندگی قرآنی» کوتاه شود.

این جا است که آورنده قرآن، پیامبر ﷺ در روز قیامت شکایت می‌کند که:

«قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۲ رسول خدا می‌گوید [شکایت

۱. معروف است که مرحوم سید بحر العلوم، هنگامی که امام زماناً را در حال قرآن خواندن در حرم امیر مؤمنان علیه السلام دیدند، این شعر را سرودند.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

مي‌کند: اي پروردگار من! همانا قوم من قرآن را رها کردند.»
علاوه بر اين، خود قرآن نيز در پيشگاه خداوند از كسانی که قرآن را رها نموده و از آن بهره نبرده‌اند، شکایت می‌کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «سه کس نزد خدا شکایت می‌کنند؛ مسجد ویرانی که اهل آن در آن نماز نمی‌گذارند و عالمی که در بین نادانان قرار گرفته و قرآن رها شده‌ای که گرد و غبار روی آن نشسته و خوانده نمی‌شود.»^۱

تا حالا نتیجه گرفتیم که بهره نبردن ما از قرآن، به جهت کوتاهی خودمان است؛ زمین چشم و ذهن و دلمان را تا شخم نزنیم، از برکات باران هدایت قرآن بی‌بهره‌ایم.

قبل از پرداختن به وظایف ما در قبال قرآن و برای بهره بردن از قرآن باید بدانیم هدف نزول قرآن چیست؟ و قرآن چه ثمری برای ما دارد؟

هدف از نزول قرآن، به صورت روشن در آیه ۸۹ سوره نحل آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ.»

مراحل و شیوه توجه و انس با قرآن

مراحل توجه به قرآن، شامل چند تا «ت» است. آیا شما می‌توانید چند تا از آن‌ها را نام ببرید؛ تا در مورد آن‌ها توضیح دهم.

۱. تعلم
۲. تعلیم
۳. تکریم
۴. تلاوت
۵. تحفظ
۶. تفکر
۷. تدبیر
۸. تمسک و تأثیر

۱. همان، ص ۱۱۸.

۱. تعلم (یاد گرفتن)

امام صادق (علیه السلام): «سزاوار است انسان مؤمن نمیرد، مگر آن‌که یا قرآن را فراگرفته باشد، یا در حال فراگیری آن باشد.»^۱

۲. تعلیم (یاد دادن)

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله): «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و یاد بدهد.»^۲
وقتی سوره الرحمن نازل شد، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به یارانش فرمود: «چه کسی حاضر است این سوره را برای بزرگان قریش بخواند؟»

همه ساکت شدند و هیچ کس جوابی نداد؛ چون همه از اذیت و آزار بزرگان قریش می‌ترسیدند. عبدالله بن مسعود بلند شد و گفت: «ای رسول خدا! من این کار را انجام می‌دهم.» ابن مسعود، لاغر و ضعیف بود. او پیش بزرگان قریش رفت که همگی دور خانه کعبه جمع شده بودند و سوره الرحمن را برای آن‌ها خواند. ابوجهل به او حمله کرد و یک سیلی محکم به صورت او زد که از گوشش خون آمد.^۳

۳. تکریم

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که: خداوند روز قیامت درباره قرآن به عزت و جلالت و ولایت خود سوگند می‌خورد که: «کسانی که تو را اکرام و احترام کردند، اکرام کنم و هر که تو را خوار ساخت، خوار می‌کنم.»^۴

به یقین، این روایت، هم احترام ظاهری و هم احترام باطنی به قرآن را در بر می‌گیرد. مصادیق متعددی را برای حفظ احترام ظاهری به قرآن می‌توان بر شمرد؛ مثل: روی زمین نگذاشتن قرآن، نگهداری آن در جای مناسب، مؤدب نشستن در محضر قرآن، قرار ندادن چیزی بر روی قرآن.

نوشته‌اند که امام خمینی (ره) به طور معمول در حسینیه جماران روی صندلی می‌نشست؛ ولی

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۳.

۳. محمدرضا اکبری، داستان‌های پیروان وحی، ص ۲۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۷.

يك روز وقتى وارد حسينيه شد، با اين كه صندلى در جاى خود بود، روى زمين نشست؛ زيرا آن روز نفرات ممتاز مسابقات قرآن آمده بودند و قرار بود در آن جلسه، چند آيه از قرآن تلاوت شود.^۱ خاطره ديگر اين كه روزى امام خمينى (ره) طبق معمول، روى صندلى نشسته بود كه قرآنى آوردند و روى زمين گذاشتند. امام وقتى متوجه شد، بى درنگ آن را برداشت و روى ميزى كه در كنارش بود، گذاشت و فرمود: «قرآن را روى زمين نگذاريد.»^۲

بهتر است قارى قرآن، هنگام تلاوت آيات، مؤدب و رو به قبله بنشيند و هنگام تلاوت قرآن، از خنديدن و شوخى و مزاح و... بپرهيزد.

۴. تلاوت (خواندن)

از پيامبر ﷺ روايت شده، خانه هايتان را با تلاوت قرآن نورانى كنيد و آن ها را مثل يهوديان و مسيحيان تبديل به گورستان نكنيد؛ چرا كه آنان، عباداتشان را فقط در كليساها و كنيسه ها به جا مى آوردند. هر خانه اى كه در آن قرآن زياد تلاوت شود، خير و بركت آن افزوده مى گردد و اهل آن در وسعت قرار مى گيرند و...^۳

بچه ها اين نور را چه كسانى مى بينند؟ فرشتگان آسمان.

در ادامه اين روايت آمده: و آن خانه براى اهل آسمان نورافشاني مى كند؛ همان طور كه ستارگان براى اهل دنيا نور مى دهند.

تلاوت قرآن، داراى شرايط و آدابى است كه اگر انسان آن ها را رعايت نمايد، روح و روان خود را آماده مى كند تا از سفره قرآن بهره ببرد؛ چنان كه كسى كه بر سر سفره مى نشيند، براى استفاده بهتر از غذاى داخل آن، بايد مقدماتى را رعايت نمايد.

(۱) پاكي زگى روحى (طهارت با غسل يا وضو يا تيمم):

از امير مؤمنان (ع) روايت شده: «به كسى كه قرآن را با وضو بخواند، ۲۵ حسنه و به كسى كه بدون وضو قرآن بخواند، ۱۰ حسنه مى دهند.»^۴

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. اصول كافى، ج ۲، ص ۴۴۶.

۴. وسائل الشيعه، باب ۱۳ از ابواب قراة القرآن، ج ۳.

البته استحباب وضو، برای قرائت است؛ وگرنه کسی که می‌خواهد دست بر آیات الهی بگذارد، باید وضو داشته باشد.

(۲) بهداشت و پاکیزگی دهان:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: راه قرآن را پاکیزه کنید. سؤال شد: ای رسول خدا! راه قرآن چیست؟

بچه‌ها! آیا شما می‌توانید حدس بزنید راه قرآن چیست؟

فرمود: دهان‌هایتان. پرسیدند: چگونه؟ فرمود: با مسواک زدن.^۱

با ظاهری آراسته به محضر قرآن رفتن، پسندیده‌تر از حالات دیگر است.

(۳) دعا خواندن:

از مستحباب پیش از تلاوت قرآن، دعا کردن است. در این باره دعای متعددی از اهل بیت: روایت شده و در ابتدای بسیاری از قرآن‌ها چاپ شده است که می‌توان آن‌ها را مشاهده نمود.

(۴) استعاذه:

شایسته است به هنگام تلاوت، از شرّ شیطان رانده‌شده به خدا پناه ببریم؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیاطین الرجیم»^۲ چون خواستی قرآن قرائت کنی، پس، از شیطان رانده‌شده به خداوند پناه ببر.»

(۵) زمان تلاوت:

اگرچه تلاوت قرآن، زمان خاصی نمی‌شناسد، ولی در برخی از زمان‌ها سفارش بیشتری به تلاوت شده است.

— ماه مبارک رمضان: از پیامبر ﷺ روایت شده: «هر کس در این ماه یک آیه قرآن بخواند، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر یک بار قرآن را ختم کند.»^۳

حضرت امام خمینی (ره) با قرآن انس بسیار داشت و در شبانه‌روز، به‌خصوص هنگام نماز شب، به تلاوت قرآن می‌پرداخت و در هر فرصتی که به دست می‌آورد، مشغول تلاوت قرآن می‌شد. هنگامی که در پاریس تبعید شده بود، وقتی خبرنگارها برای مصاحبه به محضرش می‌آمدند،

۱. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۶، ح ۸۵.

۲. نحل، آیه ۹۸.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸ و ۶۱۷.

معمولاً حدود ده دقیقه برای آماده کردن دوربین هایشان معطل می شدند. امام در همین فرصت، به تلاوت قرآن مشغول می شد. بعضی از حاضران می گفتند: خود را برای مصاحبه آماده کنید. ایشان فرمود: آیا در این چند دقیقه وقتم ضایع شود؟

علاوه بر این، هر سال چند روز قبل از ماه رمضان، حضرت امام خمینی (ره) دستور می دادند: برای افرادی که مورد نظر ایشان بود، چند بار قرآن قرائت شود.^۱

حتی ایشان در روزهای آخر عمر که در بستر بیماری بود، دوربین مخفی، لحظه های دشوار زندگی اش را ثبت کرد و همه دریافتند که در نیمه شب، قرآن به دست داشت و مشغول تلاوت بود.

علامه طباطبائی، مفسر بزرگ شیعی و صاحب تفسیر المیزان، شب های ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می کرد و بعد به دعا و قرائت قرآن، نماز و ذکر می پرداخت.^۲

- قرائت قرآن در شبانگاه: پیامبر ﷺ می فرماید: «کسی که هنگام شب ۱۰ آیه قرآن را بخواند، از غافلان به حساب نخواهد آمد.»^۳

(۶) مکان تلاوت:

در هر مکانی که احترام قرآن حفظ شود، می توان قرآن را تلاوت نمود؛ اما بهترین جاها، عبارت اند از:

- مسجد: از پیامبر ﷺ روایت شده است: «مسجدها را برای قرآن ساخته اند.»^۴

- خانه: پیامبر ﷺ می فرماید: «خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید.»^۵

(۷) میزان تلاوت:

در قرآن، در مورد مقدار تلاوت آمده است که «فاقرؤا ما تیسر من القرآن»؛^۶ هرچه از قرآن برایتان امکان دارد، بخوانید.

۱. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۵، ص ۶۸-۷۰.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. همان.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۶. مزمل، آیه ۲۰.

قرآن را باید زیاد تلاوت نمود. چرا؟ چون تلاوت زیاد قرآن، زنگار قلب‌ها را از بین می‌برد، مشمول هدایت، شفا، برکت و تقوا می‌شود.

در روایت، کمترین میزان تلاوت، ۱۰ آیه در هر شب ذکر شده است.^۱
پنجاه آیه در هر روز هم توصیه شده است.^۲

(۸) تلاوت از روی قرآن:

انسان، هر چند حافظ قرآن باشد، ولی مستحب است قرآن را از رو تلاوت کند؛ چرا که نگاه به آیات قرآن، عبادت است.

(۹) بلند خواندن قرآن:

به نظر می‌رسد، تلاوت قرآن با صدای بلند، اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، از مستحبات است؛ چرا که در روایات آمده: امام سجاد علیه السلام قرآن را با صدای بلند تلاوت می‌نمود که سقاها را هنگام عبور از کنار منزل حضرت، میخ‌کوب می‌کرد تا به صدای دل‌نشین حضرت گوش فرا دهند.^۳

(۱۰) کیفیت تلاوت:

– تلاوت با صدای زیبا: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رَیُّوْا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛^۴ قرآن را با آوای خود، زینت دهید.»

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر می‌فرماید: «هر چیزی، زینتی دارد و صدای خوش، زینت قرآن است.»^۵

خود پیامبر، زیباترین صوت قرآن را داشت.^۶

مرحوم اقبال لاهوری که در آخر زندگی‌اش، دچار ضعف و بیماری چشم شده بود و از مطالعه نیز محروم مانده بود، تنها مونسش قرآن بود؛ اما با همان اندک بینایی، به قرآن می‌نگریست و با

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۹۱۲.

۲. همان، ص ۶۰۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۸۵.

۴. سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۲۹.

۵. المحجة البیضاء، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۲۶.

لذتی سرشار از ایمان، آیات را تلاوت می‌کرد و می‌گفت: پدرم به من توصیه کرده است که فرزندانم هرگاه قرآن می‌خوانی، چنان بخوان که گویی خداوند آن را بر تو نازل کرده است.^۱

(۱۱) تأمل در تلاوت:

شتاب در خواندن قرآن، مورد نکوهش است و توصیه شده که قرآن را به آرامی بخوانید. خود قرآن نیز سفارش نموده که آیات الهی را با ترتیل تلاوت کنیم؛ زیرا این نوع تلاوت، باعث می‌شود که انسان با تفکر و تدبر بیشتری قرآن را تلاوت کند. رعایت تجوید قرآن و ادا کردن درست حروف، مربوط به ترتیل است؛ «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»^۲

(۱۲) سکوت و گوش دادن:

هنگام تلاوت قرآن توسط دیگران، نباید سخن بگوییم؛ بلکه باید با آرامش به آیات گوش دهیم؛ زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۳ وقتی قرآن خوانده می‌شود،

به آن گوش دهید و سکوت کنید؛ شاید مورد رحمت خداوند واقع شوید.»

چو قرآن بخوانند دیگر خاموش به آیات قرآن فرا دار گوش

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «کسی که حرفی از کتاب خدا را بشنود، بدون آن که خود تلاوت کرده باشد، خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد و یکی از گناهانش را پاک می‌کند و یک درجه او را بالا می‌برد.»^۴

در صورتی که سکوت نکردن، نشانه نوعی بی‌توجهی به قرآن و هتک حرمت آن باشد، اشکال دارد.

۵. تحفظ (حفظ کردن)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «خداوند، قلبی را که قرآن را در خود جای داده، عذاب نمی‌کند.»^۵

۱. اوصاف پارسایان، ص ۱۸۲.

۲. مزمل، آیه ۴.

۳. اعراف، آیه ۲۰۴.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «حافظ قرآن که به آن عمل کند، همچون سفیران و فرشتگان وحی که بزرگوار و نیکو رفتارند، خواهد بود.»
مراد از حفظ کردن آیات، هم به خاطر سپردن آن در ذهن است و هم نوشتن مفاهیم قرآن به قلب و روح انسان.

۶. تأمل و تفکر

شایسته است مسلمان در معانی ظاهری آیات تفکر کند و با مرور ترجمه آیات، در کنار تلاوت آیات، بر مفاهیم ظاهری نیز تسلط پیدا کند و متناسب با نیازهای روحی و رفتاری، از آن توشه بگیرد.

در روایتی این گونه آمده: «قرآن را باید با ترتیل و به آرامی تلاوت کرد. هرگاه در تلاوت به آیه‌ای که مربوط به بهشت است، رسیدی، اندکی توقف کن و از خدا بهشت را بخواه و وقتی به آیات مربوط به جهنم رسیدی، باز اندکی صبر کن و از آتش جهنم به خدا پناه ببر.»^۱
بنابراین، در مرحله تفکر، هنگامی که قرآن را تلاوت می‌کنیم، با دقت در ترجمه آیات به درک مفاهیم و فهم معارف قرآن دست پیدا می‌کنیم؛ ولی با ارتباط مفاهیم و معارف قرآنی کاری نداریم.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «قرآن، ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز و درونی پرمایه و عمیق دارد.»^۲
بچه‌ها! انس با ترجمه قرآن و کتاب‌های آشنایی با سوره‌ها،^۳ می‌تواند زمینه‌ساز تفکر در قرآن باشد.

حالا که خسته شدید، بیایید یک جدول قرآنی با هم حل کنیم.
بچه‌ها! این همه کار خوب همچون یاد گرفتن، یاد دادن، خواندن و حفظ کردن و... قرآن چه پاداشی دارد؟ این جدول را با هم حل می‌کنیم تا به پاسخ این سؤال دست یابیم.

* سوره‌ای در قرآن، به معنای دود؟ دخان (۸، ۲، ۷)

* به کوچک‌ترین جزء یک سوره، چه می‌گویند؟ آیه (۴، ۵، ۶)

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸ و ۶۱۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۳. مربی محترم می‌تواند سری کتاب‌های «آشنایی با سوره‌ها» اثر آقای جواد محدثی را به دانش‌آموزان معرفی نماید.

* ترجمه «پروردگار» در عربی چیست؟ رب (۱۱، ۳)

* عدد درهای بهشت؟ هشت (۱۰، ۹، ۱۲)

۳	۲	۱
۶	۵	۴
۹	۸	۷
۱۲	۱۱	۱۰

چه کسی می تواند رمز جدول را حدس بزند؟^۱

رمز جدول: «خانه‌ای در بهشت.»

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «کسی که قرآن سخن او باشد و مسجد هم خانه‌اش، خدا برای او خانه‌ای در بهشت می سازد.»^۲

۷. تدبیر

تدبیر در آیات قرآن، به معنای «فهم نظم و هماهنگی کلمات و آیات است که به فهم هماهنگ معارف قرآنی منتهی می شود.» تدبیر، در واقع، فهمی عمیق تر از ظاهر قرآن و رمزگشایی از ارتباط آیات قرآن می باشد؛ «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۳ این قرآن، کتابی گران قدر و پر خیر و برکت است که آن را به سوی تو فرستادیم تا همگان در آیات آن تدبیر کنند و صاحبان خرد نیز متذکر شوند.»

گوینده یا نویسنده عاقل، واژگان را پشت سر یکدیگر قرار می دهد و جملاتی معنادار می سازد. جملات را پشت سر هم قرار می دهد و کلامی هدفمند را سامان می دهد. «پشت سر هم قرار دادن هدفمند»، معادل «تدبیر» در زبان عربی است. پس کار گوینده یا نویسنده، تدبیر واژگان و

۱. چنانچه کسی پاسخ داد، مربی او را تشویق کند؛ در غیر این صورت، دانش آموزان را راهنمایی می کند تا حروف جدول را به صورت عمودی کنار هم قرار دهند و پاسخ را بیابند.

۲. امالی صدوق، ص ۴۰۵.

۳. ص، آیه ۲۹.

جملات است.

شنونده عاقل یا خواننده عاقل نیز به فهم تک‌تک کلمات اکتفا نمی‌کند و آن‌ها را پشت سر هم می‌فهمد تا معنای جملات را درک کند؛ همچنین به فهم یکایک جملات بسنده نمی‌کند و آن را پشت سر هم می‌فهمد، تا هدف سخن یا متن را درک نماید. «تدبر»، اصطلاحی است که رفتار طبیعی این شنونده یا خواننده عاقل را بیان می‌کند.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «آگاه باشید که فایده‌ای در قرائت بدون تدبر نیست.»^۱ در هنگام تدبر در آیات قرآن، باید به گونه‌ای باشیم که گویا مفاهیم و معارف قرآنی یک‌جا از جانب خداوند بر قلب خودمان نازل می‌شود.

فیض کاشانی از قول یکی از حکیمان می‌گوید: ابتدا قرآن را می‌خوانم و لذتی نمی‌بردم؛ چندی بعد که آن را می‌خوانم، چنان بود که گویی آن را از رسول خدا می‌شنوم که بر اصحابش می‌خواند. بالاتر رفتم و آن را از جبرئیل شنیدم که بر پیامبر می‌خواند؛ از آن هم بالاتر رفتم و اینک آن را از خداوند متعال می‌شنوم و لذتی می‌برم و تنعمی دارم که نمی‌توانم از آن بگذرم.^۲ برای تدبر در قرآن، چند چیز به عنوان مقدمه لازم است:^۳

– تلاوت مکرر قرآن؛

– انس با ترجمه قرآن؛

– مراجعه به برخی از تفاسیر همچون تفسیر نمونه.

گفتنی است که تدبر در قرآن، موجب شرح صدر و نورانیت قلب برای انسان می‌شود.^۴

۸. تمسک و تأثیر

همه مراحل قبلی، مقدمه دسترسی به این مرحله است. از این رو، مهم‌ترین مرحله انس با قرآن و

۱. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. «تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد که به نظر ما می‌شود فهمید؛ اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند، دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند... هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می‌فهمد. بنابراین، در زندگی حتماً قرآن با تدبر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.» (از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۴/۴/۱۷)

۴. معانی الأخبار، ص ۶۷.

توجه به آن را باید جاری کردن معارف قرآن در زندگی دانست؛ یعنی تحقق «زندگی قرآنی». از یکی از زنان پیامبر ﷺ در مورد اخلاق پیامبر ﷺ سؤال شد. او در پاسخ گفت: اخلاق ایشان، بر اساس قرآن بود.^۱

یکی از نشانه‌های مؤمنان این است که با قرآن بیشتر انس دارند و تلاش می‌کنند در حد امکان، از نور و معرفت قرآن بهره‌مند شوند.

انسانی که با قرآن مانوس است، تلاش می‌کند که هیچ وقت دروغ نگوید و در برخورد با دیگران متواضع باشد و در خلوت و تنهایی مراقب خودش است؛ چرا که همیشه خداوند مهربان را ناظر و شاهد اعمال خویش می‌داند.

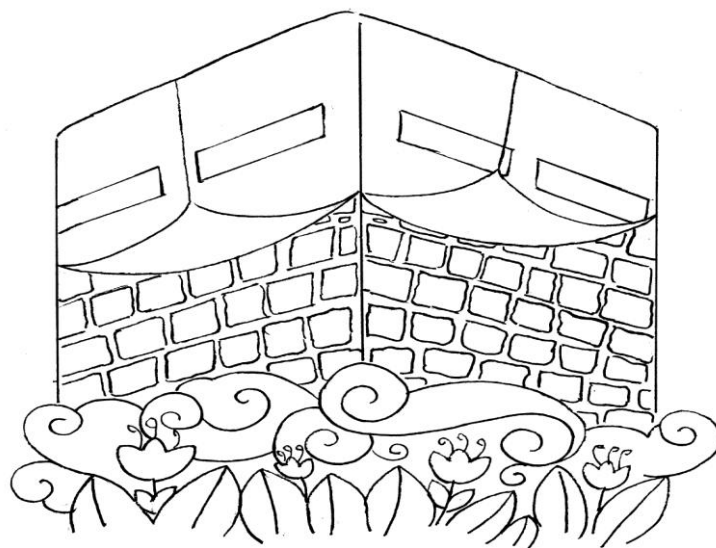
سرود عشق و ایمان را بخوانید کتاب نور و عرفان را بخوانید
شما را هر چه می‌باشد میسر گُل آیات قرآن را بخوانید
در آخر، چند دعای قرآنی می‌کنم؛ شما هم آمین بگویید. ان شاء الله در دنیا و آخرت همنشین قرآن باشیم.

– «اللهم نور قلوبنا بالقرآن»؛ – «واشف مرضانا بالقرآن»؛

– «و اغفر موتانا بالقرآن»؛ – «اللهم ارحمنا بالقرآن».

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰.

خانهای ما



به نام خداوند رنگین کمان، خداوند بخشنده مهربان

سلام، سلام بر شما دوستان خوب و صمیمی! شما که یکسال تحصیلی را با تلاش و کوشش پشت سر گذاشته‌اید. بنده هم خیلی خوشحالم که در تابستانی خوب و زیبا، البته گرم، میهمان قلب‌های باصفای شما هستم.

اگر دوست دارید بدانید برنامه‌مان درباره چه موضوعی است با من همراه شوید. با چند سؤال

شروع می‌کنم.^۱

۱. نیایش با خداوند بزرگ و مهربان را چه می‌گویند؟ دعا
۲. کدام واژه به معنای شرمنده و سرافکنده می‌باشد؟ خجل
۳. به کسی که عبد و مطیع خداوند باشد چه می‌گویند؟ بنده
۴. در این هوای گرم سرو چه چیزی خیلی می‌چسبد؟ شربت
۵. حالا دقت کنید. کدام سوره قرآن به معنای ستاره می‌باشد؟ نجم
۶. کدام واژه به معنای آهسته و آرام است؟ یواش
۷. کدام اسم، هم نامی برای پسران و هم به معنای یگانه و بی‌همتا است؟ وحید

خوب دوستان! حالا که پاسخ‌ها را روی تخته نوشتیم، سراغ پیام می‌رویم. برای این‌که به پیام این‌ها برسیم کافی است که حروف اول و آخر این کلمه‌ها را از شماره ۱ تا ۷ کنار هم بگذارید و بخوانید. بله قسمتی از کلام گهربار رسول مکرم اسلام ﷺ به دست می‌آید که موضوع برنامه امروز ما می‌باشد.

«داخل بهشت نمی‌شود... عربی آن هم به این صورت است: لا یدخل الجنّه.»^۲
 برای این‌که بدانیم پیامبر ﷺ چه شرطی برای ورود به بهشت قرار داده است به این حکایت توجه کنید:

روزی حضرت علی علیه السلام با لباس مرطوب مشغول خواندن نماز جمعه شد. وی گاهی پیراهن خود را تکان می‌داد. بعد از نماز، شخصی که کنجکاو شده بود، علت تکان دادن پیراهن را از ایشان سؤال کرد. حضرت فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که در نماز با لباس تمیز و پاکیزه حاضر شوید. من چون پیراهنم را شسته بودم و پیراهن دیگری نداشتم، همین پیراهن مرطوب را پوشیدم.»^۳

بله، در این جا با چه شرطی برای ورود به بهشت آشنا شدیم؟! آفرین! «نظافت و پاکیزگی». این امر سفارش مهم قرآن و همه بزرگان و پیشوایان دین ماست. البته دوستان نظافت و پاکیزگی هم بر دو نوع است.

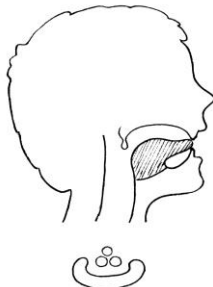
۱. مرتبی جواب‌ها را به ترتیب شماره روی تخته می‌نویسد.

۲. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۹۳، محمدی ری شهری، چ پنجم، ۱۳۷۶.

۳. همراه با نماز، محسن قرائتی، ص ۴۰ و ۴۱، ستاد اقامه نماز، چ ۳، ۱۳۸۱.

نظافت ظاهری: مثل نظافت و پاکیزگی هرچیز، یا مکانی، مثل استحمام کردن، مسواک زدن و البته وضو گرفتن هم نوعی پاکیزگی است که هم ظاهری است و هم باطنی و نظافت مکانی هم، مثل نظافت و پاکیزگی شهر، منزل، مدرسه، مسجد و...
نظافت باطنی: یعنی دور نگه داشتن روح و جانمان از آلودگی به گناه.

حالا ببینیم که خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره بقره در این مورد چه می‌فرماید؛ این آیه را می‌خوانم: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».^۱ ترجمه: و به یاد بیاورید هنگامی که خانه کعبه را محلّ بازگشت و مرکز امن و امان قرار دادیم (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.^۲ خوب دوستان در این آیه شریفه کلمه‌ای است که در قرائت آن باید دقت کنید. بله، کلمه (مثابه) که با تلفظ (س) تفاوت دارد. همان‌طور که می‌دانید شیوة تلفظ ۱۰ حرف از الفبای عربی با فارسی فرق دارد. این حروف عبارتند از: (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و).

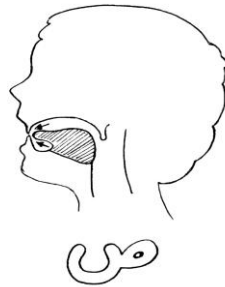


کلمه (مثابه)، به معنای محلّ بازگشت می‌باشد. حرف «ث» از نوک زبان و به صورت نازک و همراه با فشار هوا از دو طرف زبان ادا می‌شود. کلمه بعدی «مصلی» به معنای «محلّ نماز» است. حرف «ص» هم مانند حرف سین، ولی به صورت درشت و سنگین تر ادا می‌شود.^۳

۱. مربی با صوت و لحن زیبا آیات را قرائت کند و در صورت امکان یکی از دانش‌آموزان هم قرائت کند.

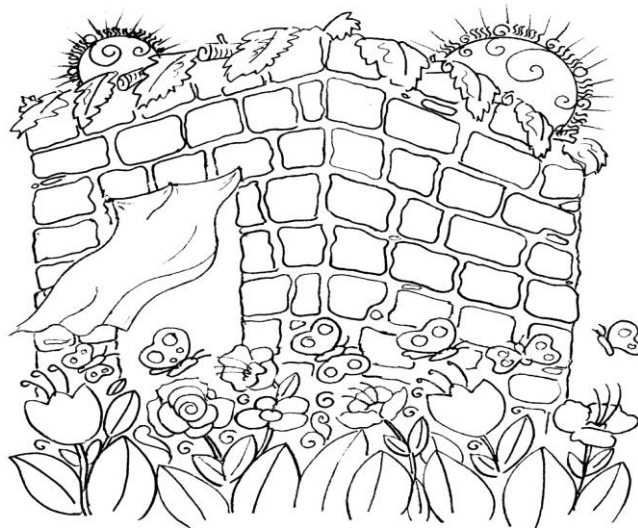
۲. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۳. آموزش روخوانی قرآن، کانون قرآن و عترت خواهران، ص ۵۷، ج ۲، ۱۳۸۴.



این آیه‌ای که تلاوت شد، داستان کوتاهی دارد.

وقتی که اسماعیل علیه السلام به حدّ بلوغ رسید، خداوند به ابراهیم علیه السلام دستور داد که خانه کعبه را بنا کند. ابراهیم علیه السلام محلّ ساخت بنای کعبه را نمی‌دانست. خداوند جبرئیل را فرستاد و محلّ آن را خطّ کشید. حضرت ابراهیم علیه السلام مشغول ساختن کعبه شد. اسماعیل هم به پدرش کمک می‌کرد و سنگ می‌آورد.



همین‌طور مشغول ساختن بودند تا این‌که ارتفاع آن به حدّ معینی رسید. آن‌گاه ابراهیم علیه السلام حجرالاسود را در محلّ خودش نصب نمود. وی دو در هم برای خانه کعبه درست کرد؛ در شرقی و در غربی. سپس خانه کعبه را با شاخه‌های درخت پوشانید. هاجر، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام عبایی را که در سایه آن زندگی می‌کردند بر در کعبه آویزان کرد. به این ترتیب، اولین پرده خانه کعبه نصب شد. وقتی ساخت خانه کعبه تمام شد، ابراهیم و فرزندش حج به جا

آوردند. در این هنگام هم خداوند امر فرمود که خانه کعبه را برای آن‌ها که می‌خواهند عبادت کنند پاک و پاکیزه کن.^۱

مساجدی هم که ما در آن نماز برپا می‌کنیم خانه خدا است و مانند هر جای دیگر پاکیزگی آن مهم است. مسجد از مکان‌هایی است که نظافت آن سفارش شده است. الآن هم که به ماه مبارک رمضان نزدیک می‌شویم و «دهه غبارروبی مساجد» را پیش‌رو داریم،^۲ چه خوب است که ما هم به اتفاق همدیگر در کنار مردم، به این امر مهم اقدام کنیم و با پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام که کار بزرگی انجام داد. خانه کعبه را بنا کرد و پاک و پاکیزه ساخت، ما هم نسبت به نظافت و پاکیزگی مسجد که خانه خدا است با هم همکاری کنیم تا در ماه مبارک رمضان دارای مسجدی تمیز و مرتب و پاکیزه باشیم، امیدوارم که در سایه قرآن همیشه سلامت، موفق و پیروز باشید و با عمل کردن به دستورات قرآن بتوانیم همه ما در هر لحظه، بیش‌تر و بهتر به سوی خوبی‌ها حرکت کنیم و قرآن را چراغ راه امروز و آینده خود قرار دهیم. در خاتمه این دعا را با هم زمزمه می‌کنیم و شما آمین بگویید.

اللهم نـمـنـو ر قلوبنـا بـالقرآن	
و اشف مرضنـا بـالقرآن	
و اغفر موتانـا بـالقرآن	
اللهم ارحمنـا بـالقرآن. ^۳	

پروردگارا، عاقبت همه ما را به حق قرآن، ختم به خیر و سعادت گردان! آمین. (صلوات)

۱. مجمع البیان، محدث طبرسی، ج ۲، ص ۴۷، چ بیروت.

۲. این برنامه در ماه شعبان اجرا می‌گردد و خوب است مرتبان در مورد نظافت مساجد و آماده‌سازی برای ماه رمضان هم سفارش کنند. (۲۱ مرداد ۸۸ مطابق با ۲۰ شعبان)

۳. قسمتی از دعای ختم قرآن.

پرسش‌ها:

۱. معنای لغوی مصلّی کدام گزینه می‌باشد؟

- ☐ الف) مسجد
- ☒ ب) محلّ نماز
- ☐ ج) هیچکدام

۲. معنای کلمه (مثابه) کدام گزینه می‌باشد؟

- ☐ الف) بازگشت
- ☒ ب) محلّ بازگشت
- ☐ ج) هیچکدام

۳. خداوند متعال به جهت انجام چه کاری به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام فرمان ساخت کعبه را داد؟

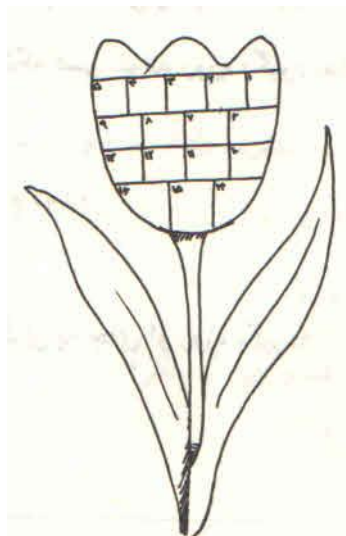
- ☐ الف) نماز خواندن در کعبه
- ☐ ب) سجده در مقابل کعبه
- ☒ ج) نظافت و پاکیزگی کعبه

شهادت در راه خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

دوستان خوبم سلام، امیدوارم که حالتان خوب و حواستان جمع باشد. شما تاکنون گل های زیادی دیده اید یا اسمشان را شنیده اید. نام چند تا از آنها را بگویید!... برنامه ما هم یک گل دارد، این گل به جای «عطر»، مسابقه دارد مسابقه ای که در آن دو گروه از شما دانش آموزان با هم رقابت می کنند تا پیام آن را به دست آورند. شکل گل مسابقه ما، گل لاله است. به طرحی که می کشم توجه کنید. داخل این گل لاله، ۱۶ خانه قرار دارد که درون آن حرف اول پاسخ ها قرار می گیرد.

۱. نام گلهایی را که بچه ها می گویند، می شنویم و تأیید می کنیم.



مسابقه با حضور دو گروه از دانش آموزان به همان صورتی است که تاکنون اجرا شده است. سؤالات مسابقه ما، از آیات ۱۸۰ - ۲۰۰ سوره مبارکه بقره است: تا دوستان شما آماده می شوند، چه کسی می تواند آیه ای را که ترجمه آن را زیر گل می نویسم از میان آیات مسابقه (۱۸۵ - ۱۹۰) پیدا کند؟

بسازید در راه الله جنگ **نمایید بر دشمنان عرصه تنگ^۱**
بله! آیه ۱۹۰، حالا این آیه را دوست شما تلاوت می کند. بفرمایید

اما مسابقه:

۱- با توجه به آیه ۱۹۵، بخشش مال در راه خدا را چه می گویند؟ انفاق

۲- با توجه به آیه فوق، خداوند چه کسانی را دوست دارد؟ نیکوکاران

* ۳- با توجه به آیه ۱۸۴، چنانکه کسی نتواند روزه بگیرد (مانند بیماران، پیرمردان، پیرزنان) چه باید بکند؟

☐ الف) کارهای خوب انجام دهد؛

☐ ب) طعام به فقرا بدهد؛

۱. مربی توجه داشته باشد که این سؤال ها (سؤال های ستاره دار) از سؤال های ویژه هستند که در جدول هم مشخص شده اند. این خانه ها به ترتیب عبارت است از: ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۴ و ۱۶.

☐ ج) پول بدهد تا کس دیگری به جای او روزه بگیرد؛

☐ د) هیچ کدام.^۱

* ۴- با توجه به آیه ۱۸۰، سوره بقره مسلمانان بهتر است قبل از مرگ چه عملی انجام دهند؟

☐ الف) نمازهای قضایشان را بخوانند؛

☐ ب) وصیت کنند؛

☐ ج) به حج بروند؛

☐ د) اموالشان را وقف کنند.^۲

چه کسی می داند وصیت یعنی چه؟ ... وصیت. یعنی سفارش کردن. مسلمان بهتر است قبل از مرگش، تکلیف اموال و دارایی هایش مشخص شود.

۵- با توجه به آیه ۱۸۵، وظیفه ما در مقابل نعمت بزرگ هدایت چیست؟ شکرگذاری

* ۶- با توجه به آیه ۱۸۳، بهترین راه کسب تقوا چیست؟

☐ الف) نماز خواندن؛

☐ ب) وصیت کردن؛

☐ ج) امر به معروف و نهی از منکر؛

☐ د) روزه گرفتن.^۳

خوب است بدانید یکی از کارهایی که باعث می شود ما از نظر روحی و جسمی تصفیه شویم و به خدا نزدیک تر شویم، روزه است. روزه بسیاری از بیماری ها را درمان می کند. از طرفی وقتی انسان روزه می گیرد، کمتر به فکر گناه می افتد و بیشتر عبادت می کند. خداوند هم آن قدر به بندگانش لطف کرده که حتی خواب روزه دار را در ماه رمضان عبادت به حساب می آورد.

۷- آنچه که تن را می پوشاند؟ لباس

دوستان عزیز! لباس، بدن انسان را از سرما و گرما و گزند حشرات و جانوران و همین طور نگاه های آلوده حفظ می کند؛ همچنین به انسان، زیبایی، وقار و شخصیت می دهد؛ اما برای حفظ

۱. حرف اول جواب «ط» است.

۲. حرف اول جواب «واو» است.

۳. حرف اول جواب «ر» است.

شدن از گزند و سوسه های شیطان، باید لباس دیگری بر تن کنیم؛ نام آن لباس چیست؟ **تَقْوَا** لباس تقوا،^۱ بهترین لباسی است که ما را از گمراهی نجات می دهد و به سعادت می رساند.

* ۸- با توجه به آیه فوق اولین ویژگی که در آیه برای قرآن ذکر شده، چیست؟

☐ الف) هدایت مردم؛

☐ ب) جدا کردن حق از باطل؛

☐ ج) راهنمایی کننده به بهترین راه ها؛

☐ د) بشارت دهنده به سعادت مؤمنان.^۲

۹- به شکل ماه در سه شب اول ... می گویند؟ هلال

* ۱۰- کلمه «آسان» به عربی چه می شود؟ می توانید از آیه ۱۸۵ کمک بگیرید. «یسر»

۱۱- برابر و مساوی؛ یکسان

۱۲- با توجه به آیه ۱۹۰، این جمله را کامل کنید: «در راه ... با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند، جهاد کنید؛ ولی ستمکار نباشید که ... ستمگر را دوست ندارد.»^۳ خدا

۱۳- به آدم جاهل چه می گویند؟ نادان

* ۱۴- با توجه به آیه ۱۸۶، خداوند دعای چه کسانی را اجابت می کند؟ دعا کننده

☐ الف) مؤمنین؛

☐ ب) انسانهای گرفتار؛

☐ ج) دعا کننده؛

☐ د) هر سه مورد.^۴

حالا شاید برای بعضی ها این سؤال پیش بیاید که پس چرا ما هر چه دعا می کنیم، خداوند

۱. کلمه «تقوا» با خط فانتزی نوشته می شود.

۲. حرف اول جواب «هـ» است.

۳. حرف اول پاسخ را در خانه شماره (۱۲) قرار دهید.

۴. حرف اول جواب «د» است.

دعایمان را مستجاب نمی کند؟^۱ علتش این است که اولاً دعا کردن [آداب] دارد و انسان باید ابتدا آداب دعا کردن را یاد بگیرد و رعایت کند، بعد دعا کند. مثلاً دانش آموزی که درس نخوانده، با [دعا] کردن قبول نمی شود؛ ثانیاً بعضی وقت ها [مصلحت] نیست که دعای انسان [مستجاب] شود؛ چون ممکن است به ضرر او باشد.

به این داستان توجه کنید.

می گویند، مردی برای دیدن دخترانش از خانه خارج شد. اول به خانه دختر بزرگش رفت. شوهر دختر سفالگر بود، دختر از پدرش خواست دعا کند باران نیارد، تا کوزه هایی را که شوهرش ساخته، خشک شود و او بتواند آنها را بفروشد؛ سپس پیرمرد به دیدن دختر دومش رفت. شوهر دختر دوم کشاورز بود. او از پدرش خواست دعا کند باران بیارد تا گندم هایشان خوب رشد کند و شوهرش با فروش آنها وضع خوبی پیدا کند. پیرمرد وقتی از خانه دخترش بیرون آمد، نگاهی به آسمان کرد و گفت: خدایا تو خود بهتر می دانی که چه کار کنی؟

۱۵- با توجه به آیه ۱۸۰، انسان بهتر است دارایی هایش را برای چه کسانی وصیت کند؟ والدین

* ۱۶- با توجه به آیه ۱۸۵، در ماه مبارک رمضان چه چیزی نازل شده است؟

☐ الف) قرآن؛

☐ ب) برکات آسمانی؛

☐ ج) فرشتگان؛

☐ د) خیر و نیکی.^۲

قبل از به دست آوردن رمز جدول چند سؤال برای شما مطرح می کنم. آفرین بر شما که تا به حال خوب گوش کرده و دوستانتان را تشویق کردید.

با توجه به آیات ۱۹۱ و ۱۹۴، جنگیدن در چه مکانی و زمانی حرام است؟ ... بله، در مسجدالحرام و در ماه های حرام. حالا چه کسی می تواند ماه های حرام را نام ببرد؟^۳ ... من نام

۱. مربی از قبل کارتهای مورد نظر را آماده کند.

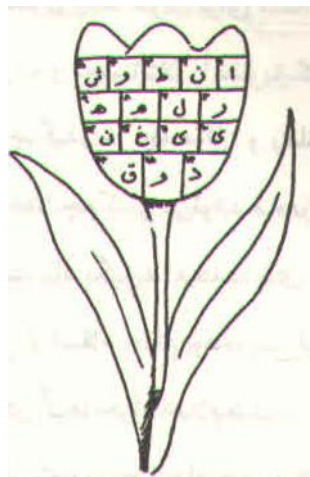
۲. حرف اول جواب «ق» است.

۳. صبر می کنیم تا دانش آموزان پاسخ هایشان را بدهند.

این ماه‌ها را می‌گویم تا شما یاد بگیرید: رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم. جنگیدن در این ماه‌ها قبل از اسلام حرام بوده. پس از اسلام نیز خداوند این حکم را تأیید کرد و جنگ کردن در آن‌ها حرام اعلام شد.

اگر جنگ در این ماه‌ها حرام است، پس چرا امام حسین علیه‌السلام در ماه محرم جنگید؟ پاسخ این سؤال را در آیه ی ۱۹۴ سوره بقره پیدا کنید؟

در این آیه خداوند می‌فرماید: «ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید که اگر حرمت آن‌را نگاه نداشته و با شما قتال کنند، شما نیز قصاص کنید؛ پس هر که به جور و ستمکاری به شما دست دراز کند، او را به مقاومت از پای درآورید؛ به قدر ستمی که به شما رسیده (یعنی به عدل با ظلم کافران مقاومت کنید) و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکارانست.^۱ حالا برای پیدا کردن رمز جدول، خانه‌ها را سه به سه می‌شماریم و حروف را کنار هم قرار می‌دهیم تا رمز جدول به دست آید.



رمز جدول، «اولین قطره، خون شهید» است.

یعنی چه؟ ... این جمله قسمتی از حدیث پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که فرموده اند: «شهید هفت خصلت دارد اولین آن این است که اولین قطره‌ای که از خون او بر زمین بریزد، تمام

۱. مربی می‌تواند ترجمه این آیه را به صورت سلیس تر و با توضیح بیشتر بیان کند تا دانش آموزان بهتر متوجه شوند.

گناهانش، آمرزیده می شود.^۱

چرا شهید این همه ارزش دارد؟^۲ ... چون شهید به وسیله با ارزش ترین دارایی خود، یعنی جان با خدا معامله می کند

خداوند در مقابل اهدای جان با ارزش، چه چیزی به شهید می دهد؟^۳ ... پاسخ این سؤال را در آیه ۱۱۱ سوره توبه پیدا کنید. خداوند می فرماید: «خداوند از مؤمنان، جان ها و اموالشان را خریداری کرده که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد».

پس جهاد در راه خدا، از با ارزش ترین و بهترین کارهاست؛ به همین دلیل است که جزء فروع دین ما قرار گرفته است و آیات و روایات زیادی در این باره وارد شده است. حالا با هم به شعر زیبایی که در مورد شهید سروده شده، گوش می کنیم.^۴

کاروان شهیدا

از دور دست جاده ها	یک کاروان گل آمده
این کاروان ساده را	مردم زیارت می کنند
بر گشته اند از راه دور	خونین شقایق های عشق
از سرزمین شعر و نور	با صد پیام آشنا
آنها گل آلاله اند	بر دسته های مردمان
آنها شبیه زاله اند	بر گونه های شهر ما
تا مرقد پاک رضا علیه السلام	این کاروان در این سفر
ای خوش به حال جاده ها	همراه جاده می رود

علی رضا روحانی

۱. التهذیب، ج ۶، باب ۲۲، روایت ۳، ص ۱۲۱.

۲. مربی صبر می کند تا پاسخ دانش آموزان را بشنود.

۳. مربی صبر می کند تا پاسخ دانش آموزان را بشنود.

۴. چنانچه برای مربی امکان داشته باشد، می تواند از قبل گروه سرودی را آماده کند تا این شعر را به صورت گروهی اجرا کنند.

فصل سوم

اخلاق

طلای ناب

نام درس: طلای ناب

موضوع: اخلاقی

هدف کلی: دانش آموزان با معنای اخلاص و یکی از آثار آن آشنا می شوند

اهداف جزئی

دانش آموزان با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. تبیین معنای اخلاص با کمک مثالی از سنگ معدن و ذوب آن برای به دست آوردن فلز خالص

۲. بیان بعضی از ناخالصی های اعمال از جمله نماز.

۳. راه زدودن این ناخالصی ها (اخلاص)

۴. یکی از آثار اخلاص (نجات از گرفتاری ها)

۵. این که اخلاص شرط استجابت دعا است.

هدف رفتاری:

۱. امید می رود دانش آموز بتواند هنگام نماز افکار غیرخدایی را از خود دور کند و تنها انگیزه اش خدا باشد.

۲. کیفیت اخلاص او را قادر خواهد کرد که در تمامی کارها از جمله درس خواندن اهداف جزئی و زودگذر را در نظر نگیرد.

۳. دانش آموز سعی خواهد کرد با اخلاص با خداوند حاجت بخواند.

روش های مناسب تدریس

۱. سخنرانی فعال (پرسش و پاسخ، شعر، داستان، رازدایره)

رسانه های آموزشی: تخته و گچ

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به شما بچه های خوب و نوجوان با ایمانی که می خواهید آینده ای این کشور را بسازید و آفرین به شما که همه ی کارهایتان را برای خدا انجام می دهید.^۱

این شکل چیست؟



صبر کنید! مقداری راهنمایی می کنم، این شکل یک سنگ معدنی است. فلزی از آن به دست می آید که علامت اختصاری آن «Fe» است. جواب بچه ها سنگ آهن .

حالا که به این سؤال جواب دادید سؤال دیگری می پرسم؛ برای این که از سنگ آهن، آهن خالص به دست آورند، چه می کنند؟
- بله سنگ آهن را در کوره های ذوب آهن حرارت می دهند، آهن ذوب و از ناخالصی ها جدا می شود.

چرا از سنگ آهن به همان صورت که از معدن به دست می آید، دروپنجره نمی سازند؟

درست است، چون سنگ معدن ناخالصی های زیادی دارد و نمی توان از آن در و پنجره ساخت، پس، باید خالص شود تا قابل استفاده باشد.^۲ کارهای ما هم اگر مثل سنگ آهن ناخالص باشد، قابل استفاده نیست و نمی توانیم آخرتمان را با آن بسازیم. جهان آخرت که محل زندگی همیشگی ماست، با کارهای ما ساخته می شود. اگر این کارها خالص نباشد، محل زندگی همیشگی ما خراب خواهد شد. بله! اعمال ناخالص بی ارزشی است در این باره به یک داستان توجه کنید.

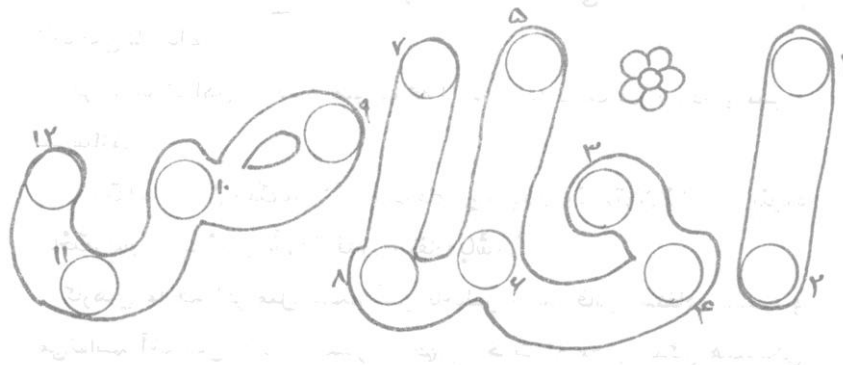
نقل شده است شخصی که سی سال در صف اول نماز جماعت نماز می خواند؛ پس از سی سال، روزی نتوانست خود را به صف اول برساند. از این رو، در صف دوم ایستاد و از این که مردم او را در صف دوم دیدند، گویا خجالتی احساس کرد. از این جا متوجه شد که در این مدت

۱. مربی شکل یک سنگ معدنی را می کشد.

۲. معمولی ترین روش به دست آوردن آهن از سنگ معدن حرارت دادن سنگ آهن به همراه کُک (نوعی ذغال سنگ) و سنگ آهک در کوره های ذوب آهن است.

طولانی که در صف اول نماز می خواند، برای مردم بوده است نه برای خدا، لذا تمام سی سال نماز را دوباره خواند.

- بله! عمل ناخالص، مانند سنگ ناخالص به کار نمی آید. حتماً متوجه شدید که درباره ی چه چیزی می خواهیم صحبت کنم.^۱ حالا این دایره ها را به هم وصل کنید و یک کلمه به دست آورید تا موضوع صحبت ما کاملاً مشخص شود.



- بله! اخلاص. یکی از شما اخلاص را معنا کند.

همان طور که اشاره کردید، اخلاص، یعنی خالص کردن.^۲ یعنی: انسان قصدش را از غیر خدا خالص کند.^۳ و همه کارهایش را فقط برای خدا انجام دهد. برای این که بیشتر توضیح بدهم تا معلوم شود که عمل خالص چه عملی است، اجازه بدهید دایره ها را با جواب هایی که به سؤال های من می دهید، پُر کنیم.

اِبل

۱. کلمه ای عربی به معنای شتر

ذکی

۲. زیرک و باهوش

لا

ﷺ

۳. دو حرف اول اولین شعار توحیدی پیامبر اکرم

۱. مری بعد از این جمله، ۱۲ دایره را رسم می کند؛ البته وصل دایره ها و به دست آوردن کلمه ی اخلاص را به عهده ی دانش آموزان می گذارد.

۲. محمد معین، «فرهنگ فارسی»، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۱، ص ۱۷۳.

۳. ملا احمد نراقی، «معراج السعاده»، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱، ص ۶۲۸.

۴. وسیله ای که حضرت ابراهیم علیه السلام با آن بت‌ها را شکست
تبر
۵. قومی که بیشترین دشمنی را با اسلام داشتند
یهود
۶. شریف‌ترین مخلوق خداوند و مرادف بشر و آدم است
انسان
۷. حی برعکس
بح
۸. به بالا آمدن آب دریا می‌گویند
مد
۹. نصف «کعبه»
کع
۱۰. جمع «لیل»
لیالی
۱۱. همیشه در آن شناوریم؛ اما، آن را نمی‌بینیم
هوا
۱۲. کسی که نمی‌خواهد دیگران پیشرفت کنند و از خوشبختی دیگران ناراحت می‌شود.
حسود

- حالا دایره‌ها پر شده است. این دایره‌ها رمزی دارند که با کشف آن می‌توانیم عمل خالص را بیشتر بشناسیم. برای کشف این رمز باید حروف اول و آخر هر دایره را به هم وصل کنید؛ سپس، به ترتیب از دایره‌ی اول تا دایره‌ی دوازدهم، به صورت مناسب حروف را کنار هم قرار دهید تا یک جمله‌ی عربی که قسمتی از یک حدیث است، به دست آید. این جمله دارای هفت کلمه است و این هفت کلمه نیز از بیست و چهار حرف تشکیل شده است، اولین کلمه چهارحرف و آخرین کلمه، سه حرف دارد. برای این کار دو دقیقه مهلت دارید.^۱

قال الصادق علیه السلام: أَلْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمِدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ^۲

شما با بعضی چیزهایی که خالص یا ناخالص هستند، آشنا هستید و می‌توانید خالص را از ناخالص تشخیص بدهید. برایتان چند مثال می‌زنم، اما، باید همکاری کنید. اگر مثالی را می‌زنم خالص بود، می‌گویید: «خا، خا، خالصه»؛ اگر ناخالص بود، می‌گویید: «نا، نا، خالصه»

آب گل آلود، چیه، بچه‌ها؟ نا ، نا ، خالصه

۱. مربی در این قسمت اول حدیث (قال الصادق علیه السلام: العمل الخالص) را روی تخته می‌نویسد و منتظر می‌ماند تا دانش‌آموزان رمز را کشف کنند سپس، حدیث را به صورت کامل بالای تخته می‌نویسد. پایین تخته را به حدیث بعدی اختصاص می‌دهد.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، «اصول کافی»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج، ص ۱۶.

آب بشه تصفیه، چیه، بچه ها؟	نا،	نا،	خالصه
شیر با آب مخلوط بشه، خالصه ؟	نا،	نا،	خالصه
شیر که از گاو می دوشیم، خالصه؟	نا،	نا،	خالصه
عسل که با شکر باشه، خالصه؟	نا،	نا،	خالصه
عسل که بی شکر باشه، خالصه؟	نا،	نا،	خالصه

اگر آب گل آلود باشد، ناخالص از آب گل آلود نمی توان استفاده کرد. عمل ما هم اگر ناخالص باشد، بی ارزش می شود و نمی توان از آن برای جهان آخرت استفاده کرد. عمل باید مثل آب تصفیه شود تا ارزش پیدا کرده و قابل استفاده شود. البته، توجه دارید که هرکس وظیفه ای دارد. دیگران وظیفه دارند که ما را به کار خوب دعوت کنند و اگر کار خوبی انجام دادیم، تشویقمان کنند؛ اما نباید این تشویق باعث شود که همه ی کارهایمان را فقط به خاطر تشویق مردم و خشنودی آنها انجام بدهیم. وظیفه ی آن ها تشویق است، وظیفه ی ما اخلاص و پاکیزه نگه داشتن عمل، مثلاً هنگامی که نماز می خوانید باین که دیگران شما را می بینند، ممکن است شیطان را این طور وسوسه کند.^۱

نماز بخوان تا مردم بگویند:

-آفرین به تو نوجوان با ایمان

-معلوم است که بچه ی خوبی است، چون، نماز می خواند

-فرزند فلانی، نماز خوان است.

-فلان کس، هم درسش خوب است، هم نماز خوبی می خواند و...

اگر به خاطر این ها نماز بخوانیم، عملمان خراب است، ناخالص است، بی ارزش است. پس نباید اجازه بدهیم این وسوسه های شیطانی در قلب ما تبدیل به یک بت بشود. بت پرست ها از سنگ و چوب بت می ساختند و آن را می پرستیدند و کارهای زیادی برایش انجام می دادند، مثلاً برایش قربانی می کردند. حضرت ابراهیم علیه السلام این بت ها را شکست؛ چون خدای واقعی نبودند. در دوران ما هم محمد رضا شاه بت شده بود، یعنی بعضی از مردم فقط به حرف های او گوش می دادند و همه کارهایشان را برای رضایت شاه انجام می دادند؛ اما یک بت شکن مانند حضرت

۱. مربی جملات ذیل را سمت چپ تخته می نویسد.

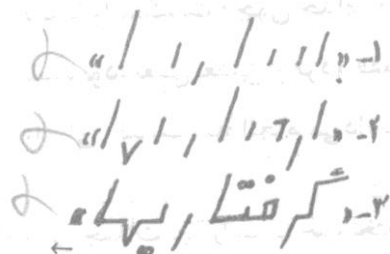
ابراهیم علیه السلام این بت را شکست و حکومت او را نابود کرد. می‌دانید، نام این بت شکن چیست؟
امام خمینی

بتی که حضرت ابراهیم علیه السلام شکست از سنگ و چوب درست شده بود. بتی را که امام خمینی شکست، انسانی بود؛ اما...^۱ آیا بت فقط انسان یا چوب یا سنگ است؟ چیزهای دیگر نمی‌توانند خدای دروغین شوند؟ چرا ممکن است تشویق مردم و رضایت آن‌ها آنقدر برای ما مهم شود که ما همه ی کارهایمان را برای آن انجام دهیم، این هم بت است و یک خدای دروغین؛ البته با چشم نمی‌بینیم؛ اما لازم است آن را از روح خودمان دور کنیم با چه چیزی؟^۲ با اخلاص می‌توانیم از دست خداهای دروغین نجات پیدا کنیم. وقتی که خدای دروغین را نپرستیدیم، از آتش جهنم و گرفتاری‌های این دنیا هم نجات پیدا می‌کنیم؛ چون علی علیه السلام فرمود:^۳ فی الاخلاص یكون الخلاص^۴ اخلاص باعث نجات از.... می‌شود.

خواهان رهایی از مشکلات گرباشی چاره‌ای، جز اخلاص، برخدا نداری

اخلاص باعث نجات از گرفتاری‌های جهان آخرت می‌شود. یکی از گرفتاری‌های بزرگ جهان

۱. مربی با نوشتن کلمه ی اما... پس از چند لحظه سکوت لحن صحبت را عوض می‌کند و کلام را ادامه می‌دهد.
۲. مربی به کلمه ای که با دایره روی تخته نوشته شده اشاره می‌کند و از دانش آموزان می‌خواهد که آن را بلند بخوانند و جواب سؤال را بدهند.
۳. مربی حدیث را پایین تخته می‌نویسد و هم‌زمان، مطالبی را که درباره ی وسوسه های شیطان در سمت چپ تخته نوشته، پاک می‌کند
۴. محمد محمدی ری شهری، «میزان الحمة»، انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۷.
۵. مربی به جای نقطه چین کلمه ی گرفتاری‌ها را با خط فانتزی در سه مرحله می‌نویسد. برای حفظ حدیث بچه ها رابه دوقسمت تقسیم می‌کند، قسمت اول «فی الاخلاص» و قسمت دوم «یكون الخلاص» را می‌گویند تا حفظ شوند. بیت شعر را هم دو قسمت می‌کنند، یک قسمت را عده ای از دانش آموزان و قسمت دیگر را بقیه می‌خوانند.



آخرت، آتش جهنم است. اگر یک حلقه از زنجیرهای جهنمی به کره‌ی زمین برخورد کند، آن را ذوب می‌کند.^۱ اگرکارهای ما بی ارزش باشد گرفتار این مصیبت بزرگ می‌شویم؛ اما اخلاص کارهای ما و عبادت‌های ما را با ارزش می‌کند و از این گرفتاری نجاتمان می‌دهد. اخلاص در این جهان هم اثر دارد و باعث رهایی از گرفتاری‌های دنیوی می‌شود. به یک داستان گوش کنید! در زمان قدیم سه نفر که دوستان خوبی برای هم بودند، از شهر خارج شدند و به تفریح رفتند. بعد از مقداری گردش، برای عبادت به داخل غاری رفتند. ناگهان سنگ بزرگی از بالای کوه سرازیر شده و راه خروجی غار را بست، و غار کاملاً تاریک شد آن‌ها به یکدیگر گفتند: «به خدا هیچ چیز ما را از این گرفتاری نجات نمی‌دهد؛ مگر این که هرکس کاری را که فقط برای انجام داده بگوید و از خدا درخواست کنیم تا از این بلا نجاتمان دهد.»

یکی گفت: «خدایا! روزی می‌خواستم کارزشتی انجام دهم؛ برای این که رضایت تو را به دست آورم، آن را انجام ندارم خدایا! این سنگ را از سرراه ما بردار. سنگ مقداری حرکت کرد و غار کمی روشن شد. دیگری گفت: «پروردگارا! تو می‌دانی که من از چند نفر خواستم که در زراعت مرا کمک کنند. با آنان قرار گذاشتم تا پس از پایان کار به هر یک نصف درهم^۲ بدهم. وقتی که کار تمام شد و هر کدام مزدشان را گرفتند، یکی گفت: من به اندازه‌ی دو نفر کار کرده‌ام، باید یک درهم تمام بدهی.» مزدش را پیش من گذاشت و رفت. من با آن نیم در هرتجارت و زراعت کردم تا به نه هزار درهم رسید. روزی صاحب نیم درهم آمد و تقاضای مال خود را کرد. نه هزار درهم را به او دادم.

خدایا! اگر می‌دانی این کار را فقط برای رضای تو انجام داده‌ام. سنگ را از سرراه ما بردار.

دراین هنگام سنگ، آنقدر تکان خورد که کاملاً یکدیگر را می‌دیدند.

سومی گفت: «خدایا! می‌دانی که من، پدر و مادر سالخورده‌ای داشتم و همیشه به آن‌ها احترام می‌گذاشتم. شبی ظرف شیری برای آن‌ها آوردم. وقتی داخل خانه شدم، دیدم هر دو خوابیده‌اند. ترسیدم اگر شیر را زمین بگذارم بریزد و اگر بیدارشان کنم، شاید ناراحت شوند و راضی نباشند. خدایا! تو دیدی که آن قدر ایستادم، تا بیدار شدند. سپس غذای خود را خوردند.

۱. محمد محمدی ری شهری، «میزان الحمة»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲، ص ۱۶۵

۲. مربی می‌تواند به جای درهم، مبلغ را به تومان (مثلاً دوهزار تومان) بگوید تا برای فهم دانش آموزان آسان باشد.

خدایا! اگر این کار را برای رضای تو انجام داده‌ام، این سنگ را از سر راه ما بردار تا از گرفتاری نجات پیدا کنیم.»

سنگ طوری کنار رفت، که راه خروج آنها باز شد.^۱

بار دیگر حدیث را تکرار می‌کنیم تا همیشه در ذهنمان باشد و به آن عمل کنیم.

یک بار همه با هم حدیث را، بعد معنای آن را به صورت شعر می‌خوانیم.

والسلام

۱. موسی خسروی، بند تاریخ، انتشارات اسلامی، قم، آذر ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۵، ص ۲۰۳ -

اِثَار و احسان

موضوع: اخلاق

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با اِثَار و اهمیّت آن و راه‌های مختلف آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

معنای اِثَار؛

اهمیّت اِثَار؛

تأثیر اِثَار در زندگی.

هدف رفتاری (خروجی):

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند اِثَار را سر لوحه زندگی خود قرار دهند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، داستان، کارت، جدول)

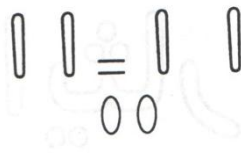
رسانه‌های آموزشی:

تخته سیاه و گچ

بسم الله الرحمن الرحيم

دهم برنامه ام زینت به نام خالق یکتا

دوستان عزیز! سلام، امیدوارم که سرحال و شاداب و خندان آماده شنیدن برنامه باشید. برنامه ما در مورد^۱



می باشد.

برای اینکه به موضوع برنامه پی ببرید به این پانتومیم که توسط دو نفر از دانش آموزان عزیز اجرا می شود، خوب دقت کنید.^۲

چه کسی می تواند بگوید از این دو پانتومیم چه فهمیده است؟

آفرین بر شما. همان طور که این دوست خوبمان گفت در پانتومیم اول دانش آموزی برای نداشتن کفش مناسب از بازی فوتبال محروم شده بود، اما با اهدای کفش توسط دوستش، او هم توانست فوتبال بازی کند. در پانتومیم دوم نیز دانش آموزی که از قبل برای خود ساندویچی آورده بود و می خواست آن را بخورد، چون متوجه گرسنگی دوستش شد خودش چیزی نخورد و آن را در اختیار دوستش قرار داد.

نام کار زیبای این دو دوست را چه می گویند؟

۱. مربی محترم کلمه ایثار را به صورت خطوط فانتزی روی تخته بکشد.

۲. مربی محترم از قبل با دو نفر از دانش آموزان هماهنگی کند که این پانتومیم را اجرا نمایند. پانتومیم ۱- یکی از دانش آموزان در گوشه ای نشسته و در همین حال دانش آموز دیگری که در حال نرمش کردن هست به او نزدیک می شود و از او بخواهد که همراه او برای بازی فوتبال آماده شود، ولی دانش آموز اول با اشاره می فهماند که کفش مناسب ندارد. دانش آموز دومی خداحافظی می کند. هنوز چند قدمی از او دور نشده که در فکر فرو می رود و بر می گردد و کفش خود را در اختیار او قرار می دهد تا دوستش فوتبال بازی کند. پانتومیم ۲- یکی از دانش آموزان ساندویچی از کیف خود در آورده و می خواهد بخورد. در همین حین دانش آموزی را می بیند که دست به روی شکم خود قرار داده و به خود می پیچد. جلو می رود و علت را با اشاره می پرسد. وقتی متوجه گرسنگی او می شود ساندویچ خود را در اختیار او قرار می دهد.

ایثار

آفرین، این را «ایثار» می‌گویند.

چه کسی می‌تواند بگوید ایثار یعنی چه؟

بله، یعنی از خودگذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خود.

آیا می‌توانید به بعضی از مواردی که تا به حال دیده یا شنیده اید اشاره کنید؟

آفرین، حضرت علی (علیه السلام) با از خودگذشتگی و ایثار، جان خود را به خطر انداخت و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نجات پیدا کرد.

و نیز حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا س با آن که در خانه غذایی بیش تر از آنچه که برای بچه‌ها بود نداشتند، ولی وقتی که مهمان گرسنه ای بر آن‌ها وارد شد، آن غذا را به آن شخص غریبه دادند و آن شب تا به صبح خودشان با بچه‌ها گرسنه خوابیدند.

راستی آیا می‌دانید علی (علیه السلام) در این مورد چه فرموده است. برای این که متوجه کلام امام (علیه السلام) شویم، مسابقه ای را آماده کرده ام که شما دانش آموزان عزیز با شرکت در این مسابقه و پاسخ به پرسش‌ها به کلام زیبای امام می‌رسید.

شیوه مسابقه به این صورت است که دو گروه دو نفره از شما عزیزان به جلوی جایگاه تشریف بیاورند. من ۱۶ سؤال آماده کرده ام. هر گروه باید به ۸ سؤال جواب بدهد که هر سؤال ده امتیاز دارد. در ضمن جواب‌ها را در کنار تخته می‌نویسم و از هر جواب یک حرف طبق شماره ای که در خانه مربوطه هست، انتخاب کرده و در خانه جدول قرار می‌دهم. و در پایان با متصل کردن حروف جدول از خانه شماره ۱ تا ۱۶ به ترتیب به پیام خواهیم رسید.

هر گروهی که زودتر از گروه دیگر پیام را به دست آورد ۴۰ امتیاز خواهد گرفت.

همچنین توجه کنید که هر دو گروه اختیار دارند که شماره سؤال خود را از ۱ تا ۱۶ خودشان یک به یک انتخاب کنند و نیاز به ترتیب در شماره سؤال‌ها نیست.

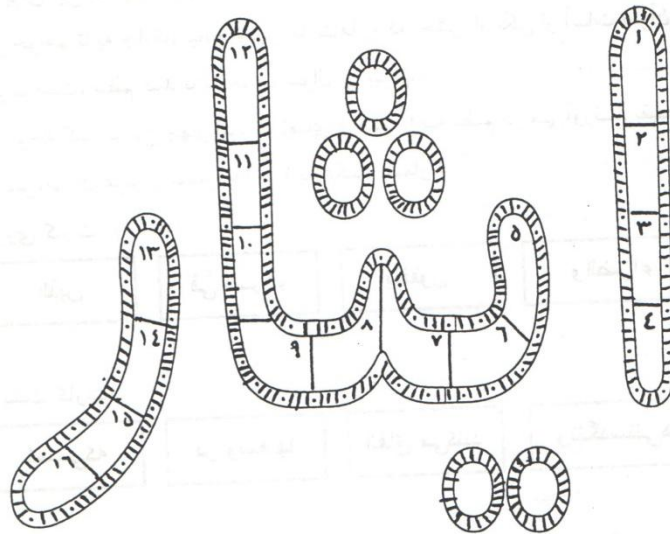
سؤال‌ها عبارتند از:

۱. تن و جسم بدن (ب - ۱)
 ۲. قیمت و بها: ارزش (الف - ۲)
 ۳. پسران در سن پانزده سال تمام و دختران در سن نه سال تمام تکلیف (ل - ۳)
- به آن سن می‌رسند:

- | | |
|---|----------------|
| ۴. مایه حیات و زندگی همه چیز: | آب (۱ - ۴) |
| ۵. وسیله سنجش و وزن کردن: | ترازو (ت - ۵) |
| ۶. نوعی پارچه که پوشیدن آن بر مردان حرام است: | ابریشم (ر - ۶) |
| ۷. قاتل‌هاییل: | قابیل (ی - ۷) |
| ۸. نافرمانی و عصیان خداوند: | گناه (ن - ۸) |
| ۹. روشنایی و فروغ: | نور (ن - ۹) |
| ۱۰. سوره ای به معنای آهن: | حدید (ی - ۱۰) |
| ۱۱. سرزمین بی آب و علف: | کویر (ک - ۱۱) |
| ۱۲. پیامبر مشهور به شکیبایی: | ایوب (و - ۱۲) |
| ۱۳. نام محل شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش: | کربلا (ک - ۱۳) |
| ۱۴. سود حرام پول: | ربا (ا - ۱۴) |
| ۱۵. مخفف راه: | |
| ۱۶. دوست و رفیق: | یار (ی - ۱۶) |

سؤال‌ها تمام شد. حالا که حروف مربوط را در خانه‌های جدول قرار دادید، پیام چه می‌شود؟

بالاترین نیکوکاری



چه چیزی؟ بله، چنان که از شکل جدول مشخص است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:
ایثار، بالاترین نیکوکاری. قال علی (علیه السلام): الاِیثارُ اعلیٰ الاحسان^۱

۱. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، دار الحدیث، ج ۱، (ص) ۲۲.

حالا با همدیگر این حدیث را تکرار کنید.

راستی دوستان! چه کسی می داند بگوید که ایثار چه زمانی بالاترین نیکوکاری است؟
برای اینکه بهتر متوجه جواب شویم، از چهار نفر از دوستان دیگر تان می خواهم تا به جایگاه
بیایند و این کارت ها را که بخشی از یکی از آیات قرآن کریم است، منظم کنند تا به جواب سؤال
پی ببریم.

توجه کنید تا این چهار نفر، کارت های درهم را به نظم در می آورند، بقیه دانش آموزان عزیز از
شماره ۲۰ تا ۱ به عکس بشمارند.

روی کارت			
الذین	فی السراء	ینفقون	والضراء
پشت کارت			
کسانی که	در وسعت ها	انفاق می کنند	و تنگدستی ها

پیام: الذین ینفقون فی السراء و الضراء^۱ کسانی که در وسعت ها و تنگدستی ها انفاق می کنند.

چه کسی می تواند در مورد این آیه توضیح دهد؟

دروود بر شما، مؤمن واقعی کسی است که چه آن زمان که وضعیت مالی خوبی دارد و چه در آن
زمان که در تنگدستی و سختی قرار دارد به نیازمندان کمک کند.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید که روزی پس از نماز عصر، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و
آله) با صحابه نشسته بودند. در این موقع پیرمردی با لباس های کهنه در کمال ضعف و سستی که
معلوم می شد راه دوری را با گرسنگی پیموده است وارد شد و عرض کرد: «من پیرمردی پریشان
حالم، مرا از گرسنگی و برهنگی و گرفتاری نجات ده،» رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)
فرمود: «اکنون چیزی ندارم، ولی تو را به کسی راهنمایی می کنم که گرفتاری تو را برآورده سازد.
در همین هنگام، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به بلال دستور فرمود تا پیرمرد را به در خانه
فاطمه س راهنمایی کند. وقتی که آن مرد به در خانه علی (علیه السلام) رسید گفت: «السلام
علیکم یا اهل بیت النبوه؟ سلام بر شما ای خاندان نبوت.» اهل خانه جواب سلام او را دادند و

۱. آل عمران/ ۱۳۴.

پرسیدند تو کیستی؟

پیرمرد گفت: «مردی عرب هستم که پیامبر مرا جهت کمک به در خانه شما راهنمایی کرده است.» آن روز سومین روزی بود که خانواده علی (علیه السلام) به گرسنگی گذرانده بودند و پیغمبر از این جریان اطلاع داشت.

دختر پیامبر گردن بندی را که دختر عبدالمطلب به او هدیه داده بود به مرد عرب داد. پیرمرد گردن بند را گرفت و توسط آن خوراکی برای خوردن و لباسی برای پوشیدن تهیه کرد و دویست درهم نیز به دست آورد. به این وسیله مشکلات وی برطرف شد.^۱

حال که صحبت در مورد ایثار و کمک به نیازمندان است خوب به این اعداد توجه کنید

$$۱=۱۰ \quad \text{و} \quad ۱=۱۸$$

چه کسی می‌تواند بگوید از این تساوی چه می‌فهمید؟

مقداری راهنمایی می‌کنم.

این تساوی نشان دهنده ارزش برخی کارها پیش خداوند است.

آفرین بر شما $۱=۱۰$ یعنی هر کسی یک کار خوب انجام دهد، خداوند ده برابر آن پاداش به او خواهد داد.

آیا آیه ای در این مورد هم می‌دانید؟

بله، «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها»^۲

تساوی دیگر چه می‌گوید؟

آفرین بر شما، $۱=۱۸$ وقتی که فردی به نیازمندی قرض می‌دهد، خداوند پاداش آن را هجده برابر می‌کند.^۳

در پایان از یکی از شما دانش آموزان عزیز می‌خواهم که این سرود را که در مورد یکی از ایثارگران واقعی است برای بقیه بخواند.

۱. محمد کاظم قزوینی، فاطمه الزهرا، حسین فریدونی، آفاق، چ ۴، ۱۳۷۱، (ص) ۲۱۵ به بعد.

۲. انعام/ ۱۶۰.

۳. الامام الصادق علیه السلام: علی باب الجنة مکتوب: القرض بثمانیه عشر و... محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحديث، قم، چ ۱، (ص) ۲۵۴۸، ح ۱۶۶۷۷، باب ۳۳۳۷، باب «الدین و القرض».

از بس که قلبش مهربان بود
او شمع بود و اشکش
او خوب بود، او نان خود را
او با خدا بود و خودش را
می گفت من وقتی بیمنم
در بین آدم‌ها همیشه
وقتی بیمنم حق مظلوم
مانده گرسنه یک کبوتر
دیگر چگونه می توانم
آن لحظه من از شدت درد

پروانه‌ها را پر نمی‌داد
بوی گل و پروانه می‌داد
با دیگران تقسیم می‌کرد
تنها به او تسلیم می‌کرد
یک عده تنها و فقیرند
یک عده ای هم سیر سیرند
در دست‌های ظالمان است
غمگین میان آسمان است
حتی شبی راحت بخوابم
غمگینم و در پیچ و تابم

(محمدکاظم مزینانی)
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

رضایت الهی

موضوع: اجتماعی

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با یکی از وظایف خود نسبت به پدر و مادر آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

پیامبرانی که نسبت به آن ها با هم نسبت پدر و فرزندی است.

داستانی از زندگی حضرت یوسف درباره احترام به پدر و مادر

دو حدیث درباره احترام مادر و رضایت والدین

آثاری از رضایت والدین

هدف رفتاری:

انتظار می رود دانش آموزان در پایان این درس بیش تر از همیشه به پدر و مادر خود احترام

بگذارند و رضایت آن ها را جلب کند.

روش های مناسب تدریس

توضیحی

فعال (پرسش و پاسخ و جدول و...)

رسانه های آموزشی:

ذره بین ، تابلو

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

سلام! حالتان خوب است. آماده اید با هم درس را شروع کنیم من یک نوشته دارم^۱.

چه کسی می تواند آن را بخواند تا من مطالب آن را در تابلو بنویسم؟

بله! من از بین شما سه نفر را انتخاب می کنم ، شما و شما و شما

لطف کرده خودتان را معرفی کنید حالا به ترتیب : اول شما این نوشته را بخوانید. بیش تر دقت کنید. نتوانستید... حالا نفر دوم و بالاخره نفر سوم ... فرصت دارید دقت کنید شاید بتوانید بخوانید. آیا در آن چیزی نوشته شده است یا نه ؟ خیلی ریز نوشته شده است . اگر یک وسیله ای باشد که آن را بزرگ نمایی کند، شاید بتوان خواند. برای همین من با خود یک ذره بین^۲ آورده ام. حالا شاید بتوان نوشته را خواند و به مطالب آن دست یافت پس بهتر است از ذره بین استفاده کنید ، بفرمایید فقط مطالب سطر اول را بخوانید آن چه را که شما می خوانید من برای دوستان حاضر در تابلو^۳ می نویسم تا آن ها هم متوجه شوند.

بله! اسماعیل ، اسحاق و ...

حالا نوبت نفر دوم است شما لطف کنید فقط اسامی افرادی را که در سطر دوم آمده است ، بخوانید.

بله، فاطمه، داوود، و ...

اما شما دوست عزیز، مطالب سطر سوم را بخوانید.

آفرین! یعقوب ۱۳ رجب

۱. مربی نوشته ای بسیار ریز آماده کند که بدون ذره بین خوانده نشود و مطالبی که باید در آن بنویسد چنین است:

(اسماعیل ، اسحاق، یحیی ، ابراهیم ، موسی ، اسحاق)

فاطمه، دارد، عیسی، سلیمان، مریم ، محمد، زینب)

(یعقوب، ۱۳ رجب ، ۲۰ جمادی الاثانی ، یعقوب، علی)

۲ . مربی از قبل ذره بین مناسبی تهیه کند و به محل درس ببرد در ضمن تعدادی از اسامی انحرافی است مربی به این نکته توجه کند.

۳ . مربی در قسمت مناسب از تابلو اسامی خوانده شده توسط دانش آموزان را بنویسد.

دوستان شما کمک کردند و تعددی از اسامی را در تابلو نوشتم.

حالا چه کسی می تواند رابطه این اسامی را با یکدیگر بگوید؟

از دوستان شما هم که کمک کردند خواهش می کنم در جای خود بنشینند تا کسانی که برای پاسخ دادن به سوال دوم ما حاضرند، تشریف بیاورند.^۱

بفرمایید: شما... شما و شما. لطف نموده خودتان را معرفی کنید و رابطه آن ها را بگویید.

در بین این اسامی نام تعدادی از انبیای الهی (که رابطه آن ها پدر و فرزند است) وجود دارد من در یک طرف تابلو^۲ کلمه پدر و در طرف مقابل، کلمه فرزند را می نویسم شما از بین اسامی نام پدرها و فرزند ها را بگویید اول شما... آفرین! از اسامی پدرها؛ ابراهیم (علیه السلام) فرزندش: اسماعیل (علیه السلام)

بعدی؛ درست است! زکریا و یحیی

نفر سوم؛ یعقوب (علیه السلام) و یوسف (علیه السلام)

دوباره نفر اول پاسخ بگوید: بله! داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام)^۳

دوستان عزیز کدام یک از شما می تواند داستانی از زندگی یکی از این پیامبران را تعریف کند من می خواهم در این فرصت یکی از داستان های آن ها را برای شما بگویم داستانی از قرآن کریم که خداوند آن را از نیکوترین داستان ها معرفی کرده است.^۴ کدام داستان؟

آفرین، داستان قسمتی از زندگی حضرت یعقوب و فرزندش حضرت یوسف (علیه السلام).

۱. مربی سه نفر از داوطلبان را انتخاب کند و به کمک آن ها مطلب خواسته شده را در تابلو بنویسد.

۲. در قسمتی مناسب از تابلو دو کلمه ی پدر و فرزند به طور خوانا نوشته شود تا در زیر آن ها اسامی قرار گیرد.

۳. مربی مطالب را به صورت مرحله به مرحله « الف - ب » به ترتیب زیر در تابلو بنویسد.

الف:

پدر	ابراهیم (علیه السلام) زکریا (علیه السلام) اسحاق (علیه السلام) ابراهیم (علیه السلام) یعقوب (علیه السلام) محمد (صلی الله علیه و آله) داود (علیه السلام)
فرزند	اسماعیل (علیه السلام) یحیی (علیه السلام) یعقوب (علیه السلام) اسحاق (علیه السلام) یوسف (علیه السلام) فاطمه (علیه السلام) سلیمان (علیه السلام)

ب:

تاریخ روز	نام مناسبت	نام روز
۱۳ رجب	تولد حضرت علی (علیه السلام)	روز پدر
۲۰ جمادی الاثنی	تولد حضرت فاطمه (علیه السلام)	روز مادر

۴. نحن نقص عليك احسن القصص، یوسف ۳

زمانی که حضرت یوسف علیه السلام پیراهن خود را به وسیله برادرانش برای پدر فرستاد حضرت یعقوب علیه السلام به وسیله آن پیراهن بینا شد و دستور داد همان روز برای حرکت به طرف مصر آماده شوند.

کاروان به جهت شادی که داشت با سرعت به طرف مصر حرکت کرد مسافرتی که ۹ روز طول کشید و سرانجام پدر همراه فرزندان خود به مصر وارد شد. حضرت یوسف علیه السلام هم برای استقبال از پدر و خاندان خود از شهر مصر خارج شد. البته طبیعی است که بزرگان مصر به احترام حضرت یوسف علیه السلام در مراسم استقبال شرکت کنند. شاید به جهت محبوبیت فوق العاده ای که حضرت یوسف علیه السلام نزد مردم مصر پیدا کرده بود گروه بسیاری از مردم نیز برای استقبال پدر و برادران وی به خارج شهر آمده بودند به هر ترتیب جمعیت بسیاری در بیرون شهر به انتظار ورود کاروان فلسطین گرد هم آمده بودند. آخرین ساعت های فراق هم سپری شد کاروان فلسطین از راه رسید و پدر و پسر پس از سال ها جدایی و غم و اندوه یکدیگر را در آغوش کشیدند.

مادر حضرت یوسف علیه السلام هم که در آن زمان زنده بود و همراه کاروان به مصر آمده بود به دیدار فرزند دلبندهش نایل آمد. اگر چه آن دقایق روح بخش گذشت ولی شور و هیجانی که در آن ساعت به پدر و مادر یوسف دست داد، قابل توصیف نیست. ناگفته پیداست که چه هلهله ها و شادی ها در آن ساعت تاریخی در فضای صحرا پیچید و چه اشک های شوقی که با مشاهده آن منظره بر گونه ها غلتید. آن گاه یوسف بدون ملاحظه مقام و عظمت خود با کمال احترام نسبت به پدر و مادر خود رفتار کرد و آن دورا در کنار خود جای داد. پس از انجام مراسم استقبال و آرامش مختصری که باز یافتند به حضور آن ها رسید و گفت: اکنون (حرکت کنید) و به خواست خدا با کمال آسایش خاطر به شهر مصر درآیید.^۱

آن ها بعد از ورود به مصر وارد یکی از کاخ ها شدند، حضرت یوسف علیه السلام پیش آمد پدر و مادر خود را بر تخت خویش بالا برد و بهترین مکان را برای جلوس آنان انتخاب کرد.^۲ خوب حالا که داستان را شنیدید به سخنی از حضرت فاطمه (س) درباره مادر گوش کنید. شما

۱. «و رفع ابویه علی العرش و خرّوا له سجدا و قال...» یوسف ۱۰۰

۲. سید هاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران ۱۳۷۴ چ ۷، ص ۳۱۲ تا ۱۳۵ با ویرایش اندک

قسمتی از این حدیث را به یاد دارید چه بهتر که حدیث را به طور کامل بشنوید. ترجمه قسمتی را که می‌دانید چنین است: بهشت زیر پای مادران است. عربی آن چه می‌شود: «**الجنة تحت اقدام امهاتکم**»^۱ تکرار کنید: گروه اول: الجنة گروه دوم: تحت اقدام امهاتکم.

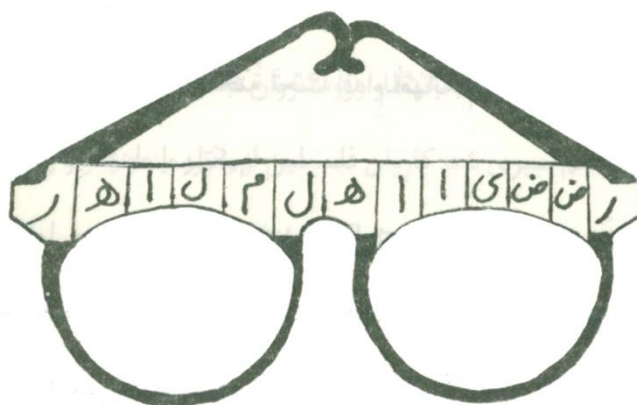
کلام کامل حضرت فاطمه (س) درباره احترام مادر این است: الزم رجلها، فانّ الجنة تحت اقدامها.^۲ به پای مادر (برای احترام) بیفت، زیرا بهشت زیر پای اوست

حالا که با یکی از وظایف خود آشنا شدید بگویید پدر و مادر چه زمانی بیشتر به احترام نیاز دارند؟

بله وقتی که پدر و مادر دو وسیله نیاز پیدا می‌کنند به کمک فرزندان خود نیاز بیشتری خواهند داشت.^۳

یکی از آنها دو وسیله همین ذره بین است که عده‌ای از پدر و مادرها از آن به صورت دوتایی (عینک) استفاده می‌کنند تا بتوانند بهتر ببینند مطالعه کنند و یا

و وسیله دیگری که عده‌ای از پدر و مادرها به آن نیاز دارند، برای راه رفتن است، آن چیست؟ عصا



۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث قم، ۱۳۷۵ چ ۱، ج ۴ ص ۳۶۷۵ ح ۲۲۶۹۱

۲. سید اسماعیل گوهری، ارزش پدر و مادر در قرآن و روایات، نیایش، تهران ۱۳۷۳، چ ۱، ج ۱، ص ۱۹۵

۳. مربی در تابلو در قسمتی مناسب تصویر دو عصا و دو ذره بین را رسم کند و آن‌ها را در نهایت به شکل عینک در آورد

از ترکیب این دو ذره بین و عصا چه به دست می آید؟^۱ عینک
این ها کنایه از این است که پدر و مادر در سن پیری بیش تر احتیاج به کمک و احترام دارند.
اما از میان آسامی ، دو تاریخ هم بود که یکی « ۲۰ جمادی الثانی» بود و دیگری ، ۱۳ رجب

چه کسی می تواند بگوید این روزها مربوط به روز تولد چه کسانی است؟^۲

بله ، روز تولد حضرت علی علیه السلام و روز تولد حضرت فاطمه (س) خوب بفرمایید روز ۲۰
جمادی الثانی به چه روزی معروف شده است؟ بله روز زن یا مادر راستی شما برای روز ۱۳
رجب چه پیشنهادی دارید، این روز را چگونه نام گذاری کنیم؟ آفرین روز پدر.
آیا در طول سال باید فقط دو روز به فکر مادر و پدر باشیم؟ به طور یقین جواب شما منفی است.
بله وظیفه داریم همیشه به خصوص در ایام پیری احترام بیش تری نسبت به آن ها ابراز کنیم.

حالا به سوالی جواب دهید: رضایت خداوند چگونه به وسیله پدر و مادر به دست می آید؟

برای یافتن جواب سوال باید به پیامی که در عینک^۳ آمده است مراجعه کنید.
دوستان عزیز! در طرح این عینک ۱۳ خانه است حرف خانه اول را از طرف راست انتخاب کنید،
یعنی حرف (ر) حالا حروف را با شمارش خانه ها دو تا دو بنویسید تا جواب سوال را به دست
آوردید خانه اول (ر) یک ، دو خانه ی بعدی ، ض ادامه می دهیم...

رض ا ه ا ر ض ی ا ل ل ه

حالا حروف را با هم ترکیب کنیم تا یکی از راه های رضایت الهی خداوند را در دنیا به دست
آوریم، بله رضا هما رضی الله^۴ ؛ یعنی رضایت پدر و مادر ، رضایت خداوند است.
حالا با هم تکرار کنید گروه اول رضا هما ، گروه دوم: رضی الله

در پایان چه کسی می تواند یکی از دعا های قرآنی را که درباره پدر و مادر است از حفظ
بخواند؟

۱. مربی دو تابلو قسمتی مناسب تصویر دو عسا و دو ذره بین را ترسیم کند و آن ها را در نهایت به شکل عینک درآورد

۲. مربی از قبل این آسامی و تاریخ را در تابلو بنویسد و مرحله به مرحله از آن استفاده کند.

۳. مربی پیام را داخل خانه های عینکی که از طریق وصل کردن دو ذره بین و دو عصا به دست آورده است قرار دهد .

۴. محمد باقر مجلسی، بحالانوار دارالحیاء التراث العربی، بیروت ، لبنان ، ۴ ، ۱۴ ه ق ، چ ۳ ، ج ۲۳ ، ص ۲۷۰

من از یکی از دوستان شما تقاضا می‌کنم^۱ تا این دعا را با صدای بلند و با صوت زیبا بخواند شما هم بعد از او تکرار کنید.

ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقومو الحساب^۲

رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا^۳

۱. مربی از قبل با یکی از دانش‌آموزان خوش صدا برای تلاوت آیات مذکور هماهنگ می‌کند در ضمن لازم است آیه به صورت کلمات کوتاه بیاید.

۲. ابراهیم، ۴۱

۳. اسراء، ۲۶

یارکل

موضوع: اخلاق

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با شرایط انتخاب دوست و ویژگی های آن آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

برخی از ملاک های انتخاب دوست؛

ویژگی های دوست خوب؛

ویژگی های دوست خدا؛

بهترین مکان دوست یابی.

هدف رفتاری (خروجی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند دوست خوب برای خود انتخاب کنند و از

دوستی با افراد ناباب پرهیز کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، بازی با کلمات، کارت بازی، جدول و...)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته سیاه و گچ ۲. کارت

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده و مهربان
ای تو با جان و دل من آشنا
بارالها! دوست می‌دارم تو را
ای خدای بی شریک و بی قرین
در میان دوستانم بهترین

دوستان عزیز! سلام، امیدوارم حال شما خوب باشد و دوستی‌هایتان پایدار.
اگر موافق هستید بیاید با «مَثَل‌ها و ضرب‌المثل‌های فارسی» هم آشنا شویم. ابتدا یک «مثل»
فارسی را در تابلو می‌نویسم تا هر کس که فکر کرد می‌تواند آن را بدون غلط بخواند، اجازه بگیرد
و آن را بخواند:

یار باش، بار نباش؛ گل باش، خار نباش»^۱

آفرین، حالا چه کسی می‌تواند این عبارت را به صورت صحیح بخواند:
با کسی آشنا نمی‌گردم چون شدم آشنا نمی‌گردم^۲

یک راهنمایی!

این جمله با یک ویول مناسب، به طور صحیح خوانده می‌شود و مفهوم آن کامل می‌گردد.

آفرین

با کسی آشنا نمی‌گردم چون شدم آشنا، نمی‌گردم

مَثَل‌ها در ادبیات فارسی سخنان کوتاه، سودمند، دلنشین و عمیق هستند که هر کدام به سبب
سادگی و روانی خود، اندیشه‌های لطیف و ژرف را با خود به همراه دارند. شما هم کم و بیش با
این ضرب‌المثل‌ها آشنا هستید و یا شنیده اید که چگونه دیگران رد جای مناسب از آن‌ها برای
درستی حرف خودشان از آن‌ها استفاده می‌کنند. شما هم می‌توانید به سادگی در جاهای مختلف
برای بیان بهتر منظور خود از آن‌ها استفاده کنید. حالا از شما چند ضرب‌المثل می‌پرسم که

۱. مربی مَثَل را بدون نقطه بنویسد، البته لازم است مربی هم از قبل تمرین کند تا بدون نقطه مَثَل را نوشته و درس را

ادامه دهد. عبارت صحیح مثل: «یار باش بار نباش؛ گل باش، خار نباش»

۲. با کسی آشنا نمی‌شوم (حال ساده) چون شدم آشنا روی گردان نمی‌شوم (مضارع ساده). شکورزاده ابراهیم، ده
هزار مثل فارسی، ۱۳۷۲، مشهد، چ ۱، انتشارات آستان قدس رضوی.

پاسخ شما را در تابلو می‌نویسم.^۱

یک ضرب المثل بگویید که در آن دو کلمه «عفو» و «انتقام» به کار رفته باشد.

در عفو لذتی است که در انتقام نیست.

چه کسی می‌تواند ضرب الثملی بگوید که در آن «وفا» و «صفا» به کار رفته باشد؟

وفا کن تا صفا بینی

«اصحاب کهف» را که می‌شناسید. درباره سگ اصحاب کهف یک ضرب المثل بگویید؟
سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و آدم شد

آخرین ضرب المثل را با استفاده از دو کلمه «پول» و «کیف» بگویید؟ بله،

تا پول داری رفیقتم قربان بند کیفتم

حالا با دقت بار دیگر به ضرب المثل نگاه کنید.

آیا پیام آن‌ها را می‌توانید بگویید؟

اگر دقت کنید در این ضرب المثل‌ها به مهم‌ترین عامل سربلندی و پیشرفت آدمی در زندگی اشاره شده است که هر کدام قسمتی از ویژگی‌های او را برای ما بیان کرده است.

حالا از هر ضرب المثل، یک حرف (حرف اول) را انتخاب کنید. آن‌ها را کنار هم بنویسید. چه کلمه‌ای به دست آمد؟ بله،

دوست

ویژگی‌های دوست بسیار است.

۱. مربی ضرب المثل (۴ ضرب المثل) را در طرف راست تابلو با خط زیبا و روان می‌نویسد، یا از دانش آموزی که جواب داده است می‌خواهد که آن را بنویسد.

در ضرب المثل اول چه ویژگی دست بیان شده است؟^۱

ت ذ گ ش

روی کارت

گ ذ ش ت

پشت کارت

بله، دوست باید با گذشت باشد و از اشتباه دوست خود چشم پوشی کند.

در ضرب المثل دوم به کدام صفت او اشاره شده است؟

و ا ف ا د ر ی

روی کارت

و ا ف ا د ر ی

پشت کارت

در ضرب المثل سوم به مهم ترین ویژگی یک دوست، «ان س ا ن ی ت» [پشت کارت]

یعنی «ان س ی ت ن» [روی کارت] او اشاره شده است.

اما دوست آدمی باید دوست واقعی باشد، یعنی «پ و ل ی» [پشت کارت] نباشد. «پ و ل ی»

[روی کارت]

حالا برای آشنایی بیش تر، سراغ قرآن می رویم تا از محضر قرآن استفاده کنیم. دوست شما از قبل قرآنی را آماده کرده است و برای شما دو آیه از سوره نساء^۲ را تلاوت می کند و ترجمه آن را می خواند.

«و من یعمل....»

ترجمه: «هر کسی کار شایسته ای انجام دهد....»

حالا که به آیه ها و ترجمه آن به دقت گوش دادید، قسمت پایانی آن را در تابلو می نویسم:

«... و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً»

یعنی خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) را برای دوستی خود برگزید.

آیا حضرت ابراهیم (علیه السلام) ویژگی خاصی داشت؟ چه کسی ویژگی های حضرت ابراهیم (علیه السلام) را می داند؟

۱. مریبی جواب ضرب المثل ها را با حروف پراکنده در روی کارت بنویسد، مثل «ت ذ گ ش»، «و ا ف ا د ر ی»، «ا ن س ی ت ن»، «پ و ل ی» و در هنگام جواب بچه ها، پشت کارت حروف را مطابق نگارش آن ها در معرض دید دانش آموزان قرار می دهد.

۲. سوره نساء/ ۱۲۵-۱۲۴.

بله، آن حضرت (علیه السلام) یکی از پیامبران **اولوا العزم** و صاحب کتاب و شریعت مستقل بود. خانه^۱ را بازسازی کرد. با **بت پرستی** مبارزه کرد. وی فقط از **خداوند** نیازهای خود را درخواست می کرد و در راه خدا از **مال** و **جان** خود گذشت. علاوه بر این ویژگی ها، یک ویژگی دیگر هم داشت که به ابراهیم خلیل معروف شده است. آیا آن را می دانید؟

به یک روایت از امام صادق (علیه السلام) درباره این ویژگی حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) توجه کنید.

گروهی به خانه حضرت ابراهیم (علیه السلام) وارد شدند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای پذیرایی از آنان، گوساله ای را آماده کرد و از گوشت آن غذای مناسبی تهیه کرد. در هنگام پذیرایی مشاهده کرد که مهمانان از غذای او استفاده نمی کنند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) نگران شد و از آن ها دلیلش را پرسید.

مهمانان گفتند: ما نمی توانیم از غذایی که تهیه کرده ای، استفاده کنیم مگر آن که به ما بگویی چه مقدار باید پردازیم؟

حضرت ابراهیم (علیه السلام) با گشاده رویی فرمود: «بهایی که شما می توانید در مقال آن پردازید، آن است که در هنگام استفاده کردن از طعام بگویید: «بسم الله» و در پایان بگویید: «الحمد لله»

در این هنگام جبرئیل به دوستان خود گفت: «شایسته است که خداوند متعال، حضرت ابراهیم (علیه السلام) را خلیل خود نامیده است.»^۲

خداوند متعال حضرت ابراهیم (علیه السلام) را برای خود به عنوان دوست انتخاب کرد. اگر شما خواستید دوستی برای خود انتخاب کنید چه می کنید؟

تاکنون فکر کرده اید که بهترین جایی که می توان یک دوست خوب پیدا کرد، کجاست؟ با یک مسابقه موافقت؟

۱. اشاره به کعبه از پیش ساخته شده دارد.

۲. ابی الحسین سعید بن عبدالله راوندی، قصص راوندی، تحقیق غلامرضا عرفانیان، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۱، سال ۱۴۰۹، (ص) ۱۰۵.

دو گروه، دو نفره^۱

نام گروه اول: ... وفا

نام گروه دوم: ... صفا

سوال‌های هر گروه مشخص است. پاسخ سوال‌ها را در جدول^۲ مربوط به خود قرار دهید.

				۱
				۲
				۳
				۴

گروه صفا

				۴
				۳
				۲
				۱

گروه وفا

سؤال اول از گروه وفا

پرنده نامه رسان حضرت سلیمان (علیه السلام): هدهد

حروف پاسخ را در خانه‌های بالای جدول (خانه شماره ۱) قرار می‌دهیم.

سؤال اول از گروه صفا

نام مادر یکی از پیامبران اولوا العزم (حضرت عیسی (علیه السلام)): مریم

این گروه هم حروف جواب را در خانه‌های ردیف شماره یک قرار می‌دهند.

دومین سوال از گروه وفا:

به معنای نجات دهنده و رهایی دهنده است: منجی

حروف پاسخ را در ردیف دوم جدول قرار دهید.

دومین سوال از گروه صفا:

سخن درست و برحق: راست

شما هم حروف پاسخ را در ردیف دوم جدول قرار دهید

سومین سوال از گروه وفا:

الگو، مقتدا، پیشوا: اسوه

۱. مربی سعی کند از میان دانش آموزان هر دو نفر را که با هم صمیمی هستند، انتخاب کند.

۲. مربی در تابلو جای مناسب ۲ جدول (۴×۴) رسم کند و مطابق شماره حروف را جایگزین کند. سعی شود جدول را طوری رسم کند که قسمت بالای جدول جهت کشیدن یک گنبد مسجد خالی باشد.

حروف را رد جای مخصوص خود در ردیف شماره ۳ بنویسید.

سومین سوال از گروه صفا:

جمع مرد به عربی: رجال

آخرین سوال از گروه وفا:

کسی که برای خدا شریک فرض کند و به خدایان متعدد و گوناگون عقیده داشته باشد: مشرک

آخرین سوال از گروه صفا:

گفتاری که حقیقت نداشته باشد: دروغ

حالا شما هم حروف پاسخ را در ردیف آخر قرار دهید.

حالا سراغ رمز جدول می‌رویم.

آیا کسی از گروه‌ها می‌تواند رمز جدول را که نام محل دوست یابی است، بگوید؟

فرصت دارید پاسخ خود را در یک برگه کوچک بنویسید و تحویل دهید، تا برنده را اعلام کنم.

یک راهنمایی می‌کنم. این مکان به طور معمول در شهرهای بزرگ با گنبد دیده می‌شود.

حالا هر گروه بگوید که چگونه به پیام جدول دست پیدا کرد؟

بله، شما گروه وفا، از طرف پایین به طرف بالا به صورت مورب حرکت کنید تا به پیام برسید،

ولی گروه صفا، از طرف بالا به طرف پایین به صورت مورب حرکت کند تا پیام را به دست آورد.

بهترین مکان مورد نظر برای دوست یابی کجاست؟ آفرین، مسجد.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «هر کس به سوی مسجد (رفت و آمد کند) برود، چند چیز

نصیب او خواهد شد؛ یکی از آن‌ها، دوست خوب است.»^۱

حالا که با مکان دوست یابی و انتخاب او آشنا شدیم، بهتر است یکی از ویژگی‌های او را هم

بدانیم.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: دوستی را برای خود انتخاب کن که:

به نظر شما حضرت چه خصوصیتهایی را برای یک دوست خوب معرفی می‌کند؟

۱. محمد ری شهری، میزان الحکمه، دار الحدیث، قم، ج ۲، ح ۸۳۱۵، (ص) ۱۲۶۱، ب ۱۷۶۲.

با هم به این کارت‌ها توجه کنید:^۱

فیک | لم یقل | من غضبک | علیک | ثلاث | مرات | سوءا

کارت‌ها را صوری کنار هم قرار می‌دهیم که فرمایش امام صادق (علیه السلام) را درباره دوست خوب به دست آوریم:

من غضبت | علیک | ثلاث | مرات | لم یقل | فیک | سوءا

آفرین، حالا به ترجمه روایت توجه کنید.

کسی که سه مرتبه عصبانی شد، ولی حرف زشتی درباره تو نگفت (و خود را کنترل کرد)... چه؟

بله، او را برای دوستی خودت انتخاب کن، و گرنه از دوستی با او دوری کن... چرا؟ چون...
همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

منشین با بدان که صحبت بد گرچه پاکی، تو را پلید کند

آفتاب بدین بزرگی را لکه ابری ناپدید کند^۲

آیا تاکنون سرگذشت اثر همنشینی با دیگران (چه خوب چه بد) را شنیده اید. حالا به یک نمونه از آن‌ها گوش کنید:

«عقبه»^۳ مثل همیشه سرحال و شادمان از سفر بازگشت. همه اهل مکه را این بار هم دعوت نمود. طعامی بسیار مناسب و فراوان تهیه کرد. او می‌خواست همه از دست او خوشحال و راضی باشند.

عقبه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را خیلی دوست می‌داشت. با حضرت (صلی الله علیه و آله) زیاد نشست و برخاست می‌کرد. از گفت و گو با حضرت (صلی الله علیه و آله) سیر نمی‌شد و از دیدار آن حضرت (صلی الله علیه و آله) خیلی خوشحال می‌شد، هر چند که مسلمان نبود. این بار فکر کرد که چه خوب است رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دعوت کنم. آن حضرت (صلی الله علیه و آله) را دعوت کرد.

حضرت (صلی الله علیه و آله) دعوت او را پذیرفت. به مهمانی عقبه رفت. در هنگام صرف غذا

۱. مربی کارت‌ها را که پشت آن‌ها شماره ترتیب دارد به صورت نامرتب به یکی از دانش آموزان می‌دهد و در زمان کوتاه از او می‌خواهد که به طور صحیح مرتب نماید و در تابلو نصب نماید تا مربی ترجمه را با کمی توضیح بیاورد.

۲. سعدی.

۳. عقبه بن ابی محیط.

همه منتظر بودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم از غذاهای عقبه استفاده کند، ولی آن حضرت (صلی الله علیه و آله) خودداری کرد. عقبه از حضرت (صلی الله علیه و آله) علت را پرسید.

حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرگز به غذای شما دست نمی‌زنم، مگر وقتی که شهادتین خود را بگویی.»

عقبه بار دیگر گفت: «برادرزاده بخور!»

حضرت (صلی الله علیه و آله): «نمی‌خورم، مگر شهادت را بگویی!»
عقبه شهادتین را گفت. آن گاه حضرت (صلی الله علیه و آله) از طعام او خورد.
وقتی یان خبر به گوش دوست عقبه رسید، خیلی ناراحت شد.

نام دوست او «أبی بن خلف» بود. ابی به عقبه گفت: «عقبه تو هم مسلمان شدی؟!»
عقبه گفت: «نه! این مرد (رسول خدا (صلی الله علیه و آله)) بر من وارد شد. او را دعوت کرده بودم. او از خوردن غذا دوری می‌کرد و شرط گذاشت که من شهادت به توحید (وحدانیت خدا) و رسالت او (نبوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)) بدهم. من هم شرم کردم که آن حضرت (صلی الله علیه و آله) غذا نخورده از منزل من خارج شود. به این علت شهادت دادم.»
ابی گفت: «اگر می‌خواهی به دوستی خود با من ادامه بدهی، باید پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تکذیب کنی و یک شکمه گوسفند را...»

عقبه مردد بود که چه کند؟ اگر قبول کند از دوستی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محروم می‌شود و اگر رد کند، دوست خود را از دست می‌دهد؟ چه باید می‌کرد؟
بله، او بدبختانه نظر این دوست کافر و ناباب خود را اجرا کرد. به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و او را تکذیب کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با ناراحتی فرمود: «تو چندان زندگی کنی که در مکه باشی در غیر این صورت از شمشیرهای ما رهایی نداری!»

عقبه با بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عصبانی شد! خواست شکمه گوسفند را به سمت پیامبر پرتاب کند که قبل از رسیدن به طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاره شد و خود او را آلوده کرد. عاقبت هنگام جگ بدر با شمشیرهای مسلمانان به هلاکت رسید. این عاقبت دوستی با فرد نادان در این دنیا بود.^۱

۱. محمدحسین طباطبائی، ترجمه المیزان، محمد باقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، (ص) ۲۷۲.
(لازم به توضیح می‌باشد که مربی محترم هنگام نقل داستان، اصول قصه گویی را رعایت کند).

رسم ادب
بسم الله الرحمن الرحيم



خداوندا پناه بندگانی نباشد جز تو یار مهربانی
خداوندا همه نیکویی از توست نوازش از تو و دلجویی از توست

با سلام به شما یاران صمیمی و دوستان مهربان!
امیدوارم همیشه، خوب و شاد و سلامت و سرزنده باشید. قبل از آغاز برنامه اجازه دهید جهت
تعمیل در فرج و سلامتی امام عصر (عج) به پیشگاهش صلواتی را هدیه کنیم: اللهم صل...

مثل این که در می زنند. بینم کیست؟^۱ بفرمایید داخل

- دانش آموز: ببخشید آقا! از این که تأخیر داشتم.

مربی حتماً برای تأخیرتان دلیلی دارید؟

- دانش آموز: بله، دیشب پدرم سؤالی مطرح کرد و از من خواست درباره آن اطلاعاتی جمع آوری

کنم. الآن هم سری به کتابخانه زدم، ولی متأسفانه هنوز باز نشده بود. لذا مقداری دیر آمدم.

راستی آقا شما می توانید کمکم کنید؟

مربی: بچه ها! موافقید سؤال پدر دوستان را بشنویم. شاید با هم بتوانیم کمکش کنیم؟

- دانش آموز: پدرم پرسید بزرگی به چیست؟ چه کسانی گرامی هستند؟ از من هم خواست خوب

فکر کنم، کتاب بخوانم و مطالبی را تهیه کنم.

مربی: بله، همان طور که شما هم به خوبی اشاره کردید، بزرگی و گرامی بودن به پول، مقام،

لباس و... نیست، بلکه به احترام است،

- پدر بزرگ: (در می زند و اجازه ورود می گیرد)^۲

حاج آقا! سلام علیکم.

مربی: سلام علیکم پدر بزرگ! بفرمایید. کاری داشتید؟ خیلی خوش آمدید، سرافراز فرمودید.^۳

- پدر بزرگ (بعد از نشستن، رو به بچه ها می کند می گوید): راستی بچه ها! ببخشید، حواسم پرت

شد. یادم رفت با شما احوال پرسى کنم. حال شما خوب است؟ همه اش تقصیر این نوه

بازیگوشم هست.

مربی: نوه بازیگوشتان؟ چرا؟ مگر چه کار کرده است؟

- پدر بزرگ (در حالی که آهی می کشد): آخر شما نمی دانید او چه کارهایی می کند. چه بگویم؟

اجازه دهید الآن خودش می آید و با چشمانتان می بینیدش.

مربی: پس الآن کجا است؟

۱. وارد شدن یکی از دانش آموزان و اجرای این قسمت از برنامه توسط مربی و دانش آموز که قبلاً با او هماهنگی لازم برای اجرا انجام شده است.

۲. در این قسمت از برنامه یکی از دانش آموزان که از قبل به شکل یک پدر بزرگ گریم شده وارد کلاس می شود و همراه با مربی و نوه اش که بعداً خواهد آمد این قسمت را به شکلی که بیان می شود اجرا می کنند.

۳. مربی در حالی که به استقبال پدر بزرگ می رود و با او دست می دهد، از او دعوت می کند که روی صندلی بنشیند.

- پدر بزرگ: داشتیم می‌رفتیم پارک. یادم رفت عینکم را بردارم. او رفته عینکم را بیاورد. نمی‌دانم باز چه دسته گلی دارد آب می‌دهد؟

(نوه پدر بزرگ در حالی که عینک پدر بزرگ را به چشمش زده، به سختی اطراف را می‌بیند و گاهی وقت‌ها به در و دیوار می‌خورد وارد می‌شود و می‌گوید): پدر بزرگ آمدم. برویم؟

- پدر بزرگ (رو به بچه‌ها می‌کند و می‌گوید دیدید گفتم. سپس رو به نوه‌اش): آخر پسر جان! حیف آن چشم‌های قشنگ تو نیست که این عینک ذره‌بینی را به چشم زده‌ای؟ آخر چرا داری به خودت ضرر می‌زنی؟

نوه (عینک را می‌دهد و عصا را بر می‌دارد و راه می‌افتد): پدر بزرگ! برویم.

- پدر بزرگ: ای بابا! بچه‌های عزیز، شما بگویید که آیا عصا برای بازی است؟

من اگر می‌توانستم بدون عصا راحت راه بروم که آن را بر نمی‌داشتم. بیاور، تا برویم.

مریی: بله، پسر خوب! پدر بزرگ راست می‌گوید. عصای پدر بزرگ را بیاور^۱ تا بتواند به راحتی همراه تو بیاید.

بله دوستان! در مورد احترام به دیگران خیلی سفارش شده است. از جمله کلام امام سجاد (علیه السلام) که من بخشی از آن را درون این دو کارت بدون نقطه نوشته‌ام و از دو نفر از دوستان شما می‌خواهم آن را با صدای بلند بخوانند.

هم‌چنین در مورد خردسالان فرموده است: حق کوچک‌تر بر تو این است که در موقع آموختن به او کمک کنی و از خطاهای او بگذری. با او مدارا کنی و او را یاری نمایی.

حق بزرگ‌تر از تو بر تو این است که او را برای سالمندی‌اش بزرگ داری و چون در مسلمانی از تو جلوتر است. او را حرمت نگه داری. در راه رفتن بر او پیشی نگیری و از او جلوتر نیفتی و با نادانی با او برخورد نکنی و او را اکرام و احترام نمایی.

همان‌طور که امام سجاد (علیه السلام) فرمود باید شیوه‌ی برخورد محترمانه با دیگران را بلد باشیم. ولی

۱. با دخالت مریی پدر بزرگ و نوه خدا حافظی می‌کنند و می‌روند.

عده‌ای از رفتار مؤدبانه با دیگران تصوّرات نادرستی دارند، آن‌ها فکر می‌کنند:^۱

۱- ادب و فروتنی ذاتی است ۲- ادب و فروتنی، نشانه ضعف است

۳- مؤدب بودن وقت انسان را بیهوده ۴- فقط در برابر آدم‌های مهم باید

هدر می‌دهد مؤدب و فروتن بود.

راستی نظر شما چیست؟^۲

بلی همان طور که شما می‌دانید:

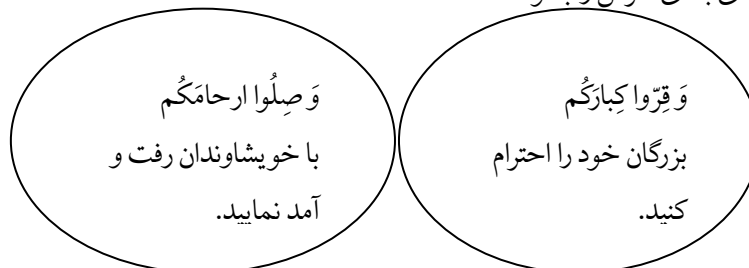
۱. این صفت با ارزش با کوشش و تمرین حاصل می‌شود.

۲. رفتار مؤدبانه و فروتنی هنگام برخورد با دیگران نشانه اعتماد به توانایی‌های فرد است.

۳. رفتار محترمانه، روابط را با دیگران صمیمانه‌تر می‌کند و در نتیجه مشکلات سریع‌تر حل می‌شود.

۴. همه افراد قابل احترام هستند، به ویژه افرادی که در زندگی خود، همیشه با آن‌ها سروکار داریم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمله‌ای زیبا دارند^۳ که آن‌را در سه قسمت روی دیوار کلاس نصب کرده‌ایم. هر گروه جمله‌ی بالایی سرش را بخواند.^۴

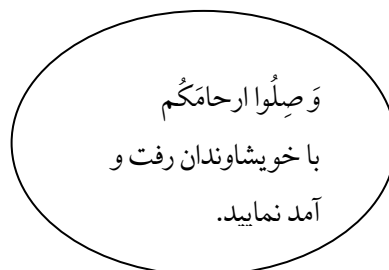


۱. مربی چهار جمله را بر روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان نظرخواهی می‌کند.

۲. با توجه به دیدگاه بچه‌ها، دوباره هر مورد را می‌گوییم و توضیح می‌دهیم.

۳. فرازی از خطبه شعبانیه. وسایل الشیعه - ج ۱۰، ص ۳۱۴، ح ۱۳۴۹۴.

۴. مربی قبل از شروع کلاس جمله پیامبر صلی الله علیه و آله را در سه قسمت روی برگه A4 بنویسد و در سه جای کلاس نصب می‌کند و در این قسمت از برنامه با صدای آهنگین به کمک بچه‌ها آن‌ها را می‌خواند.



با تشکر از شما که این حدیث را خواندید....
بچه‌ها! ضرب‌المثلی^۱ داریم که می‌گوید: هرچه
کنی... بله، هرچه کنی به خود کنی، گر همه
نیک و بد کنی.

وظیفه ما این است که با دیگران با احترام رفتار
کنیم به ویژه با بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها و

خویشاوندان که مورد سفارش پیامبر ﷺ هم می‌باشد. در مورد احترام و برخورد مهربانانه با
دیگران از امام علی علیه السلام سخنی داریم که با حلّ جدول به آن پی خواهیم برد.
۱. اولین واجب از واجبات نماز چیست؟

تیت (۱، ۶ و ۱۲)

۲. به خوب، خوش و زیبا چه می‌گویند که جمعش نیکان است؟

نیک (۴، ۹ و ۱۱)

۳. به بغض و دشمنی که انسان در دل نگه دارد گفته می‌شود؟

کینه (۲، ۱۶، ۷ و ۸)

۴. به درخت انگور می‌گویند؟

تاک (۱۳، ۱۷ و ۱۴)

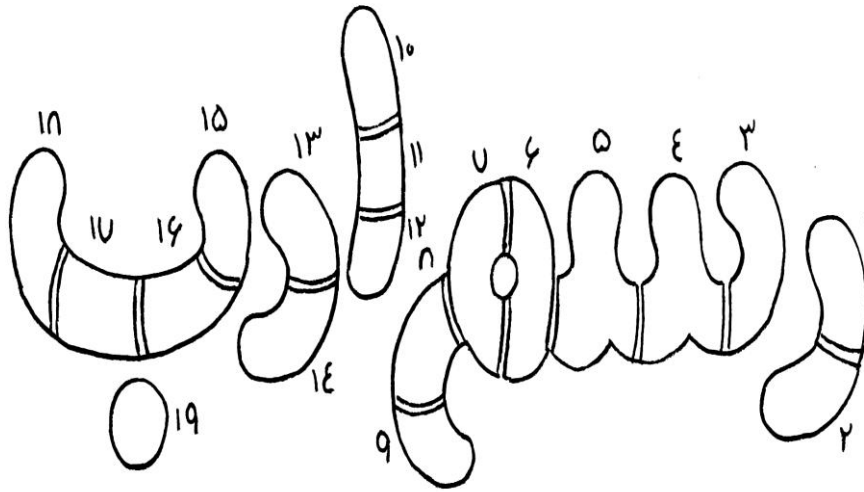
۵. به دستور چه کسی به عراق حمله شد؟

بوش (۳، ۱۰ و ۵)

۶. کدام موجود خیالی و افسانه‌ای است که بسیار تنومند است و شاخ و دم دارد؟

دیو (۱۵، ۱۹ و ۱۸)

۱. مربّی در زمانی که دانش‌آموزان جمله‌ها را تکرار می‌کنند این قسمت از جمله را روی تابلو می‌نویسد و می‌خواهد تا ادامه آن را کامل کنند.



رمز جدول ما ۵ است. حرف اول را نوشته و پنج تا پنج تا بشمارید و حروف را کنار هم قرار دهید تا کلام امام علی علیه السلام به دست آید.

«نیکس کن تا به تو نیکس شود.»^۱

خدایا، یاری کن تا با دیگران با احترام رفتار نماییم!
بارالها، ما را در نیکی و احسان به دیگران یاری بفرما!

پرسش‌ها:

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود: «حق بزرگ‌تر از تو بر تو این است که:

☐ الف) مراقبتش باشی

☒ ب) او را برای سالمندی‌اش بزرگ داری

☐ ج) از خطاهایش بگذری

۲. پاسخ کسانی که فکر می‌کنند «ادب و فروتنی، نشانه ضعف است» این است که: رفتار

مؤدبانه و فروتنی در برخورد با دیگران....

☐ الف) با کوشش حاصل شود

۱. «احسن یحسن الیک.» (امالی صدوق، ص ۱۷۴، ح ۹)

ب) برای جلب محبت دیگران است ☐

ج) نشانه اعتماد به توانایی های فرد است ☒

۳. به فرمایش امام علی علیه السلام نیکی و احترام به دیگران چه پیامدی برای فرد دارد؟

الف) احترام واجب است ☐

ب) نیکی کن تا به تو نیکی شود ☒

ج) هیچکدام ☐

راه سعادت

راه سعادت

موضوع: اخلاق

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با مطالبی در باره کار و تلاش آشنا می شوند

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

آیه ای در باره کار و تلاش؛

نمونه ای از افراد تلاش گر؛

معرفی کارهایی که باید برای آن تلاش نمود؛

ضرر بیکاری و تنبلی.

هدف رفتاری:

در پایان درس انتظار می رود دانش آموزان از بیکاری دوری نمایند و به کار و تلاش بپردازند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (سؤال و جواب، نمایشنامه، جدول، کارت، مسابقه)

رسانه های آموزشی:

تابلو (تخته و گچ)، کارت

به نام خدا خالق این جهان

به نام خدا خالق آسمان

به نام خدایی که هست مهربان

به نام خدا رازق آب و نان

سلام گرم به شما بچه‌های خونگرم در این هوای خیلی گرم! برای اجرای برنامه آماده هستید؟
برنامه با یک نمایش شروع می‌شود که به آن توجه کنید و با دقت و هوشیاری موضوع برنامه را با
استفاده از آن حدس بزنید.



(یک نفر به عنوان آسیابان وسط صحنه نشسته و مشغول گرداندن سنگ آسیاب است. چهار نفر
کیسه به دوش وارد صحنه می‌شوند و به صف می‌ایستند. یکی یکی کیسه‌های گندم خود را به

آسیابان می‌سپرد تا آن‌ها را آرد کند. غیر از نفر آخر که کیسه‌ای نیاورده است، بین هر کدام از آن‌ها با آسیابان گفت‌وگوهایی رد و بدل می‌شود)

اولی: سلام آسیابان! زن و بچه من از گرسنگی طاقتشان تمام شده. مقداری گندم از همسایه قرض کردم و آوردم برایم آرد کنید.

آسیابان: چشم، آرد می‌کنم. از قدیم و ندیم گفته‌اند اگر گرسنه‌ای، بار ببر به آسیاب؛ یعنی هر که گرسنه است باید قدمی بردارد و گرسنگی خودش را برطرف کند، نه این که همان جا بنشیند و کاری نکند.

دومی: سلام آسیابان! این کیسه حاصل زحمت من است که در یک فصل آن‌ها را کاشتم و از آن‌ها مراقبت کردم و در فصل دیگر آن را درو کردم. سپس کوییدم و کاه‌هایش را جدا کردم و الان آورده‌ام تا برایم آرد کنید.

آسیابان: حتماً برایت آرد می‌کنم. به قول فردوسی بزرگ: کسی را که کاهل بود گنج نیست که اندر جهان سود بی رنج نیست

سومی: (که از همان اول این پا و آن پا می‌کرد و عجله داشت به تند می‌گوید): آهای آسیابان! زود، زود این گندم‌ها را آرد کن که عجله دارم و بچه‌هایم منتظرم هستند. آسیابان: کمی آهسته‌تر، چه خبر شده، گندم‌ها که به این زودی آرد نمی‌شود چند روز طول می‌کشد. گندم‌های دیگران هم هستند.

سومی: مگر چه کاری دارد؟ این که سخت نیست، زود زود، همین الان گندم‌هایم را آرد کن تا ببرم.

آسیابان: صبر کن دوست عزیز! چطور گفتمی که کار من سخت نیست. من آن قدر این سنگ را چرخانده‌ام که دست‌هایم زخم شده‌اند. آن قدر پشت این سنگ نشسته‌ام و کیسه‌ها را بلند کرده‌ام که کمرم درد گرفته است. تو فکر می‌کنی کار بدون زحمت کشیدن هم هست؟ (سومی خدا حافظی می‌کند و می‌رود.)

(چهارمی جلو می‌آید و چیزی نمی‌گوید.)

آسیابان: بفرمایید جانم! گندم آورده‌ای؟

چهارمی: نخیر آسیابان، من گندم نداشتم که بیاورم.

آسیابان: چرا مگر تو در مزرعه‌ات گندم نکاشتی؟

چهارمی: نه نکاشتم. آن موقعی که همه با سختی زمین هایشان را شخم می زدند و بذر می پاشیدند، من راحت نشستم و خوردم و خوابیدم. حالا نمی دانم چه کارکنم واز کجا آرد بیاورم. آمدم تا شما کمکم کنید.

آسیابان: من چطور می توانم کمکت کنم. هر کسی باید برای کارش زحمت بکشد و تبلی نکند. بیکار نباشد تا محتاج دیگران نشود. نان را که نمی جوند دهان آدم بگذارند. اگر آدم بگوید که بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است به هیچ جا نمی رسد. حالا من یک کتابچه ای به تو می دهم. آن را بخوان و درس زندگی ات را یاد بگیر. من هم دیگر خسته شده ام و باید بروم.

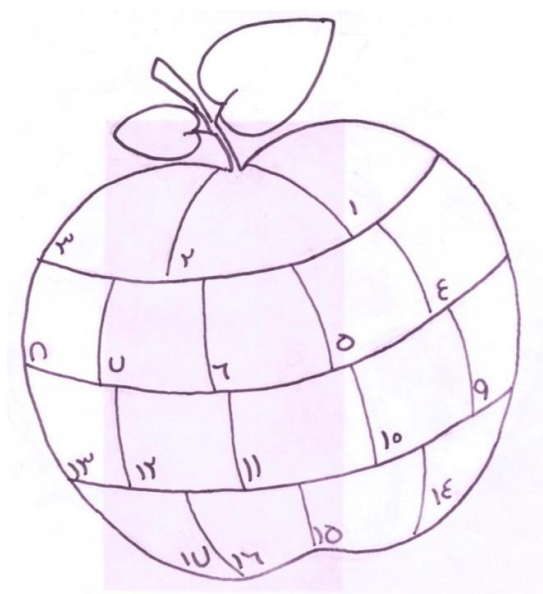
آسیابان و نفر چهارمی در حالی که کتابچه را در دست گرفته است از صحنه خارج می شوند.) اما مربی، جلوی چهارمی را می گیرد و به او می گوید: «آیا حاضری این کتابچه را به اتفاق بچه ها با هم ورق بزیم تا از نوشته های آن باخبر شویم؟» خوب بچه ها! قبل از ورق زدن این کتابچه^۱، شما باید موضوع برنامه را فهمیده باشید. درست است؟ موضوع چیست؟ آفرین! تلاش.

آفرین به شما بچه های کوشا و تلاشگر که تبلی نمی کنید و بیکار نمی نشینید و نمی گویید: «وقت خوردن قلچماقم - وقت کارکردن چلاقم» یا «بخور و بخواب کار من است - خدا نگهدار من است»

خوب کتابچه را ورق می زنیم:

در صفحه اول، جدول میوه ای قرار دارد، یعنی جدولی که به شکل سیب است. به کمک هم آن را پُر می کنیم.

۱ مربی کتابچه ای چهار صفحه ای درست می کند که لازم نیست واقعی باشد، بلکه می تواند صوری باشد.



۱. به نرسید آن که زحمتی نکشید.

آسانی (۱۱، ۱۳، ۱۴، ۳ و ۱۲)

۲. پیامبر ذبیح‌الله که جد بزرگ پیامبر ما بود.

اسماعیل (۱۵، ۹، ۵، ۱۶، ۶، ۷ و ۸)

۳. نمی‌تواند حرف بزند.

لال (۱ و ۱۰)

۴. تبار و دودمان.

نسل (۴، ۱۷ و ۲)

پیام جدول که باید ۶ تا ۶ تا حروف آن را بشمارید و کنار هم بگذارید آیه ۳۹ سوره نجم به دست می‌آید:

لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى^۲

۱ دو حرف (ال) با هم در خانه ۱۰ قرار می‌گیرد.

۲ نجم / ۴۰ و ۳۹.

وَإِنْ سَعَيْهِ سَوْفَ يَبْرَىٰ

چه کسی ترجمه آن را بلد است؟

برای انسان چیزی نمی ماند، مگر آن چه را که کوشش کرده و تلاش نموده است و به درستی که نتیجه تلاش خود را می بیند و میوه تلاش خود را می چیند.

شما هم این سبب را بچینید و آن را نزد خود نگهدارید تا همیشه انسان های کوشا بمانید. خیلی ها بوده اند که در تاریخ به میوه تلاش خود، یعنی پیروزی و موفقیت رسیده اند. به آن ها چه می گویند؟

نوابغ و نمونه ها که ما چند تا از آن ها را در صفحه دوم کتابچه آسیابان می خوانیم. پیامبر اکرم ﷺ پیامبر کارگری را دید که دستش ورم کرده و آبله زده بود. دست او را بلند کرد و گفت: «آتش دوزخ هیچ گاه این دست را نمی سوزاند. این دستی است که خدا و پیامبر آن را دوست دارند.»^۱

حضرت علی (علیه السلام) همیشه برای مظلومان تلاش می کرد. برای مستمندان چاه می کند. نخل می کاشت و حاصل آن را بین آن ها تقسیم می کرد. حالا شما هم یک صدا از جا بلند شوید و کمر همت را ببندید و بلند بگویید:

«یا علی»

امام محمد باقر (علیه السلام) او در هوای گرم به مزرعه خود می رفت و کار می کرد. شخصی به او اعتراض کرد، اما امام فرمود: «کار کردن عبادت است. من به این وسیله می خواهم خود و خانواده ام را بی نیاز سازم.»^۲

سعدی: سعدی در کودکی پدرش را از دست داد. او به مشکلات سختی دچار شد و توانایی تحصیل نداشت. لذا در یک مغازه نانوائی مشغول به کار شد. با این حال او تکه های پاره کاغذ را که در راه می یافت به خانه می برد و روی آن ها می نوشت. از این راه بود که با تلاش خود به شاعری

۱ جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۱۸.

۲ جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۱۸.

و شهرت رسید.^۱

عبدالباسط: او را همه می‌شناسید. او از کودکی عاشق قرآن بود. به همین جهت وقتی که تنها ۱۰ سال داشت، چون خودشان در روستا رادیو نداشتند برای شنیدن صوت قرآن حدود سه کیلومتر تا شهر پیاده می‌رفت تا صدای قرآن را بشنود.^۲

می‌رسیم به صفحه آخر کتابچه که مسابقه است.

من ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰ می‌گویم و دو نفر را انتخاب می‌کنم.

مسابقه ما ۲ مرحله‌ای است.

در مرحله اول من هر کدام از شما دو نفر را به یک باشگاه به نام «باشگاه تلاش» می‌برم.

در این باشگاه آدمی باید تمرین و تلاش کند، اما برای چه کارهایی؟ و برای چه کارهایی نباید تلاش کند؟ من بیست کار را روی کارت‌های کوچکی که بسته شده است، نوشته‌ام. آن‌ها را بعد از این که شما از کلاس بیرون رفتید در جاهای مختلف کلاس پنهان می‌کنم.

سپس شما وارد کلاس می‌شوید و باید در مدت سه دقیقه آن‌ها را پیدا کرده، باز کنید و بخوانید. سپس کارهایی که باید آدمی برای آن‌ها تلاش کند را نزد خود نگهدارید و کارهایی که نباید تلاش کند را به من بدهید. هر کدام از شما که کارت‌های بیشتری را جمع کرد، امتیاز بیشتری خواهد گرفت.^۳

روزی ۱ صفحه قرآن خواندن	پیدا کردن صاحب پول پیدا شده	تقلب
-------------------------	-----------------------------	------

نزدیک کردن ظهور امام زمان	یادگیری کارها و حرف‌های بد	نماز صبح
---------------------------	----------------------------	----------

۱ احمد صادقی اردستانی، داستان‌های کودکی بزرگان تاریخ، تهران، مطهر، ۱۳۷۶، دوم، ج ۱، ص ۵۵۳.

۲ همان، ص ۱۱۳۶.

۳ مربی ابتدا کارت‌هایی که هر کدام جمع کرده‌اند، می‌شمارد. پس از احتساب امتیاز از آن‌ها می‌خواهد تا کارت‌های خود را بلند برای بچه‌ها بخوانند. هر کدام را که نیاز بود، خودش توضیح بیشتری می‌دهد. سپس خودش کارت‌های دیگر را که کارهای بد است، برای بچه‌ها می‌خواند و توضیح می‌دهد. در ضمن اجرای این مسابقه اگر در محیط باز باشد، قابلیت و انعطاف بیشتری دارد.

نماز اول وقت	کلاه گذاشتن	تمیز بودن	یادگیری قرآن	عیب جویی
ورزش کردن	دروغ نگفتن	کمک کردن	نقشه کشیدن	ضایع کردن
کسب کردن رتبه اول	بیدا کردن جوک	انجان دادن تکالیف	اذیت کردن	

حالا به مرحله دوم می‌رسیم: بچه‌ها تبدیلی و بیکاری چه ضررهایی دارد؟ فکر کنید. من چهار تا از ضررهای آن‌ها را در کارت‌ها به صورت حروف به هم ریخته نوشته‌ام. به هر کدام از شرکت کنندگان دو تا از آن‌ها را می‌دهم. هر که زودتر حروف کارت‌ها را به صورت کلمه درآورد، امتیاز بیشتری خواهد گرفت. شما هم با گفتن «زود، زود، زودتر باش!!» آن‌ها را تشویق می‌کنید.

نفر اول	نفر دوم
ه ن ا گ	س ت ش ک
ع د ا ن ق ن م ب	ای م ن ی ای

کلمه‌های به دست آمده به ترتیب عبارتند از^۱:

نفر اول: گناه، عقب ماندن

نفر دوم: شکست، ناامیدی

از شرکت کنندگان می‌خواهم در باره این کلمه‌ها توضیح بدهند.

حالا یک کلمه هم - تبدیلی - من اضافه می‌کنم و از شما می‌خواهم که با این کلمه‌ها جمله‌های مناسب بسازید.

بله، تبدیلی و بیکاری آدم را به گناه وادار می‌کند. او از دیگران عقب می‌ماند. در نتیجه نه تنها به جایی نمی‌رسد، بلکه همیشه شکست می‌خورد. آخر سر هم برای جبران شکست‌هایش تلاش نمی‌کند، بلکه ناامید می‌شود و دست به کاری برای پیروزی و موفق شدن نمی‌زند. حالا نوبت جمع کردن امتیازها است.

۱ اگر بچه‌ها نتوانند حداکثر ظرف دودقیقه کلمه‌ها را به دست آورند، مربی خودش آن‌ها را می‌سازد.

نفر برنده را تشویق کنید.

با زمزمه این شعر کتابچه آسیابان را می‌بندیم و برنامه را به پایان می‌رسانیم.
به هر کاری که همت بسته گردد اگر خاری بود گلدسته گردد!

۱ مربی می‌تواند بچه‌ها را دو دسته کند و هر دسته يك مصراع را بخوانند.

فصل چہارم

احکام

اجتهاد و تقلید

رجوع به متخصص

موضوع: احکام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با انواع تقلید و ضرورت مراجعه به متخصص دینی و گوشه ای از آداب و شرایط آن آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱- اقسام تقلید؛

۲- ضرورت مراجعه به متخصص دین؛

۳- ویژگی های مجتهد؛

۴- راه های به دست آوردن فتوای مجتهد.

هدف رفتاری (خروجی)

از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان این درس، بتوانند به متخصص در مسائل دین مراجعه کنند و با تهیه رساله وی، احکام مورد نیاز خود را به دست آورند.

روش های مناسب تدریس

۱- توضیحی ۲- فعال: پرسش و پاسخ، رسم نمودار، داستان و رسم گل.

رسانه های آموزشی

تخته و کارت.

رجوع به متخصص

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و صد سلام به شما دانش آموزان عزیز و زرنک!
یکی از شما با صدای زیبا چند آیه از قرآن به سبک «عبدالباسط» یا یکی از قاریان مشهور تلاوت کند.^۱
تشویق قرآنی:

«اللهم صل و سلم و زد و بارک علی رسول الله و آله الاطهار»

حالا یکی دیگر از شما، سرودی را به سبک یکی از هنرمندان اجرا کند.
تشویق: طیب طیب الله احسنت بارک الله

اگر از کاری شبیه کار دیگران انجام دهیم، به آن چه می گویند؟

تقلید

حالا به این چهار کارت توجه کنید!^۲

روی کارت:

جاهل

عالم

عالم

جاهل

-
۱. در صورت امکان مربی می تواند نوار صوت قرآن یا مداحی و یا سرودی را برای دانش آموزان بگذارد و از آنان بخواهد مانند آن را تکرار کنند؛ سپس واژه «تقلید» را توضیح دهد و در تابلو با خط فانتزی بنویسد.
۲. کارت ها به صورت پشت و رو نوشته شود که رنگ سه کارت اولی قرمز، به معنای ممنوع بودن، و رنگ کارت آخر به رنگ سبز، به معنای لازم بودن می باشد.

پشت کارت: جاهل عالم جاهل عالم

سه کارت اول که به رنگ قرمز است، تقلید در آن ممنوع می باشد و تنها کارت آخر که تقلید از عالم و رجوع به متخصص و آگاه است به رنگ سبز می باشد، لازم و ضروری است. کارت قرمز، نشانه تقلید ممنوع است که چند نوع دارد:

۱- تقلید جاهل از جاهل

این نوع تقلید همان تقلید کورکورانه ای است که قرآن و افراد خردمند آن را نکوهش می کنند. در این زمینه به داستان معروف «مولانا» گوش کنید:

در زمان های گذشته، درویشی سوار بر خرش به خانقاهی^۱ رسید. درویش برای رفع خستگی راه، تصمیم گرفت شب را در خانقاه بگذراند؛ پس خرش را به اصطبل برد و خود به درون خانقاه آمد و به درویشان دیگر پیوست و مشاهده کرد که آنان به رقص و پایکوبی مشغول هستند؛ او نیز به جمع آنان پیوست. بعد از گذشت مدت زمانی، مردی که ضرب می زد و آواز می خواند، آهنگ ضرب را عوض کرد و شعر تازه ای خواند. شعری که در آن مرتباً می گفت: «خر برفت». درویش تازه وارد نیز، همراه با سایر افراد با شور و حال تکرار می کرد: «خر برفت و خر برفت و خر برفت».

درویشان تا صبحگاه پایکوبی کردند و «خر برفت و خر برفت و خر برفت» خواندند و بعد از پایان مراسم خانقاه را ترک کردند. درویش وسایلش را برداشت و به اصطبل رفت تا خرش را بردارد و به سفرش ادامه دهد. وقتی سراغ خرش را گرفت، اصطبل دار سری تکان داد و گفت: «خر برفت و خر برفت و خر برفت!» درویش با تعجب پرسید: «خر برفت؟ مقصودت چیست؟»

وی توضیح داد که چگونه جمعی از درویش ها به او حمله کردند و خر را به زور از او گرفته، فروختند و از پول آن خوراکی ها و نوشیدنی های مختلف گرفتند و به خانقاه آوردند. من چند بار برای اطلاع تو به خانقاه آمدم، ولی مشاهده کردم که بلندتر از دیگران می خواندی: «خر برفت و خر برفت و خر برفت» تصور کردم که آنها با اجازه خودت، خر را برده و فروخته اند. درویش با ناراحتی سرش را به زیر افکند و آرام و زمزمه وار گفت: «آری، راست می گویی! وقتی

۱. خانقاه، محلی است که درویشان در آن سکونت می کنند و آداب درویشی به جا می آورند.

درویش ها این شعر را خواندند! من بسیار خوشم آمد و با آنها تکرار کردم.»
خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد^۱

۲- تقلید عالم از عالم

مقصود، تقلید شخص عالم از عالم دیگر در یک موضوع مشترک و مساوی است. بسیار روشن است که چنین تقلیدی، نه فایده دارد و نه لازم است؛ البته باید توجه داشت مشورت و هم فکری عالم از عالم دیگر، غیر از تقلید است و اشکالی ندارد.

۳- تقلید عالم از جاهل

این نوع تقلید از دو قسم قبلی ناپسندتر است؛ زیرا نه تنها فایده ای ندارد، بلکه دانش شخص عالم را به انحراف و تباهی خواهد کشاند.

بنابراین سه قسم تقلیدی که ذکر شد، از جانب خداوند ممنوع اعلام شده است و از نظر خردمندان ناپسند و زشت می باشد؛ تقلید پسندیده ای نیز وجود دارد و آن «تقلید جاهل از عالم» است.

بیمار برای درمان خود به چه کسی مراجعه می کند؟

به پزشک متخصص و آگاه. آفرین! شخصی که قصد دارد خانه بسازد، برای کشیدن نقشه سراغ مهندس خبره و آگاه می رود. هر انسان ناآگاه و غیر متخصص در کاری به شخص آگاه و متخصص رجوع می کند.

فردی که در مسائل و احکام الهی ناآگاه است، باید برای آشنایی و فراگیری به چه کسی مراجعه کند؟

به متخصص در فروع دین و احکام الهی؛ یعنی «مجتهد» و «مرجع تقلید». این نوع تقلید نه تنها کاری صحیح و منطقی و بر اساس فطرت است، بلکه جزو واقعیات و ضروریات زندگی است...؛ البته تقلید جاهل از عالم در صورتی ارزشمند است که دارای دو ویژگی زیر باشد. به کلماتی که در تابلو می نویسم توجه کنید:

۱- آ.... نه

۱. به نقل از قصه های شیرین مثنوی، مولوی، ج ۲، ص ۲۴.

۱- آزادانه: یعنی شخص مقلد از روی اختیار و آزادی از دیگری تقلید کند؛

۲- آ.... نه

۲- آگاهانه: یعنی شخص مقلد مرجع تقلید خود را بشناسد و با علم و آگاهی از او تقلید کند.

خداوند در آیه ۷ سوره انبیاء می فرماید: «... فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون».^۱

از این آیه مسئله تقلید جاهل از عالم و رجوع به مجتهد را می فهمیم.^۲

چه کسی می تواند بگوید فرق این کلمات چیست؟^۳

۱- اصول دین فروع دین

۲- اجتهاد تقلید

۳- مجتهد مقلد

۴- احتیاط واجب احتیاط مستحب

حالا مواردی را روی تخته می نویسم، شما سریع جاهای خالی را با اعداد پراکنده روی تخته پر کنید؟^۴

۱- مجتهد و اعلم را از راه می توان شناخت؛

۲- احکام الهی بر قسم هستند؛

۳- سن بلوغ در دختران سال قمری می باشد؛

۴- به دست آوردن دستور مجتهد راه دارد؛

۵- پسران در سالگی قمری، بالغ می شوند؛

آیا می دانید مجتهدی که شایسته است به او مراجعه کنیم، باید دارای چه ویژگیهایی باشد؟^۵

۱. ترجمه آیه: «... اگر نمی دانید، از دانشمندان و متخصصان سؤال کنید.»

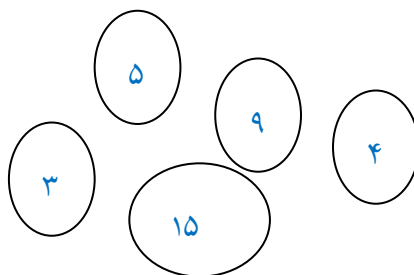
۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۶۱.

۳. مربی می تواند با استفاده از شیوه بالا که حالت قرینه سازی دارد، مسائل مهم «اجتهاد و تقلید» را بیان کند. به طور مثال بگوید: در اصول دین تقلید ممنوع است ولی در فروع دین تقلید لازم و ضروری است.

۴. جواب های صحیح به ترتیب عبارتند از: ۳، ۵، ۹، ۴ و ۱۵.

۵. مسئله ۱۴ رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره). در ضمن مربی می تواند از مهارت کارت استفاده کند.

۱۳۸ ■ ره‌توشه راهیان نور، ویژه طرح هجرت تابستان ۱۳۹۶ (نوجوانان)



بله، علما و مجتهدان در دین اسلام، سمت مهندسی اداره کارخانه عظیم اسلام را دارند، نه سمت ساختن آن را. آنهایی که مهندس های این کارخانه هستند و می توانند بفهمند که این کارخانه را چطور باید راه انداخت، کسانی هستند که در اصطلاح به آنها «مجتهد» یا «فقیه» می گوئیم.^۱

۱. در پایان این مبحث اساسی ضروری است که مربی به دانش آموزان تفهیم کند که شخص مقلد و مکلف، از ابتدای تکلیف باید در فروع دین از مجتهد اعلم تقلید کند، وگرنه اعمال خود را دوباره باید انجام دهد و اگر مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده است؛ در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید کند مطابقت نماید.

فلسفه‌ی احکام

روش اجرای درس فلسفه‌ی احکام:

مربی در پی کاربردی کردن این بحث مهم می‌تواند از شیوه‌ی میزگرد استفاده کند. به این صورت که از قبل با چهار نفر از دانش‌آموزان هماهنگی و چهار نوع فلسفه‌ی احکام را در اختیار آنها قرار دهند و سپس در جلسه‌ای که قرار است این درس بیان شود از آنان بخواهد تا در قسمت جلو کلاس میز گردی تشکیل دهند و مربی بعد از بیان مقدمه‌ای در این زمینه، اجرای برنامه را به عهده بگیرد و باسؤالاتی در زمینه‌ی فلسفه‌ی احکام که مربوط به یکی از چهار قسم فلسفه‌ی احکام است، از دانش‌آموزان بخواهد تا سؤال مربوط به خود را جواب بدهد. سپس مربی برای تکمیل و تصحیح جواب برآید و با توضیحات مناسب خود، بحث را کامل نموده، ظرایف این درس را به گونه‌ای مطرح کند تا جوابسؤالات مشخص گردد.

(همچنین برای تنوع در برخی از موارد وسوالهای مربی می‌تواند از جمع دانش‌آموزان سؤال کند و دانش‌آموزی که جواب صحیح داد مورد تشویق قرار گیرد.)

راستی چرا باید نماز بخوانیم؟

چرا نماز صبح دو رکعت است ولی نماز مغرب سه رکعت اما نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعت است؟

چرا باید خمس و زکات داد و به حج رفت؟

به چه سبب حجاب برای زنان واجب است؟

۱۴۰ ■ ره توشه راهیان نور، ویژه طرح هجرت تابستان ۱۳۹۶ (نوجوانان)

چرا باید هنگام ذبح حیوان حلال گوشت نام خدا را برد ؟

چرا گوشت مردار حرام است ؟

شراب و گوشت خوک به چه علت حرام شده است ؟

این سؤالات در واقع پرسش از فلسفه احکام است که برای روشن شدن آن باید از ابتدا با انواع فلسفه احکام آشنا گردیم .

انواع فلسفه احکام :

۱- فلسفه های روشن و آشکار

۲- فلسفه های دینی

۳- فلسفه های علمی

۴- فلسفه های تعبیدی

مربی تا این قسمت را به عنوان مقدمه توضیح می دهد و آنگاه با هماهنگی که از قبل انجام گرفته است هر قسمت از فلسفه احکام که در ادامه آمده است به ترتیب از دانش آموزان سؤال کند

(مربی این قسمت را از نفر اول سؤال کند)

۱- فلسفه های روشن و آشکار

یک سری از احکام از ابتدای ظهور اسلام برای همه افراد روشن بوده و عقل فلسفه آنها را درک می کرده است ولی خداوند متعال برای اینکه همه مردم را موظف به انجام یا ترک آنها نماید شکل شرعی و قانونی به آنها بخشیده است



مثلا همان طور که می دانیم اگر شخصی دیگری را بدون دلیل اذیت کند و او را کتک بزند هر شخص عاقلی کار او را محکوم می کند و خداوند نیز ظلم را به سبب روشن بودن زشتی آن حرام کرده است .

۲- فلسفه های دینی

نوع دیگر، احکام و قوانینی هستند که در منابع دینی و فقهی اسلام و در آیات و روایات به بعضی از اسرار و حکمت های آن اشاره شده است که با تفکر و تحقیق و بررسی همه جانبه ممکن است به قسمت اعظم اسرار آن پی ببریم. چند نمونه از فلسفه های دینی را ذکر می کنیم (این قسمت را از نفر دوم سؤال کند)

فلسفه وضو:

-فایده بهداشتی: شستن دست و صورت و مسح در طول شبانه روز سبب نظافت بدن و تعادل اعصاب می شود.

-فایده اخلاقی و معنوی: قصد قربت در وضو اثر تربیتی مهمی دارد و به انسان نور و صفا می دهد

(این قسمت را از نفر سوم سؤال کند)

فلسفه نماز:

-فایده فردی: نماز دارای آثار فردی فراوان است که مهمترین آن دوری انسان از پلیدیها و منکرات است.

-فایده جمعی: نماز وسیله ی پرورش فضائل اخلاق در جامعه است که جامعه الهی، جامعه موفق خواهد بود.

(این قسمت را از نفر چهارم سؤال کند)

فلسفه روزه:

-اثر فردی روزه: سبب سلامتی و بهداشت است.

-اثر اجتماعی روزه: درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع را سبب می گردد.

-اثر بهداشتی روزه: اثر معجزه آسای امساک در درمان انواع بیماری ها آشکار است.

-اثر اخلاقی و تربیتی روزه: تربیت روح و تقویت اراده و تعدیل غرایز انسانی را شامل می شود.

(این قسمت را نفر اول جواب دهد)

فلسفه حج:

بعد اخلاقی حج: سبب نزدیکی انسان به خداوند و خود سازی شخصی در ابعاد گوناگون می گردد.

بعد سیاسی حج: عامل موثری برای وحدت صفوف مسلمانان و مبارزه با نژاد پرستی است. بعد فرهنگی حج: ارتباط قشر های مسلمانان در ایام حج موثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکر است.

بعد اقتصادی حج: کنگره عظیم حج می تواند زیر بنای پایه های اقتصادی کشور های اسلامی را تقویت کند.

(این قسمت را نفر دوم جواب دهد.)

فلسفه زکات:

بر طرف شدن نیازمندیهای مستمندان و محفوظ ماندن اموال ثروتمندان^۱

(این قسمت را نفر سوم جواب دهد.)

فلسفه حجاب:

به منظور مصون ماندن خود خانواده و حفظ شخصیت زن و جلوگیری از فحشا و امراض روانی و ... حجاب وضع شده است، همانطور که می دانیم تا میوه ای پوست بر تن دارد مدتهای زیادی دوام خواهد آورد ولی وقتی پوست آن گرفته شد بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت. حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت اوست.^۲

(این قسمت را نفر چهارم جواب دهد.)

فلسفه نام بردن خداوند هنگام ذبح کردن:

از یک طرف مبارزه با آیین شرک و بت پرستی و از سوی دیگر توجیهی است به آفریننده این نعمتها. (برای همین، تحریم گوشتهایی که به نام بتها ذبح می شد جنبه ی اخلاقی و تربیتی دارد) امثال این احکام که فلسفه های دینی آن در آیات و روایات به آن اشاره شده است فراوان است که بسیاری از آنها را در کتاب «علل الشرایع» اثر شیخ صدوق می توان بدست آورد.

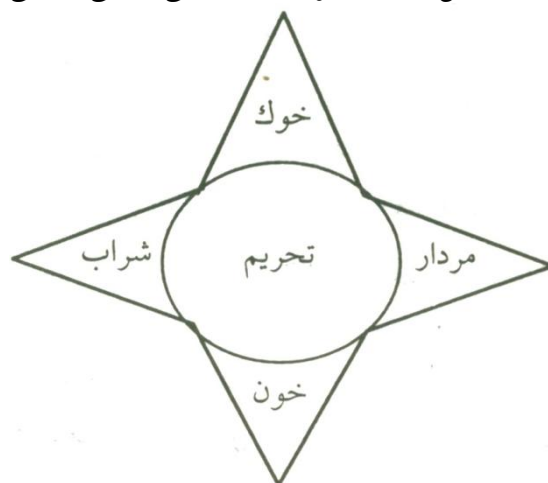
۳- فلسفه های علمی

نوع دیگر، احکام و مسائلی هستند که با پیشرفت علم و رشد دانش بشری می توان به برخی فلسفه ها و حکمتهای آن پی برد ولی باید توجه داشت که حکمتها و آثاری که از نظر علم به

۱. اشاره به حدیث امام رضا: ان علة الزکوة من اجل قوت الفقراء و تحصین اموال الاغنیاء (علل الشرایع، ص ۳۶۹)

۲. تمثیلات، ج ۱، ص ۱۴۳

صورت «قطعی» ثابت شده اند علت تام و نهایی نیستند، همچنین برخی از حکمتها که علم آن را درنیافته است بر احتمال و ظن و گمان استوار است و قطعی و یقینی و حسی نیستند.



هر کدام از موارد چهار گانه را می تواند از نفرات اول تا چهارمسؤال کند تا آنها پاسخ دهند.

باید توجه داشت آنچه در اسلام تحریم شده است سبب یکی از سه علل زیر است:

جهات تحریم در اسلام:

۱. برای بهداشت و سلامتی جسم

۲. موجب اصول اخلاقی و معنوی

۳. سبب حفظ نظام اجتماع

به طور نمونه مردار کانونی است برای پرورش انواع میکروبها و خون نیز آماده ترین میدان برای پرورش انواع میکروبهاست خصوصاً هنگامی که خون از جریان می افتد، گلبول های سفید از بین خواهند رفت ولی میکروب ها به فعالیت خود ادامه خواهند داد و گوشت خوک دارای دو نوع انگل خطرناک به نام کرم تریشین و یک نوع کرم کدوست.

مطلب مهم دیگر آن است که غذاها از طریق تاثیر در غده ها و ایجاد هورمونها در روحيات و اخلاق آدمی اثر می گذارند.

بنابراین اگر کسی ادعا کند که با وسایل بهداشتی و پختن گوشت خوک قادر است انگلهای آن را از بین ببرد، می گوئیم چون خوک سمبل بی غیرتی است و خورنده ی گوشت خوک دارای صفات بی بند و باری جنسی و بی اعتنایی به مسائل ناموسی می شود و شاید یکی از علل عمده

بی بند و باری جنسی شدید در جوامع به اصطلاح پیشرفته غربی! به علت تغذیه از گوشت خوک است و یا کسی که خون می خورد سنگدل و قسی القلب خواهد شد.

۴- فلسفه های تعبدی

این قسمت را نیز می تواند از دانش آموزان پرسد و کسی که توانست خوب و صحیح جواب بدهد تشویق گردد.

در زندگی روزمره مشاهده می کنیم کسی که مریض شده است و به دکتر مراجعه می کند، دکتر بعد از معاینه و تشخیص بیماری نسخه ای مرکب از چند دارو مانند آمپول و قرص و شربت می دهد و دستور می دهد که بر طبق دستور یک روز در میان آمپولها تزریق شود و هر شش ساعت یک قاشق مربا خوری شربت خورده شده و روزی سه مرتبه بعد از غذا قرصها میل شود و در ضمن سفارش می کند که از غذای سرخ کرده و ترشی ها پرهیز گردد.

شخص مریض نیز بدون اینکه از خصوصیات دارو ها سؤال کند به دستور های پزشک عمل می کند تا شاید سلامتی خود را به دست آورد. علت آن اعتقاد به دانش و تخصص پزشک در رشته طب است و می دانیم که قصد او معالجه و بهبود بیمار است. با این مثال می فهمیم احکام و مقررات دینی نیز نسخه هایی هستند که پیامبران الهی و پیشوایان دینی از طرف خدا برای بشر آورده اند تا سعادت و خوشبختی آنان را از هر نظر تامین نمایند.

اینکه چرا نماز صبح دو رکعت است ولی نماز مغرب سه رکعت اما نماز ظهر و عصر و عشا چهار رکعت است و... عقل و دانش بشر از فهم آن عاجز است، فقط می دانیم دستور های و احکام الهی بر اساس حکمت و مصلحت است. و آنچه خداوند امر کرده است و به مصلحت و نفع بندگان است و آنچه از آن نهی کرده است موجب مفسده و زیان است. لذا از باب تعبد به آن ایمان آورده و معتقد می شویم.

چند نکته ی مهم در فلسفه احکام که در پایان مری این قسمت را برای تکمیل بحث توضیح دهد:

۱- علت هایی که در آیات و روایات آمده است غالبا یکی از فلسفه ها و حکمت ها را بیان می کند نه همه آن را

۲- احکام الهی باید به قصد بندگی و خشنودی خداوند و تسلیم امر الهی انجام داد نه به موجب پیروی از فلسفه آن

۳- در فلسفه احکام باید از نظریات شخصی و فلسفه بافی های ذوقی و ابتکاری پرهیز کرد.

۴- در هر عصر و زمان فقط به اندازه ی اطلاعات بشری می توان برخی از اسرار و فلسفه های الهی را فهمید نه تمامی آن را .

۵- در بیان فلسفه احکام به دو اصل می توان تکیه کرد :

الف: حکمتهایی که از طریق آیات و روایات به ما رسیده است.

ب: فلسفه هایی که از نظر علمی به طور قطع و یقین ثابت شده است .

منابع و مآخذ

۱- دار الکتب الاسلامیه . ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان تفسیر نمونه، ۲۷ جلد ،

۲- عبد الرحیم موگهی : مقدمات احکام ، امیر ۱۳۶۹

۳- محمود اکبری : احکام جوانان ، دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۵۷، چ ۱.

۴- محی الدین حائری شیرازی : تمثیلات ، ج ۱، شفق، ۱۳۷۲، چ ۲

اهمیت و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

خطی از مو که در پیشانی و بالای چشم می روید .	ابرو :	ا و
شخصی که گناه کرده و پشیمان شده است .	نادم :	ن
گذرگاه و جاده به معنای قانون و روش نیز ، هست.	راه :	م
نام قدیم مدینه قبل از هجرت رسول خدا .	یثرب :	ر
جمع هدیه .	هدایا :	ی
نام چاهی نزدیک کعبه	زمزم :	ه
شخص دانا عالم	شخص دانا :	ز
چیز کمیاب و گران بها	نادر :	ع
به معنای وای بر تو	ویلک :	ن
پشت سر یا بر ترک دیگری سوار شدن (پشت سر هم)	ردیف :	و
		ك
		ر
		ف

برای پیدا کردن پیام باید حروف اول و آخر کلمات به صورت یک در میان و زیگزاگی به هم وصل شوند . به منظور راهنمایی دانش آموزان برای رسیدن سریعتر به جواب دو سوال زیر را

مطرح نمایید .

- ۱- دو آفریده از آفریده های الهی هستند که هر کس آن دو را یاری کند خداوند او را سربلند و هر کس آن دو را کوچک بدارد خداوند او را ذلیل خواهد کرد.^۱ آنها کدامند ؟
- ۲- در پرتو کدام واجبات است که بقیه ی واجبات بر پا می شود ؟

احکام الهی :

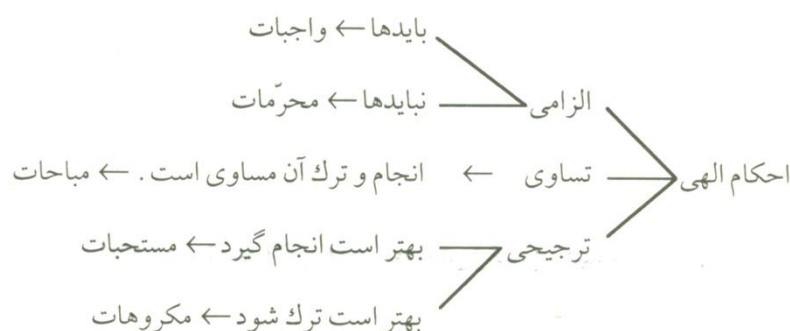
الزامی : باید ها -----> واجبات

نباید ها -----> محرمات

تساوی : انجام و ترک آن مساوی است . -----> مباحات

ترجیحی : بهتر است انجام گیرد -----> مستحبات

بهتر است ترک شود -----> مکروهات



-در احکام دین به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می شود .



معروف : هرکاری که خوبی آن به وسیله ی عقل و شرع شناخته گردد -----> ارزش ها

امر به معروف : سفارش به خوبیها :

۱. اشاره به حدیث : الامر بالمعروف والنهی عن منکر خلقان من خلق الله ، فمن نصرهما اعزه الله و من خذلهم خذله الله «فروع کافی ، ج ۵، ص ۵۹، حدیث ۱»

- ۱- اگر کار یا عمل واجب باشد -----> امر به آن واجب^۱ است
 - ۲- اگر کار یا عمل مستحب باشد -----> امر به آن مستحب است .
- منکر: هر کاری که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارد . -----> ضد ارزش ها

نهی از منکر: باز داشتن از بدیها:

- ۱- اگر آن کار یا عمل حرام باشد -----> نهی از آن واجب است .
 - ۲- اگر آن کار یا عمل مکروه باشد -----> نهی از آن مستحب است .
- امر به معروف و نهی از منکر مانند خون در رگهای پیکره احکام الهی جریان دارد که به وسیله آن سایر احکام الهی اجرا می شود .

آن چیست ؟

لقمان حکیم بعد از اندرز فرزندش به نماز که مهمترین پیوند آدمی با خالق است به مهمترین دستور اجتماعی می پردازد ، بیان کنید آن دستور اجتماعی چیست و در کدام سوره و آیه آمده است ؟ آیه ی مورد نظر را نوشته و در جلسه ی بعد بیاورید .

جواب : امر به معروف و نهی از منکر - سوره ی لقمان - آیه ی ۱۷ .

- یا بنی اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن منکر

ابتدا مربی تصویر این سه عضو بدن را بکشد و سپس بازگو کند که مراتب امر به معروف عبارتند از :

- ۱- قلبی (قلب) -----> خوش آمدن از خوینها و تنفر از بدیها
- ۲- زبانی (زبان) -----> پند و نصیحت - نرمگویی - کنایه - تصریح
- ۳- عملی (دست) -----> باید با اجازه ولی مسلمین باشد و در صورت لزوم نباید از مقدار لازم تجاوز کند .

نکته : باید توجه داشت که مراتب امر به معروف و نهی از منکر باید به ترتیب اجرا شود ، مثلاً اگر مقصود با مرتبه اول (قلبی) حاصل شود دیگر نیازی به مراتب بعدی نیست و همین طور مراحل

۱. امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است . یعنی بر همه ی مردم واجب است که یک دیگر را به کارهای نیک وادارند و از کار بد باز دارند و چون عده ای این وظیفه اجتماعی را به مرحله ی اجرا در آورند . از دیگران ساقط می شود .

بعدی.

تذکر: در مواردی اصلاح اخلاق و امر و نهی باید با قاطعیت و عمل آگاهانه همراه باشد وگرنه صدمات جبران ناپذیر پیش خواهد آمد. به طور مثال جراحی که می بیند انگشت شخصی سیاه شده و این سیاهی در حال افزونی است. به او می گوید که یک بند انگشت شما باید قطع شود. اگر مریض قبول نکند بعد از مدتی بیماری به بندهای دیگر دست او سرایت می کند و آنگاه باید سایر انگشتانش قطع گردد و اگر دوباره مریض کوتاهی کند و عمل جراحی را به تعویق بیندازد مجبور خواهد شد تمام دست خود را قطع کند.

در بعضی موارد اخلاقی نیز چنین است. اگر پدر و مادر یا مربی، فساد را در بچه مشاهده کرده باید در جایی که لازم است با قاطعیت به جراحی فسادپردازد، مثلاً اگر مادر متوجه شد فرزندش دیر آمده و در وسایل مدرسه اش چیز نامناسبی مشاهده کرد، یا رفیق جدیدی وارد زندگی کودک شده است باید با او برخورد مناسب کند و در موارد حساس با قاطعیت، نهی منکر نماید.

اگر مادر با ترحم و عاطفه در پی گریه کردن کودک عقب نشینی کند و صبر و انتظار پیشه سازد ممکن است کار به جایی برسد که دیگر جلوگیری امکان نداشته باشد.

او کیست؟

از نزدیکان فرعون بود که دعوت توحیدی حضرت موسی را پذیرفت ولی ایمان خود را آشکار نمی کرد، زیرا خود را موظف به حمایت حساب شده از حضرت موسی می دید. او مردی هشیار و دقیق و وقت شناس و از نظر منطق بسیار نیرومند بود و وقتی مشاهده کرد با خشم شدید فرعون، جان موسی علیه السلام به خطر افتاده است مردانه قدم پیش نهاد و با بیانات موثر و روشنگر خویش به یاری حضرت شتافت و توطئه ی قتل او را بر هم زد.

این شخص شجاع و دلیر سمبلی از مکتب حق بود که سرانجام جان خود را در راه آزادی و حقیقت و مبارزه با طاغوت زمان فدا کرد و به عنوان شهید امر به معروف و نهی از منکر معروف می باشد.

داستان این شخص در قرآن، سوره ی یس آمده است، نام او را بگویید؟

جواب : مومن آل فرعون^۱



همان طور که می دانیم سرور و سالار شهیدان، آقا ابا عبد الله الحسین در راه امر به معروف و نهی از منکر به شهادت رسید و ارزش این دو اصل را در جهان اسلام بالا برد. امام حسین هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه در وصیت نامه اش به برادرش محمد بن حنیفه بعد از آنکه عقیده خودش را درباره توحید و نبوت و معاد ذکر می کند هدف خود را از حرکت چنین ذکر می فرماید: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی اريد ان امر بالمعروف و انهي عن المنكر و اسير بسيرة جدی و ابي علی بن ابي طالب»^۲: هدفم از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح مفاسد امت و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب است!

انقلاب اسلامی ایران به رهبری «امام خمینی» (ره) نیز در ادامه قیام سید الشهداء و احیای دو اصل امر به معروف و نهی از منکر می باشد تا با اجرای آن احکام الهی در جامعه برپا گردد.

بیان خاطره:

چند سال پیش نوجوانی که به منظور اقامه نماز جمعه به سوی دانشگاه تهران می رفت و برای وضو گرفتن به پارک لاله رفت و چون مشاهده کرد که چند جوان ناباب به کارهای ناشایسته مشغول هستند در پی نهی از منکر به آنها تذکر داد ولی یکی از این جوان ها ناجوانمردانه آن نوجوان شجاع را به شهادت رساند. نام این نوجوان کیست؟ ناصر ابدام^۳

«امر به معروف و نهی از منکر»^۳

خلق را سوی خدا ارشاد کن

خانه حق را بیا آباد کن

نهی از منکر ز قوم غافلان

امر به معروف کن بر جاهلان

از صفات انبیا و اولیاست

امر به معروف محبوب خداست

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۳ به بعد

۲. سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۳۶- به نقل از مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸ و مقتل عوالم، ص ۵۴

۳. به نقل از کتاب احکام نوجوانان؛ ص ۱۷۴

غیر از این مقصود مقصودی نبود	انبیا را از همه گفت و شنود
از شروط ملت و آیین توست	این صفت چون از فروع دین توست
روز و شب ارشاد هر جاهل کنی	سعی کن تا دین خود کامل کنی
زین سبب هر منکری معروف شد	امر به معروف چون موقوف شد
با خلاق تو کلام حق بگو	با لسان لَیْن و خلق نکو
خاطر خرم، مکن هرگز ملول	هر کجا قول تو افتد ناقبول
مایه خوشنودی پیغمبر است	اجر این زحمت رضای داور است
تا توانی نهی کن از منکرات	روز محشر «ذاکر» ار خواهی نجات

حریم و مرز

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید

عزیزان سلام، امیدوارم که حالتان خوب باشد و آماده و سرحال برای اجرای برنامه باشید.

به این حکایت توجه کنید تا به موضوع برنامه پی ببرید:

روزی جوانی که ادعای پهلوانی می کرد، در خیابان مشغول قدم زدن و پرسه زدن بود و قیافه مغرورانه ای به خود گرفته بود و دائم به این طرف و آن طرف نگاه می کرد و گاه کنار خیابان می ایستاد و می نشست.^۱ مرد بزرگ و اندیشمندی که در حال گذشتن از آنجا بود، چون آن منظره را دید، نزدیک رفت و بعد از سلام و احوال پرسی مؤدبانه نگاهی به سر تا پای او کرد و گفت: با این بدن و عضلات، باید ادعای پهلوانی هم داشته باشی؟

آن جوان مغرورانه گفت: پس چی خیال کردی، با کم کسی طرف نیستی؛ یکی از ورزشکاران آینده و سرشناس من خواهم بود.

مرد گفت: راستی با این تعریف ها چند کیلو می توانی برداری؟ گفت: خیلی؛ البته فرق می کند، یک ضرب باشد یا دو ضرب و... می خواست پر حرفی کند که مرد گفت: ولی من فکر می کنم آن قدرها هم خبری نباشد. گفت: چطور؟ مرد گفت: پهلوان ترین پهلوانان کسی است که بتواند هر وزنه بزرگ و کوچکی را در اختیار بگیرد و کنترل کند؛ حتی اگر یک گرمی یا چند گرمی

۱. اگر دانش آموزان پسرند مربی می تواند نمایشی مانند پهلوانان با دست های باز اجرا کند.

باشد؟ آن نوجوان ناگاه خنده بلندی سر داد و گفت: مگر نگهداری یک شیء چند گرمی هم کاری دارد؟ مرد گفت: بله، این همان چیزی است که همین الان که تو را دیدم، نتوانسته بودی آن را در اختیار بگیری و ضربه فنی شیطان شده بودی. گفت: من؟ مرد گفت: بله، آیا تو می توانی حداقل یک ساعت اختیار پلک چشمت را داشته باشی؟! حالا چه کسی می تواند بگوید که موضوع برنامه ما چیست؟ ... برای راهنمایی به تصویر نگاه کنید!^۱



بله دوستان، برنامه در مورد یکی از نعمت های خوب خداوند است؛ یعنی دیدن.

عضوی که با آن می بینیم چیست؟ چشم

از نعمت های خداوند باید درست استفاده کرد، و خدای ناکرده نباید نادرست استفاده نمود. اگر درست استفاده کنیم، هم خودمان سود می ببریم و هم نوعی شکر نعمت است؛ اما اگر استفاده نادرست ببریم، هم به خود ضرر زده ایم و هم ناشکری کرده ایم؛ پس راه درست استفاده از نعمت دیدن را بیاموزیم و با استفاده درست از آن شکر آن را به جا آوریم. حالا چه کسی می تواند به این سؤال پاسخ دهد:

در چراغ راهنمایی چند رنگ داریم؟ سبز، زرد و قرمز حالا دقت کنید!^۲

۱. مربی محترم از قبل کارتی تهیه کرده و شکل فوق را روی آن بکشد و به دانش آموزان نشان دهد.

۲. مربی محترم بر روی کارت، تصویر چراغ سبز را نقاشی می کند و به دانش آموزان نشان می دهد.



دوستان! چراغ سبز؛ یعنی نگاه کردن جایز و مباح.

آیا می توانید برای این مورد چند مثال بزنید؟

بله درست است من هم چند مثال می گویم:

دیدن (منظره های طبیعی)^۱

و یا دیدن (فیلم های آموزنده)

بچه ها! بعضی وقت ها خداوند به نگاه کردن ما پاداش هم می دهد و نگاه کردن، مستحب می شود. برای اینکه بدانیم خدا به کدام نگاه ما پاداش می دهد به مسابقه بعدی ما توجه کنید:

ما چهار کارت داریم که در یک روی آن، از شماره ۱-۴ و در طرف دیگر، حروف پراکنده کلماتی نوشته شده. من دو نفر از شما را انتخاب می کنم؛ سپس نفر اول یک شماره و بعد نفر دوم یک شماره؛ سپس برای بار دوم نفر اول و نفر دوم هم آخرین کارت را برمی دارد. هر کدام که موفق شدند کلمات را زودتر و صحیح بسازند، برنده مسابقه ما است. حالا دو نفر را انتخاب می کنم.

۱

۲

۳

۴

ه ک ع ب	د چ ر ه ر پ ه	ا ه چ در م ر ه	ن ا ر ق
---------	---------------	----------------	---------

۱. مربی یک کارت پستال از منظره ای طبیعی و یک کارت با تصویر یک حلقه فیلم به دانش آموزان نشان می دهد.

بله، همان طوری که دوستانتان کلمات را درست کردند.

«خداوند به کسی که به کعبه و چهره پدر و مادر و قرآن نگاه کند پاداش می دهد».

مردی می گوید: روزی ابوذر را دیدم در دوره حکومت خلفا که در گوشه ای از مسجد الحرام در ایام حج نشسته و به طور خیلی دقیق به امیر المؤمنین علی علیه السلام نگاه می کند. با تعجب نزد او رفتم و گفتم چرا این قدر دقیق به علی علیه السلام نگاه می کنی، مگر فایده ای دارد؟ ابوذر گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «این نگاه ها عبادت است.» نگاه به علی علیه السلام و - در این زمان نگاه به سادات و یا چهره علمای دین - نگاه به چهره پدر و مادر از روی مهربانی، نگاه به قرآن و نگاه به کعبه.^۱

از این دو دوستان تشکر می کنم و به آنها هدیه ای ناقابل تقدیم می کنم.

شما هم با صلواتی آنها را بدرقه کنید تا سر جایشان بنشینند.

علامت بعدی که باید به آن دقت شود، این علامت است:

دوستان! چراغ ژرژ علامت چیست؟

بله، درست است. علامت احتیاط است؛ یعنی باید مراقب چشم ها باشیم. برای این نوع یک مثال بزنید؟... بله درست است؛ مثل پرسه زدن در خیابان و جاهای شلوغ و با بی توجهی به همه چیز و همه کس نگاه کردن؛ حتی اگر بدون قصد باشد. دوستان من! این طور نگاه کردن باعث می شود که کم کم به گناه دچار شویم.

اما کارت و علامت بعد:

علامتی که باید خیلی، خیلی دقت شود. این علامت است:



۱. شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۲۷۰.

دوستان! چراغ قرمز

دوستان من! در برخی موارد چراغ برای نگاه کردن قرمز است.

این چراغ علامت چیست؟

بله! یعنی به هیچ وجه نباید نگاه کرد و باید خیلی مراقب بود.

به کارت نگاه کنید! این چیست؟...^۱



بله، تیر است. بچه ها! شما باید خیلی مراقب تیرهای دشمنان؛ مخصوصاً شیطان باشید؛ چون یکی از تیرهای شیطان، نگاه به نامحرم و نگاه های حرام است. نگاه های حرام بر روح و قلب ما تأثیرات بدی می گذارد. برای اینکه با این تأثیرات آشنا شوید، به

برنامه بعد توجه کنید!

ما یک مسابقه اجرا می کنیم که در آن دو گروه شرکت می کنند و هر گروه از دو نفر تشکیل شده است. در اینجا دو سری کارت داریم که روی هر کارت کلمه ای نوشته شده است؛ هر سری شامل پنج کارت است. ما کارت ها را جلوی دو گروه قرار می دهیم و با اشاره من و تشویق شما، آنها باید با کلمات یک جمله بسازند که دارای مفهوم باشد. هر کدام که زودتر و صحیح تر این کار را انجام بدهد، برنده مسابقه ما است.^۲

شیطان	گناه	شدن	اسبیر	دچار
اضطراب	بی فایده	روحی	دچار	خیالات

حالا انتخاب دو گروه:

احسنت! گروه ... زودتر توانست جمله را درست کند.^۳ همان طوری که در جمله ها آمده، «نگاه به نامحرم و نگاه های حرام، انسان را دچار گناه می کند و انسان، بنده شیطان می

۱. مربی محترم کارت و تصویر را تهیه کند یا یک تیر چوبی تهیه کند و با خود به کلاس ببرد.

۲. مربی محترم ده کارت به اشکال فوق تهیه کرده و با خط خوش کلمات را بر روی آن بنویسد.

۳. جمله اول: دچار گناه و اسیر شیطان شدن

جمله دوم: دچار اضطراب روحی و خیالات بی فایده شدن

شود و همیشه دچار خیالبافی و دلشوره است».

دوستان من! نگاه حرام فقط نگاه کردن به نامحرم نیست، بلکه نگاه کردن به عکس نامحرم یا فیلم های مبتذل هم از نگاه های حرام است و چراغ برای دیدن آنها قرمز است. بچه ها! ما باید در برابر تیر شیطان، برای خود سپری تهیه کنیم.

آیا می دانید آن سپر چیست؟ ...

روزی پیامبر همراه عده ای از اصحاب در بقیع مشغول صحبت بود، زنی سوار الاغ در حال گذر بود ناگاه پای جلویی الاغ در چاله ای رفت و همراه سوار خود نقش بر زمین شد. پیامبر که ناگاه چشمش به این منظره افتاد، زود سر مبارکش را پایین انداخت و رو برگردانید - و پلک ها را هم بست - تا چشمانشان به این منظره نیفتد و اسیر شیطان نشوند.^۱

در پایان همه با هم بگوییم:

«اغوذ بک یا رب من همزات الشیاطین».^۲

۱. تنبیه الخواطر، ص ۳۲۳.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، ج ۱، ص ۸۶، ۱۷۰، روایت باب ۴۳ - ۴۴.

لباس عفت

موضوع: احکام

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با آثار و فواید حفظ حجاب در زندگی و جامعه آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

جایگاه زن در اسلام؛

وجوب پوشش برای زنان؛

آثار و فواید حجاب.

هدف رفتاری:

از دانش آموزان انتظار می رود بعد از درس نسبت به مسئله حجاب حساسیت بیش تری داشته و خود را از نامحرم بپوشانند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (شعر، راز گل، جدول، کارت و داستان)

رسانه های آموزشی:

تابلو (تخته و گچ) و کارت

خداوندا تویی پروردگارم همه از توسست یا رب هر چه دارم
چگونه شکر این نعمت گزارم که در دل پرتو مهر تو دارم

به نام خدا، خداوند مهربانی‌ها و سلام به شما دانش‌آموزان در گرمای تابستان!
امیدوارم خوب و سالم باشید و اوقات تابستانی خوبی را سپری کرده باشید.
می‌خواهیم برنامه را با گل آغاز کنیم. پس اجازه دهید من این شاخه گل زیبا را درون لیوان آب
قرار دهم تا پژمرده نشود و به کلاس حال و هوای تازه‌ای ببخشد.^۱
به این شعر توجه کنید و بگویید «گل» چند بار تکرار شده است:

وقتی که باغ لخت و خالی

پیراهنی از گل به تن کرد

وقتی که باران بهاری

دشت و بیابان را چمن کرد

وقتی که نور گرم خورشید

بر خاک سرد و خفته تابید

۱ مربی با خود شاخه گلی زیبا به کلاس می‌آورد و آن را درون يك لیوان و یا... قرار می‌دهد.

وقتی که در صبح بهاری

از چشم گل، شبنم تراوید

وقتی که آب پاک چشمه

در باغ و صحرا گشت جاری

وقتی که خندیدند در باغ

گل‌های زیبای بهاری

دیدم ز تو صدها نشانه

در چهره‌ی زیبای دنیا

دیدم تو را، هر لحظه هر جا

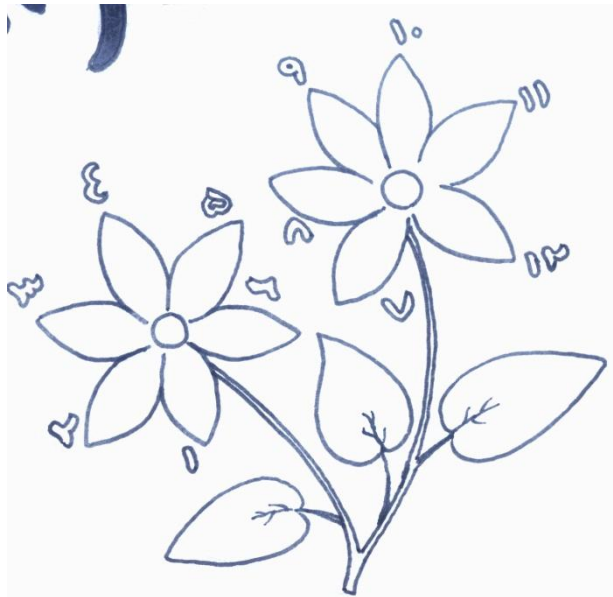
آه ای خداوند توانا^۱

بله! همان طور که دوستان گفت؛ سه بار کلمه «گل» تکرار شده بود.
من از خودش می‌خواهم که نام سه گل را که به نام پیامبران الهی و یا منسوب به اولیای خداست،
نام ببرد:

گل محمدی گل داودی گل بابا آدم گل نرگس
حالا که صحبت از گل شد، می‌خواهم با یک گل دیگر هم آشنا شویم. پس اجازه دهید من یک
گل بکشم و سؤال‌هایی از شما بپرسم تا با قرار دادن حرف اول و آخر پاسخ‌ها درون گلبُرگ‌ها با
این گل آشنا شویم.^۲

۱ جعفر ابراهیمی (شاهد)، پله پله تا خدا، ص ۴۱.

۲ توجه کنید که فقط حرف اول و آخر پاسخ‌ها درون گلبُرگ‌ها قرار می‌گیرد.



سؤال‌ها^۱:

۱. پیامبران به عربی چه می‌شود؟
(۱۰ و ۵)
۲. کدام سوره در قرآن است که در آن عیب‌جویان سرزنش شده‌اند؟
(۱۲ و ۶)
۳. نام سرزمین قوم ثمود چیست؟
(۷ و ۹)
۴. کدام صفت از صفات خدا به معنای برتر، عالی‌تر و دارنده مقامات بسیار عالی می‌باشد؟
(۱ و ۸)
۵. کدام سوره به نام زنبور عسل می‌باشد؟
(۱۱ و ۲)

۱. پاسخ‌ها عبارتند از: انبیاء، همزه، حجر، اعلی، نحل، روم.

۶. کدام امپراتوری قدیم است که در قرآن در باره پیروزی و شکست آن از ایران سخن گفته شده است؟

(۳ و ۴)

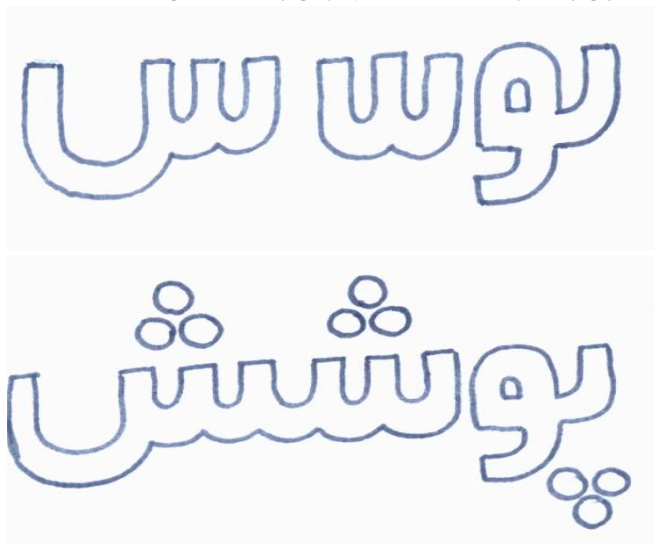
با تشکر از همه شما! حروف را بر طبق شماره گلبرگ‌ها کنار هم قرار دهید تا به پیام این گل برسید. بله!

«الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ»

طبق کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام): «زن گل است.»

یک سؤال:

حالا که وجود یک زن و دختر مثل گل است، بهترین راه حفظ این گل چیست؟



به نظر شما، فایده پوشش چیست؟

اگر اجازه دهید از قرآن کمک بگیریم:

۱. برای حفظ از == سرام و گرام، فرب و ناداب

چی؟ سرما و گرما، برف و باران.

اگر یکی از شما سوره نحل و آیه ۸۱ را بیاورد و با ترجمه آن را برای ما بخواند، کلام قرآن را می‌فهمیم؟^۱

«وَجَعَلْ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ...»

برای شما پیراهن‌هایی آفرید که از گرما حفظ می‌کند....

۱. برای حفظ == ت ف ع و ا ی ح

بله، عفت و حیا

من ترجمه آیات قرآن را روی کارتی نوشته‌ام. از دوستان می‌خواهم برای ما بخواند. البته نقطه ندارد که شاید خواندنش قدری سخت باشد.^۲

ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه نامحرمان - بپوشانند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است و خدا از آنچه انجام می‌دهند آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشانند و محفوظ دارند.

از دوستان می‌خواهم نوشته پشت کارت را هم بخواند.^۳

دخترم؛ جرال‌دین!

هیچ کس و هیچ چیز را در این جهان نمی‌توان یافت تا شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را برای آن عریان کند. برهنگی بیماری عصر ما است.

انسان باش، پاکدل و یکدل...، گرسنه بودن، صدقه گرفتن و در فقر مردن، هزار بار قابل تحمل‌تر از بی‌عاطفه بودن است.^۴

فهمیدید این جمله‌ها از چه کسی بود؟

بله، این جمله‌ها بخشی از نامه چارلی چاپلین، کمدین مشهور جهان به دخترش بود.

۱. برای حفظ == ز ی ی ا ب ، وراق

زیبایی - وقار

۱ قرآنی با ترجمه به یکی از بچه‌ها می‌دهیم تا آیه مورد نظر را بخواند.

۲ ترجمه سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱ را درون کارت ۱۰×۲۰ بدون نقطه می‌نویسیم تا دانش‌آموز بخواند که در صورت وقت داشتن می‌توانیم آیات رانیز بخوانیم.

۳ پشت همان کارت جمله‌های زیر نوشته می‌شود تا دانش‌آموز بخواند

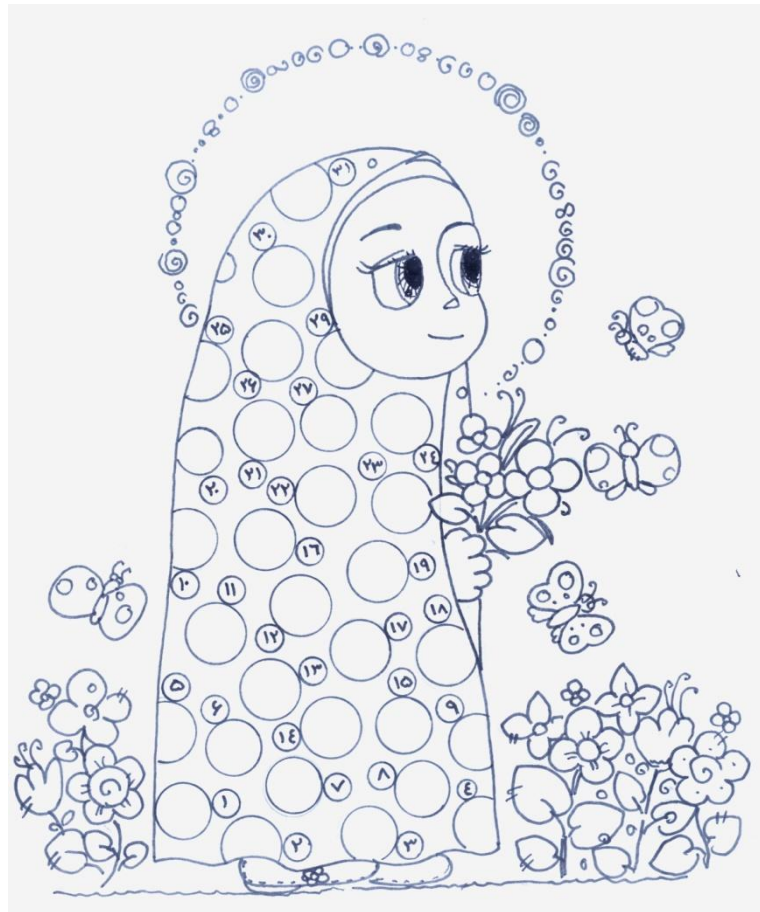
۴ آخرین تصویر چارلی، ص ۷۹/ برای ریحانه. ص ۱۲۰ محمود اکبری.

خداوند در آیه ۲۶ سوره اعراف می‌فرماید: ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرستادیم.... در ادامه سؤال‌هایی را از شما می‌پرسم و پاسخ‌ها را در جدول قرار می‌دهم تا بینم ادامه کلام خدا چیست^۱؟

سؤال‌ها:

۱. چهارچرخه که سوارش می‌شویم، چه نام دارد؟
ماشین (۲۷، ۱۴، ۲۶، ۲۰ و ۲۴)
۲. دختر حلیمه و خواهر رضاعی پیامبر که پیامبر به او احترام زیادی می‌کرد، چه نام داشت؟
شیما (۱۳، ۱۰، ۱۸ و ۲۸)
۳. حرم شیرزن کربلا در کدام شهر قرار دارد؟
شام (۴، ۱۹ و ۵)
۴. کدام زن حافظ قرآن و خدمتکار حضرت زهرا بود؟
اسما (۶، ۲۹، ۹ و ۸)
۵. آن چیست هم انسان دارد و هم ماشین؟
دنده (۲، ۱۵، ۱۶ و ۲۱)
۶. دختر عرب؟
بنت (۱، ۳ و ۳۰)
۷. فوتبالیست به چه چیزی هد می‌زند؟
توپ (۲۵، ۱۲ و ۱۱)
۸. به زینت و هر آنچه که وسیله آراستگی است، چه می‌گویند؟
زیور (۲۲، ۲۳، ۱۷ و ۷)

۱ جدولی ۳۰ خانه‌ای لازم است طراحی شود.



حالا اگر حرف‌ها را کنار هم قرار دهید پیام به دست می‌آید.
 بله، خداوند می‌فرماید: لباسی برای شما فرستادیم که بدن شما را می‌پوشاند و مایه زینت
 شماست.

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا»

پوشش مناسب و داشتن حجاب، گل وجود زن و دختر مسلمان را از آسیب‌ها و خطرات بیمه
 می‌کند. حجاب چون صدفی است که مروارید وجود زن را هم حفظ می‌کند و هم زیبا نگه
 می‌دارد.

همان گونه که یحیی مازنی می‌گوید: چند سالی بود که در همسایگی حضرت علی علیه السلام زندگی
 می‌کردم و از لذت همسایه بودن با این امام مهربان در پوست خود نمی‌گنجیدم. ولی به خدا
 قسم در تمام این مدت نه چهره زینب کبری، دختر حضرت را دیدم و نه صدایش را شنیدم. هر

زمانی که حضرت زینب قصد زیارت قبر جد بزرگوارش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می کرد، شبانه حرکت می کرد، در حالی که امام حسن علیه السلام از طرف راست و امام حسین علیه السلام از طرف چپ و خود حضرت امیر علیه السلام از جلو او را همراهی می کردند.

وقتی به نزدیک قبر می رسیدند، امام علی علیه السلام چراغ را خاموش و یا کم سو می کرد. حتی یک بار امام حسن از پدرش راز این کار را جويا شد و سؤال کرد چرا چراغ را کم نور می کنی؟ حضرت پاسخ داد: «نمی خواهم چشم بیننده ای به خواهرت بیفتد، یا نمی خواهم احدی چشمش به قامت خواهرت زینب بیفتد!»^۱

اگر به داستان خوب توجه کنید این پرسش به ذهن خطور می کند که پس یک زن و دختر نمی تواند در میدان های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی نقش فعالانه ایفا کند؟ می تواند، ولی بنا به تعبیر شهید مظلوم آیه الله بهشتی: «به شرطی که لباس رزمش و کارش عفتش باشد.»
مانند خود حضرت زینب که در صحنه کربلا با حضور بی نظیرش و حتی پس از واقعه کربلا با حفظ عفاف از خویش و سایر زنان، اسلام را جانی دوباره بخشید.
در این قسمت از دوستان می خواهم قطعه شعری را برای ما بخواند.^۲

تاج افتخار

بشنو از چادر که در توصیف زن	تارو پودش باتو می گوید سخن
تارو پودم از شرافت تافته	تا شرافت را به عصمت بافته
در کلاس حفظ تقوا و شرف	دختران دُرند و چادر چون صدف
بهترین سرمایه زن، چادر است	زانکه زن را زینت زن چادر است
حفظ چادر در سرای اقتدار	دختران را هست تاج افتخار
حفظ چادر، سد فحشا می کند	رو سفیدی نزد زهرا می کند

۱ عوالم، ج ۱۱، ص ۲۲۳..

۲ مربی می تواند از قبل با یکی از دانش آموزان هماهنگ کند تا شعر را دکلمه کند و یا خودش بخواند.

۱۶۸ ■ ره‌توشه راهیان نور، ویژه‌ طرح هجرت تابستان ۱۳۹۶ (نوجوانان)

حفظ چادر چاره‌ساز کارهاست حافظ گل از هجوم خارهاست

حفظ چادر زخم‌ها را مرهم است دست رد بر سینه نامحرم است^۱

خدایا! بر دختران و پسران ما لباس حیا و عفت و بر زنان و مردان ما لباس خوشبختی و مهربانی و
بر بیماران ما لباس سلامتی بپوشان.

۱ بهشت جوانان، حسن حیات‌بخش، ص ۲۶۰/ دختران پندها و هشدارها، محمود اکبری، ص ۱۰۷.

فصل پنجم

گوناگون

کتاب و کتابخوانی

پیام

پیام داستان همان روح و اندیشه‌ای است که بر کل داستان حاکم است، به تعبیری همان در و نمایه اثر است. خلاصه نتیجه‌ای است که داستان درباره زندگی بیان می‌کند یا ما از آن استنباط می‌کنیم برای فهمیدن پیام ما باید ابتدا از خود پرسیم منظور اصلی داستان چیست. چه خط و مشی در زندگی را دنبال می‌کند و به چه چیزهایی اهمیت می‌دهد.

پیام داستان

۱. باید در یک جمله مبتدا. خبری بتوان آن را بیان کرد.
 ۲. نباید از کلمات قصار و ضرب‌المثل‌ها برای بیان پیام داستان استفاده کرد.
 ۳. پیام را نباید با کلمه‌هایی چون، همه، هر و... تعمیم داد.
- در آخر این نکته را باید تذکر داد که همه داستان‌ها پیام ندارند، بلکه بسیاری از آن‌ها فقط برای سرگرمی نوشته می‌شوند، می‌توان گفت: «داستان‌هایی که عمیقاً به زندگی می‌پردازند و زندگی در آن جریان دارد حتماً پیام دارند.» گاهی چون خوانندگان با نگاهی خاص داستانی را می‌خوانند، پیام‌های گوناگون از آن می‌گیرند.

دو دست چون دو بال

تألیف: ابراهیم حسن بیگی: ناشر: مدرسه چاپ: اول سال ۱۳۶۹ موضوع: یاران امام حسین علیه السلام
- عابس

صدای شیون زن‌ها - از درون خیمه - قلب «عابس» را لرزاند. شمشیر خون‌آلودش را رها کرد. زانو بر خاک نهاد و از خشمی سنگین به خود پیچید. قطه‌های درشت عرق از پیشانی‌اش فرو

می غلتید. دست هایش از بس جنگیده بود، خسته شده بود و از دو سوی شانه هایش رها بود. از تشنگی دهانش خشک شده بود. کشته ها و مجروح ها گوشه و کنار افتاده بود. هیاهویی از سپاه دشمن به هوا می رفت. آن ها آماده تهاجمی بزرگ بودند. عابس ناگهان به یاد «امام حسین» علیه السلام افتاد آیا او سالم بود؟ شمشیر را برداشت و به سرعت به جست و جوی او پرداخت. از «جون» پرسید. فهمید که سالم است. خیالش راحت شد.

عباس آرام آرام به طرف خیمه ها رفت. خدمتکارش «شوذب» را دید که بدنش خونی است، ولی سر پا ایستاده است و می خواهد به جنگ دشمن برود. تبسمی کرد و به یاد روزهایی که در کوفه بود، افتاد. او از بزرگان شهر کوفه بود. همراه «هانی» با «مسلم»، پیک امام علیه السلام بیعت کرده بود. او سال هایی را به یاد می آورد که کنار «حضرت علی علیه السلام» با سپاه «معاویه» جنگیده بود. روزی که شنیده بود امام حسین علیه السلام به کوفه می آید تا سر رشته حکومت اسلامی را به دست بگیرد، همه خوشحال شده بودند؛ ولی او می دانست که مردم کوفه او را هم مانند پدر و برادرش تنها خواهند گذاشت. «عبیدالله بن زیاد» که حاکم کوفه شد، همه ترسیدند و کنار رفتند. فقط او وعده اندکی مانده بودند که از کوفه مخفیانه بیرون رفته، به استقبال امام حسین علیه السلام رفتند تا این که در کربلا به هم رسیدند.

عباس در این افکار بود که صدای شوذب را شنید: «امام به نماز می ایستند. تو نیز اگر...» عباس در حال فرود از تل خاک، حرف او را برید و گفت: «نماز؟ برویم شوذب، برویم آخرین نمازمان را با اماممان بخوانیم.» عده ای جلو امام علیه السلام سپر به دست ایستاده بودند و بقیه پشت سر امام مسلح، به نماز ایستادند، شاید دشمن از فرصت استفاده می کرد و یورش می آورد.

نماز که تمام شد از امام اجازه نبرد خواست. عباس به میدان رفت. لشکریان پسر سعد با دیدن او عقب رفتند بیش تر آن ها جنگ او را در نهر روان دیده بودند. هیچ کس نمی توانست تنها، رود رو با او بجنگند عباس فریاد زد: «ای پسر سعد، بگو مردترین مردانت بیایند که امروز تا خون ده ها تن از آن ها را نریزم آرام نخواهم گرفت.»

پسر سعد خشمگین و لرزان بر اسبش نشسته بود و نمی دانست چه کند. او عباس را خوب می شناخت و هیچ کس حاضر نبود به جنگ وی برود نعره کشید: «کسی از شما یارای پاسخگویی به این مرد را ندارد؟» وقتی سکوت لشکرش را دید فریاد زد: «پس او را سنگ باران

کنید، امانش ندهید.»

سنگ بود که پی در پی در هوا می چرخید و به سوی سر و سینه عابس روانه می شد. عابس کلاه خودش و زره را از تن بیرون آورد و گفت: «بزنید مرا، من این تن را در راه خدا به قربانگاه آورده‌ام. سپس فریادی کشید و به قلب سپاه حمله کرد. دست‌هایش آرام و قرار نداشت. می غرید و شمشیرش در هوا برق می زد و خون از نوک آن می چکید. عابس لشکر را می شکافت و پیش می رفت. دیگر از چهار سو در محاصره نیزه به دستان بود. ناگهان نیزه‌ای بر قلب وی نشست. عابس حس کرد سبک شده است. شمشیر از دستش رها شد. او دست‌هایش را به سوی آسمان گشود. دو دست چون دو بال تا اوج آسمان پرکشیدند.

کار و تولید

موضوع: زندگانی علی علیه السلام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با چند نمونه از سیره ی علمی علی علیه السلام در مورد کار و تولید آشنا می شود.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

تولید، درمان فقر.

حفر چاه، کشاورزی، کسب درآمد برای خانواده.

هدف رفتاری

امید می رود در پایان درس دانش آموزان سیره ی عملی علی علیه السلام را درباره ی کار و تولید در زندگی خود پیاده کنند.

روش های مناسب تدریس

توضیحی - فعال (پرسش و پاسخ، داستان، شعر، کارت بازی)

رسانه های آموزشی

تخته سیاه

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله، بنام خدا؛ خدایی که رحمان و رحیم است. هم بخشنده است و هم مهربان و به یاد او برنامه را همراه شما آغاز می‌کنم. ابتدا از شما می‌خواهم نام چند بیماری را بگویید تا من روی تخته بنویسم. بله سرما خوردگی، گلودرد، مرض قند، کم خونی و... همان طور که می‌دانید این‌ها بیماری‌هایی هستند که در جامعه وجود دارند و مردم با مراجعه به دکتر به درمان آن‌ها می‌پردازند. در این جا من سه نقطه روی تخته می‌نویسم. سپس سه حرف از حروف الفبا را به طور پراکنده می‌نویسم. شما آن‌ها را مرتب کنید. رف ق حالا از شما می‌خواهم با سه نقطه و سه حرف نام یک بیماری فردی و اجتماعی را به دست آورید تا من روی تخته بنویسم.

احسنت! فقر به نظر شما درمان فقر با چه وسیله‌ای حاصل می‌شود؟ همان طور که بعضی از دوستان گفتند: «کار و تولید» درمان‌کننده فقر است.^۱ برخی با روح تن پروری خود کرده‌اند و به کار و تولید توجهی ندارند، برخی دیگر هم کار و تولید را ننگ و عار می‌دانند، اما علی علیه السلام برای اداره‌ی زندگی خود و مبارزه با فقر به کار و تولید توجه داشت و نه تنها کار را عار نمی‌دانست بلکه در هر شرایطی که بود کار می‌کرد. در این برنامه تا حدودی با کارهای حضرت علی علیه السلام آشنا می‌شویم. در ابتدا از کتاب خداوند متعال قرآن کمک می‌گیریم.

سوره‌ای در قرآن بگویید که پایان جهان به آن ختم می‌شود: قیامت
من آیه‌ای از این سوره برایتان می‌خوانم.

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ۳۶»، «آیا انسان می‌پندارد او را به حال خود رها می‌کنند؟!»

اما چرا از قرآن این آیه را خواندم؟ به این جریان گوش کنید؟

عده‌ای برای حل مشکلی که داشتند خواستند نزد حضرت علی علیه السلام بروند. هر چه گشتند حضرت علیه السلام را پیدا نکردند. بعد از ناامیدی به آنان گفته شد که امیرمؤمنان علیه السلام در مزرعه‌ی خود است. آن‌ها خود را به مزرعه حضرت علیه السلام رساندند، و دیدند امام علیه السلام مشغول کار بود، و این آیه را

۱ - اگر دانش آموزان نتوانستند جواب بدهند، مربی خود پاسخ دهد.

می خواند؛^۱ همین آیه که برای شما خواندم.

در این جا من روی تخته سه کلمه می نویسم.

زمزم یوسف علیه السلام چاه علی علیه السلام

حالا کلمه ی چاه را در کنار این سه کلمه می نویسم و از شما می خواهم ارتباط هر یک از اسم ها را با چاه بیان کنید.

چاه زمزم، به خاطر تشنگی از زمین جوشید.

حضرت یوسف علیه السلام به خاطر حسادت برادرانش در چاه افتاد.

حضرت علی علیه السلام به خاطر مظلومیت و تنهایی سر در چاه می نمود. این را هم بدانید که امام علی علیه السلام به دست خود چاه های فراوانی در اطراف مدینه (سرزمین ینیع) حفر کرد و اغلب آن ها را وقف فقرا یا مسافران خانه ی خدا کرد.^۲ به داستانی در این رابطه گوش کنید:

قطرات عرق از پیشانی حضرت علی علیه السلام بر گونه های مبارکش جاری بود و از لابلای محاسن او روی زمین می ریخت، آفتاب گرمای خود را همانند شلاق بر زمین می زد و علی علیه السلام سطل ها را یکی پس از دیگری پر از خاک کرد و در دل زمین پایین و پایین تر می رفت. هر بار با تکان خوردن طناب کسی که در بالای چاه بود، سطل خاک را به بالا می کشید. هر لحظه که می گذشت چاه عمیق تر می شد تا آن که صدا در عمق چاه پیچید: علی جان! نزدیک غروب است. علی علیه السلام دست از کار کشید و پا در کناره های چاه گذارد و از آن بیرون آمد. دستی به روی خود کشید تا خاک های روی لباس و دست هایش را پاک کند. سپس در زیر درخت نخلی نشست کمی استراحت کرد.

چند دقیقه ای نگذشته بود که صدای آب در نخلستان پیچید. او خود را به حضرت علی علیه السلام رساند و با خوشحالی فراوان از فواره ی آب در میان چاه خبر داد. هر دو سر چاه رفتند و دیدند که آب چگونه از دل زمین می جوشد. علی علیه السلام فرمود: «این چاه مال زائران خانه ی خدا و

۱ - اگر بچه ها پرسیدند مشکل چه بود، مربی پاسخ دهد بر سر فرزند پسر دعوا داشتند، حضرت علی علیه السلام فرمود: «شیر دو زن را در ظرف خاصی وزن کنند. آن زن که شیر او سنگین تر است، پسر بچه مال اوست.»

هیئت علمی، مجموعه الگوهای رفتاری علی علیه السلام (کار و تولید)، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹.

۲ - فروع کافی، ج ۷، ص ۵۴۳، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۰۳.

رهگذرانی است که از این جا می گذرد کسی حق فروش آن را ندارد و فرزندان از من ارث نمی برند.^۱

در این قسمت یک حدیث برایتان می نویسم

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَضْرِبُ بِالْمَرْءِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ

معنای حدیث این است: علی علیه السلام همواره زمین را بیل می زند و نعمت در زمین ها را بیرون می آورد.

بله! به خاطر همین در تاریخ کشاورزی علی علیه السلام چنین سخن گفته اند. علی علیه السلام هسته های خرما را جمع آوری می کرد تا در باغ های خود بکارد. روزی یکی از یاران خدمت امام رسید و هسته های خرما را پیش روی آن حضرت دید. به خاطر همین پرسید: چرا این همه هسته خرما جمع کرده اید؟

امام علی علیه السلام فرمود: همه ی این ها به اذن خدا درخت خرما خواهد شد! بعدها همان شخص دید که امام همه ی آن ها را در زمین کاشته و نخلستانی از آن ها پدید آورده و سپس همه اش را وقف کرده است.^۲

تا این جا با چند مورد از کار و تلاش حضرت علی علیه السلام آشنا شدید، اما کار و تلاش علی علیه السلام به این چند مورد و موردی که در آخر برنامه برایتان می گویم خلاصه نمی شود. در آخر برنامه سؤالی از شما دارم،

بفرمایید نام محلی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جریان هجرت از مکه به مدینه در آن جا چند روز منتظر حضرت علی علیه السلام شد تا او بیاید و با هم وارد مدینه شوند؟ چه بود؟ احسنت! قبا.

حالا بشنوید در مورد کار حضرت علی علیه السلام در قبا: حضرت علی علیه السلام روزی به خانه آمد و از حضرت فاطمه (س) پرسید: «غذایی داریم؟» فاطمه زهرا (س) فرمود: «چند روزی در منزل غذای کافی نداریم.» علی علیه السلام سطل آبی گرفت و از منزل بیرون رفت خود را به روستای قبا رساند و آبیاری یکی از نخلستان های اطراف قبا را به عهده گرفت و قرارداد بست که برای هر سطل آبی که به درختان خرما می دهد، یک دانه خرما بگیرد.^۳

۱ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ص ۴۱، ج ۳، ص ۳۲.

۲ - جعفر سبحانی: «فروغ ولایت»، مؤسسة الامام الصادق، قم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳ - جورج جرداق: «علی و حقوق بشر»، ج ۱، ص ۸۴.

همردستی

به نام آن که دل کاشانه اوست



با سلام! برنامه را با یک سؤال ساده ریاضی و فارسی شروع می‌کنم.

اولین عدد سه رقمی که همه اعدادش تکراری است، چه می‌باشد؟^۱



و

چهارمین حرف الفبای فارسی چیست؟

این حرف را در کنار اعداد می‌نویسم.



۱. مرتبی ۳ عدد را با فاصله بر روی تخته می‌نویسد.

حدس بزنید چه کلمه‌ای را می‌خواهم بنویسم. خوب دقت کنید.

چه کلمه‌ایی به معنای گوش فرا دادن و شنیدن است؟

استماع

چه کلمه‌ایی به معنی گرامی داشتن و حرمت نگه داشتن است؟

احترام

چه کلمه‌ایی به معنای، پیوستگی است؟

ارتباط

اگر ما بخواهیم در جامعه با دیگران دارای ارتباط باشیم، در مرحله اول باید هنگام گفت‌وگو به حرف‌های آن‌ها خوب گوش کنیم تا از آن بهره‌مند شویم و ارتباط مثبتی برقرار شود. همان‌طور که امام علی علیه السلام فرموده است. حضرت چه فرموده است؟ از دو نفر شما می‌خواهم که کلمه‌های درهم ریخته‌ای را که بر روی تخته می‌نویسم، کنار هم قرار دهند تا جمله را به دست آورند: و تعلّم، الاستماع، حسن، تعلّم، کما، القول، حسن.

و پیاموز، گوش فرا دادن را، چنان‌چه، نیکو، نیکو، صحبت کردن را، فرا می‌گیری. با تشکر از این دو دانش‌آموز که جمله‌ها را مرتب کردند. بلی، امام علی علیه السلام فرموده است: «و تعلّم حسن الاستماع کما تعلّم حسن القول».^۱ یعنی: و نیکو گوش فرا دادن را پیاموز چنان‌چه نیکو صحبت کردن را فرا می‌گیری.

حالا بگویید که دوم چه بود؟ بلی، احترام. شرط مهم در برقراری ارتباط مؤثر، حفظ احترام مخاطب است. هرچند ممکن است او رعایت ادب را نگه ندارد، مثل آزر. او چه کسی است؟

۱. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۹، ص ۵۱، ح ۱۰۱۷۳.

به آیاتی که یکی از دوستان شما تلاوت می‌کند، توجه کنید.^۱

قال اراغب انت عن الهتی یا ابراهیم لآن لم تنته لارجمنک و اهجرنی ملینا (۴۶) قال سلام علیک
سأستغفر لک ربی انه کان بی حقیئاً. (۴۷)

با تشکر از این دوست خوب، به ترجمه آیات توجه کنید:

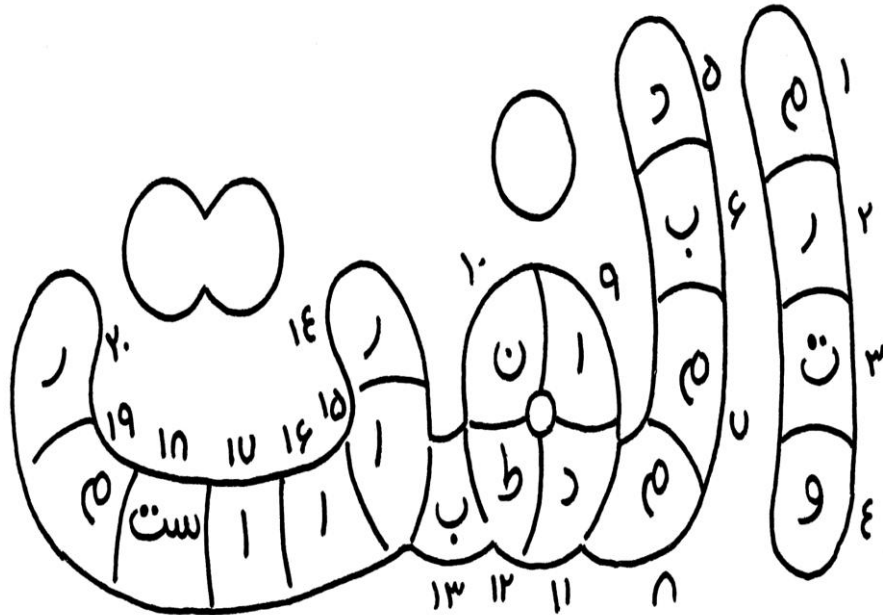
گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از خدایان من روی گردانی؟ اگر (از این کار) دست برداری تو را سنگسار می‌کنم. از من برای مدتی طولانی دور شو.
(ابراهیم) گفت: سلام بر تو! من به زودی برایت از پروردگارم تقاضای عفو می‌کنم، چرا که او نسبت به من مهربان است.»

خوب، متوجه شدید که آزر کیست؟ بلی، او همان عموی حضرت ابراهیم علیه السلام است که بت پرست بود. دلسوزی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام و بیان پربارش تأثیری بر او نداشت. او ابراهیم را تهدید به سنگسار کرد و او را موجودی غیرقابل تحمل برشمرد و با توهین به او گفت که برای همیشه از نظرم دور شو.

ابراهیم علیه السلام در برابر این تندی و خشونت شدید با نهایت بزرگواری گفت: «سلام بر تو! سپس فرمود: من به زودی برای تو از پروردگارم تقاضای آمرزش می‌کنم.»

این نشانه کمال احترام و رعایت ادب در برابر دیگران، حتی افراد مخالف است. ابراهیم علیه السلام الگوی همه انسان‌های مؤمن و خداپرست است. برای آشنایی بیش‌تر با یکی از ویژگی‌های افراد مؤمن از دیدگاه امام علی علیه السلام به این جدول دقت کنید، شکل جدول هم به معنی همدلی و انس گرفتن چه کلمه‌ای است؟ بلی.

۱. از دانش‌آموزی که قرائت صحیح دارد در این قسمت کمک گرفته شود تا آیات ۴۶ و ۴۷ سوره مریم را تلاوت کند.



حروف را داخل جدول می نویسم. شما برای به دست آوردن پیام، حرف اول را بنویسید. آن گاه سه تا سه تا بشمارید.

احسنت، پیام عبارت است از:

«مؤمن با مردم در ارتباط است.»

این جمله قسمتی از کلام امام علی علیه السلام است که فرمود:

«المؤمن مألوف ولا خير في من لا يألف ولا يؤلف.» یعنی مؤمن با مردم در ارتباط و الفت

است. آن کس که نه با دیگران الفت گیرد و نه دیگران با او الفت گیرند، خیری در او نیست.^۱

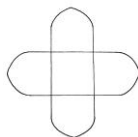
حالا که مشخص شد کسی که با دیگران ارتباط نداشته باشد، خیری در او نیست. بیایید راه های

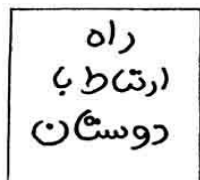
دیگر برقراری ارتباط با دوستان را شناسایی کنیم. پس به این گل که در دست من است، دقت

کنید.^۲

۱. کافی/ محمد بن یعقوب کلینی/ ج ۲ / ص ۱۰۲ / حدیث ۱۷.

۲. برای تهیه گلبرگ، مقوایی در ابعاد ۳۰×۳۰ سانتی متر را مطابق شکل برش دهید.





می‌خواهم با باز کردن گلبِگ‌های آن، شما را با راه‌های ارتباط مناسب با دوستان در روابط اجتماعی آشنا کنم.

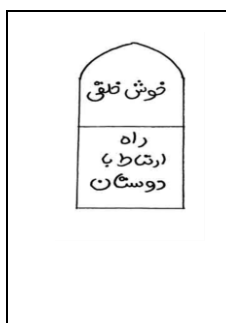
اولین گلبِگ چیست؟

احسنت، خوش خلقی.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

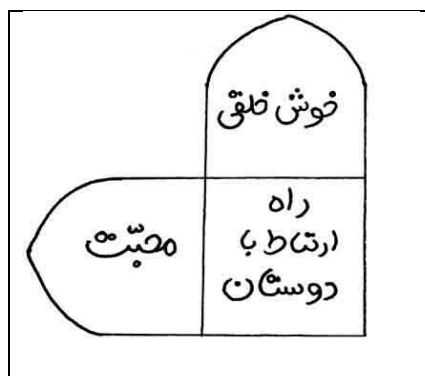
کسی که خوش خلق باشد دوستان او فراوان شوند و افراد با او انس می‌گیرند و ارتباط برقرار می‌نمایند.^۱

حالا نوبت دومین گلبِگ رسید. خوب دقت کنید.



در این گلبِگ، مسأله محبت ورزیدن به دوستان مطرح شده است. به این حکایت گوش کنید:

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم داشت در خارج شهر غسل کند. حذیفه، پارچه‌ای با دستش گرفت و آن را حایل قرار داد آن پیامبر غسل نمود. سپس حضرت آن پارچه را گرفت و برای حذیفه حایل کرد تا او غسل نماید. حذیفه از لطف و



بزرگواری رسول خدا صلی الله علیه و آله شرمنده شد و عرض کرد: «پدر و مادرم فدای شما! این کار را انجام ندهید.» پیامبر بزرگوار نپذیرفت و فرمود: «هرگاه دو نفر باشند، هرکدام بیش‌تر دیگری را دوست

۱. غررالحکم/ ح ۵۳۷۵؛ مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ كَثُرَ مُجِبُّوهُ وَأَنْتَبَتِ النَّفُوسُ بِهِ

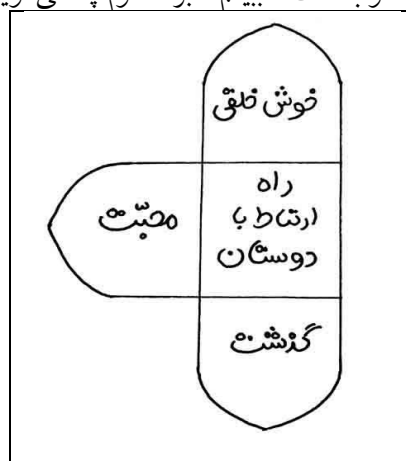
داشته باشد، نزد خدا محبوب تر است.»

اگر دوست شما کاری انجام داد که شما ناراحت شدید، چه عکس العملی نشان می‌دهید؟
خوب است تا ببینم گلبرگ سوم چه می‌گوید؟

بلی، این گلبرگ می‌گوید که اهل گذشت باشید و عفو کنید، همان طور که قرآن گذشت را از صفات مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «اذا ما غضبوا هم یغفرون»^۱

یعنی: هنگامی که به خشم آیند [از روی بزرگواری] خشم خود را فرو می‌نشانند.

در زندگی امامان، رفتارهای بسیار زیبا و پسندیده‌ای دیده می‌شود که هرکدام الگوی مناسبی برای ما می‌باشد در این جا یکی از آن موارد را



برایتان تعریف می‌کنم.

روزی امام حسن مجتبی‌علیه السلام از کوچه‌های مدینه می‌گذشت. مردی از اهل شام تا امام را دید و فهمید که ایشان امام حسن مجتبی‌علیه السلام فرزند بزرگ امام علی علیه السلام است، شروع به لعن و ناسزا دادن به آن حضرت کرد، امام علیه السلام صبر کرد تا مرد شامی از دشنام دادن فارغ شد. آن‌گاه امام رو به مرد شامی کرد و سلام کرد، سپس با خنده به او فرمود: «ای آقا! گمان می‌کنم غریبه‌ای و گویا ما را اشتباه گرفته‌ای. اگر از ما طلب رضایت می‌کنی، از تو راضی می‌شویم. اگر چیزی بخواهی، به تو عطا می‌کنیم. اگر راهنمایی بخواهی، راهنمایی‌ات می‌کنیم. اگر گرسنه باشی، به تو غذا می‌دهیم. اگر برهنه هستی، تو را می‌پوشانیم. اگر محتاج هستی، تو را بی‌نیاز می‌کنیم. اگر رانده شده‌ای، تو را پناه می‌دهیم. اگر حاجتی داری، حاجتت را برمی‌آوریم. چه خوب است که بیایی و مهمان ما شوی، زیرا که خانه ما وسیع است و می‌توانی وسایل و بار خود را در خانه ما بگذاری و از امکانات خانه ما استفاده نمایی.»

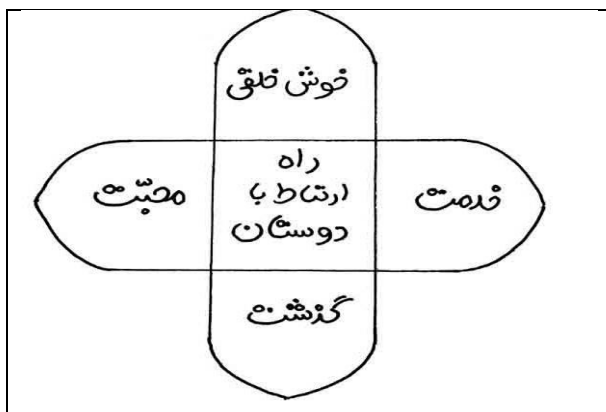
مرد شامی برخورد و
سخنان محبت‌آمیز امام
حسن علیه السلام را دید، سر به
زیر انداخت و اشک در
چشمانش حلقه زد. پس
از چند لحظه به امام نگاه
کرد و گفت: «شهادت
می‌دهم که تو خلیفه خدا
در روی زمین هستی. خدا
بهتر می‌داند که خلافت و



رسالت را را در کجا قرار دهد. پیش از آن که تو را ملاقات کنم، تو و پدرت دشمن‌ترین خلق در
نزد من بودید، ولی الآن محبوب‌ترین آن‌ها نزد من هستید.»
بعد از آن به خانه امام حسن علیه السلام رفت و تا در مدینه بود مهمان امام بود و از محبان و معتقدان
به امامت و اهل بیت گردید.^۱

چهارمین و آخرین گلبرگ چیست؟

بلی، «خدمت و کمک به
دوستان.»
امام علی علیه السلام می‌فرماید:
«هر مسلمانی به گروهی از
مسلمانان خدمت کند،
خداوند به عدد آن مسلمانان
در بهشت به او اجر عنایت
خواهد فرمود.»^۲



۱. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. توحید و نبوت، شهید دستغیب، ص ۱۶۰.

انشاءالله بتوانیم به یاری خدا با انجام کارهای شایسته، ارتباط صحیحی با دوستان خود برقرار کنیم و جامعه‌ای مستعد و آماده برای ظهور امام زمانمان (عج) بسازیم.

خدایا، دوستی‌های ما را گرم و صمیمی قرار بده! آمین

خدایا، ما را محبّ و دوست‌دار پیامبر و آل او قرار بده! آمین

آمین یا رب العالمین

پرسش‌ها:

۱. کدام گزینه با ارتباط، پیوستگی دارد؟

- ☐ الف) استماع، اقتباس
- ☒ ب) استماع، احترام
- ☐ ج) استماع، اجتماع

۲. امام علی علیه السلام درباره چه گروهی فرمود که خیری در آن‌ها نیست؟

- ☒ الف) نه با دیگران الفت گیرد و نه دیگران با او
- ☐ ب) نه بخورد و نه به دیگران تعارف کند
- ☐ ج) نه علم بیاموزد و نه به دیگران یاد بدهد

۳. به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی نزد خدا محبوب‌تر است؟

- ☐ الف) کسی که ثروت او بیش‌تر است
- ☐ ب) کسی که علم و دانش او بیش‌تر است
- ☒ ج) هرکدام بیش‌تر دیگری را دوست بدارد

۴. ابراهیم علیه السلام در برابر گستاخی آزر چه انجام داد؟

- ☐ الف) پاسخ دندان‌شکن به او داد
- ☒ ب) به او سلام کرد
- ☐ ج) او را نفرین کرد

همبستگی و همکاری

موضوع: اجتماعی

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با همبستگی و مشارکت و نتایج آن در زندگی آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. همبستگی و اتحاد؛

۲. موارد اتحاد و همبستگی؛

۳. مشارکت و همکاری؛

۴. مشارکت در قرآن و روایات؛

۵. مصادیق و موارد مشارکت

هدف رفتاری (خروجی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس اتحاد و همبستگی خود را در همه عرصه های زندگی حفظ کنند و با مشارکت فعال در فعالیت های گروهی شرکت کنند و از آثار و نتایج آن بهره مند گردند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (مسابقه، جدول، آیه، روایت، شعر)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت

بسم الله الرحمن الرحيم

دانش آموزان عزیز و گرامی! سلام و صد سلام به شما، ان شاء الله که شاداب و سربلند باشید.

اول هر کار: بسم الله الرحمن الرحيم؛ به نام خداوند بخشنده و مهربان.

امیدوارم امسال، در سایه یكدلی و همکاری با هم سال بسیار خوبی برای همه شما باشد.^۱

ابتدا به شعر زیبای «مثل ما»^۲ گوش کنید.

صد ستاره، نه صدها

باز این هم افزون تر

صدهزارها هم بیش

در کنار یکدیگر

این ستاره ها هستند

دور و دورتر از ما

در کنار هم گویی

راه شیری اند آن ها

کرده اند زیباتر

آسمان زیبا را

شب بگرد و پیدا کن

کهکشانی زیبا را

باهم نشد و در یک راه

گرچه تک تکنند آن ها

پرشکوه و یکرنگند

مثل ما مسلمان ها

در دل سبزه شیب

۱. به مناسبت نامگذاری سال ۱۳۸۴ به سال «همبستگی ملی» و «مشارکت عمومی» مربی می تواند برای مقطع

ابتدایی این درس را - البته با تنزیل مطلب و مهارت های متناسب با سن دانش آموزان اجرا نماید.

۲. حسین حداد، نان و پروانه، ج ۱، ۱۳۷۷، محراب قلم، (ص) ۳۹۵ (شعر از مصطفی رحمان دوست).

مشل بـرق شمشـیرند
بـا همنـد پیوسـته
نیستی نمـی گیرنـد

حالا چه کسی می تواند بگوید که موضوع شعر چیست؟ آفرین، وحدت و یکپارچگی کدام کلمه به معنای با هم بودن و وحدت می باشد؟ به این کارت توجه کنید.^۱ همبستگی خداوند مهربان در کتاب آسمانی قرآن همه مسلمانان را به اتحاد و همبستگی فراخوانده است و آنان را از پراکندگی بر حذر نموده است.

چه کسی آیه مورد نظر را می داند؟ بله، دوستان را تشویق کنید.

حالا قسمتی از آیه را به همراه ترجمه آن روی تخته می نویسم.

«و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»؛

همگی به ريسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

حالا چه کسی می داند که این آیه در چه سوره ای است؟ یک راهنمایی می کنم. این آیه در سومین سوره قرآن و در جزء ۴ قرار دارد. آفرین، سوره آل عمران. اما چه آیه ای؟ آیه ۱۰۳.

حالا بگویید در چه جاهایی باید همبستگی و یکپارچگی خود را حفظ کنیم؟

بله، در خانه مدرسه جامعه جهان اسلام

تا بتوانیم از نتایج درخشان آن بهره مند شویم و در برابر دشمنان اسلام و میهن پیروز گردیم.

حالا برای آن بحث اصلی امروز برایتان مشخص گردد، جدولی در ابعاد ۵×۷ بر روی تخته رسم می کنم. سپس سؤال هایی درباره سوره های قرآنی از شما می پرسم. بعد از تکمیل جدول هر کس توانست پیام جدول را که واژه ای از آیه مورد نظر است، بگوید برنده محسوب می گردد.

۱. یکی از چهار سوره ای را نام ببرید که دارای سجده واجب است؟

(نام دیگر آن «حم سجده» است) فصلت

۲. ششمین سوره قرآن که به معنای چهارپایان است، چه نام دارد؟

انعام

۱. مربی کارتی بزرگ تر از کارت های متداول (۲۰×۱۰) تهیه کند که در یک طرف آن، کلمه «همبستگی» با خط زیبا آمده باشد و در طرف دیگر آن، کلمه «مشارکت» که در جای خود آن را مطرح نماید.

۱۹۰ ■ ره‌توشه راهیان نور، ویژه طرح هجرت تابستان ۱۳۹۶ (نوجوانان)

۳. هفتمین سوره قرآن که به معنای سفره آراسته از غذاست، چه نام دارد؟

مأثده

۴. کدام سوره به نام یکی از نام‌های قیامت به معنای واقع شونده می‌باشد؟

واقعه

۵. نام دیگر سوره «دهر» را بگویید که در آن به آفرینش انسان اشاره شده است؟

انسان

۶. کدام سوره است که اگر حرف اول آن را برداریم به معنای بیابان خشک و بی آب و علف می‌شود؟

(خود سوره به معنای درهم پیچیدن است) تکویر

۷. کدام سوره به معنای سیر در شب است که ماجرای معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن آمده است؟

اسرا

۵	۴	۳	۲	۱	
۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱

حالا چه کسی می‌تواند پیام جدول را به دست آورد؟

یک راهنمایی می‌کنم. با کنار هم گذاشتن حروف جدول به شیوه خاص می‌توانید کلمه اول آیه مورد نظر را به دست آورید.

حالا دوست خودتان را با یک صلوات محمدی تشویق کنید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

بله، اگر از خانه چهارم در ردیف عمودی که حرف «ت» است به صورت مورب شروع کنیم به

حرف «و» در خانه چهارم در ردیف افقی می‌رسیم که اگر آن را در جهت مخالف به صورت مورب ادامه دهیم به آخرین خانه در ردیف هفتم افقی که حرف «ا» است، می‌رسیم.

پیام مورد نظر کلمه «تعاونوا» است.

چه کسی می‌تواند آیه را تکمیل کند؟ آفرین، این قسمت از آیه را به همراه ترجمه روی تخته می‌نویسم.

«و تعاونوا على البرّ والتقوى»؛

در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید.

حالا اگر گفتید که این آیه در کدام سوره قرار دارد؟ یک راهنمایی می‌کنم. این آیه در پنجمین سوره قرآن آمده است که در جزء ششم قرآن قرار دارد. آفرین، این سوره مانده، در کدام آیه آمده است؟ آیه ۲

حالا چه کسی می‌داند که کدام واژه به معنای همکاری و تعاون در جهت هدف‌های مشترک^۱ است؟

بله، به پشت کارت همبستگی توجه کنید. واژه مشارکت

حالا چه کسی از شما دانش آموزان عزیز می‌تواند رابطه بین واژه «همبستگی» و «مشارکت» را که در دو طرف کارت آمده بود، بیان کند؟ بله، امسال که سال ۱۳۸۴ است به نام «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» نامیده شده است.

یک سؤال می‌پرسم. بینم چه کسی می‌تواند جواب دهد.

خانه خدا و خانه دوم مسلمانان چه نام دارد؟

آفرین، مسجد.

برای این که بدانید چگونه اولین مسجد در تاریخ اسلام با مشارکت و همکاری پیامبر و مسلمانان ساخته شد به ماجرای زیر خوب گوش دهید.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به محض استقرار در مدینه، قطعه زمینی را که در آن خرما خشک می‌کردند و متعلق به دو یتیم بود، از آنان خرید و فرمان داد در آن مسجدی بسازند.

۱. جولوس کولد، ویلیام ل. کوکب، فرهنگ علوم اجتماعی، نشر مازیار، چ ۱، ۱۳۷۶، (ص ۲۴۵).

خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) پا به پای دیگران به ساختن آن مشغول شد. مسلمانان سرشار از شادمانی و شگفتی از این که پیامبر عظیم الشأن همانند دیگران مشغول کار است بر سرعت خود افزودند. نکته جالب توجه این بود که در هنگام کار به خواندن سرود دسته جمعی می پرداختند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز در خواندن سرود با دیگران مشارکت می کرد.^۱

«بلال» از یاران مخلص پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره مشارکت دسته جمعی مسلمانان در ساخت بنای مسجد النبی چنین بیان کرده است:

کار شروع شد. خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) اولین کلنگ مسجد را به زمین زد. وقتی که دیدم اولین دیوار مسجد تا حدی بالا آمد با شدت و لذت بیش تری مشغول کار شدیم. با پاهایمان می کوبیدیم و با دست هایمان شکل می دادیم. آجر می ساختیم، سنگ حمل می کردیم، چوب اره می نمودیم، ملاط می ساختیم، زمین را مسطح می کردیم و خار و خاشاک را می زدودیم، چاله، چوله ها را هموار می نمودیم، از نردبان بالا می رفتیم، گِل کشی می کردیم و قلب هایمان را با همدیگر پیوند می زدیم. ما این کارها را با چنان شوق و ذوقی انجام می دادیم که اگر کسی ما را می دید، خیال می کرد که در حال دست افشانی هستیم.

عزیزان! آیا بچه ها نیز در ساختن اولین مسجد با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سایر مسلمانان مشارکت و همکاری نمودند؟ برای این که مطلب برایتان روشن شود، ادامه جریان را از قول بلال بشنویم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) خشت می آورد و از نردبان به خوبی بالا می رفت. هر چند هجرت از مکه به مدینه گروهی را به مدت یک هفته بستر نشین کرده بود، ولی پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتی از نشستن هم امتناع می ورزید. به هر کجا که پا می گذاشت عده ای بچه به دنبالش بودند که می خواستند کمکش کنند، ولی کار را خراب می کردند. یک بار خواستم پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از بچه ها دور کنم، ولی پیامبر با روی گشاده به طرفم برگشت و گفت: «بچه ها! به بلال هم کمک کنید، گویا احتیاج به کمک دارد.» من نیز دویدم و در پشت یکی از درختان خرما قائم شدم در حالی که پیامبر ایستاده بود و می خندید و عرق صورتش را پاک می کرد.

۱. سید حسن اسلامی، محمد پیامبر رحمت، نشر خرم، چاپ ۱، ۱۳۷۵، (ص) ۹۲.

بعد از این ماجرا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدا، بچه خردسالی را میان بازوانش گرفت و یک نیمه آجر، کف دست کوچکش گذاشت. بچه را به سوی دیوار برد و کمک کرد تا نیمه آجر را در دیوار بگذارد. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) رو به بچه کرد و گفت: حالا می‌توانی بگویی که در ساختن مسجد به پیامبر کمک کردم! بعد از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) کودک را بر زمین گذاشت. بچه در حالی که چهره اش مملو از شادی و نشاط بود به آغوش مادر برگشت.^۱

به این گونه بود که در مدینه، نخستین اقدام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بنای مسجد شکل گرفت. تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساخت مسجد هم از شوق آنان حکایت می‌کرد و هم متأثر از مشارکت کامل و فعال پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. مسلمانان که می‌دیدند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نه تنها در موضع نظارت و هدایت ننشسته است، بلکه خود در کنار همه و بلکه بیش از همه در ساختن بنای مسجد فعال است، آنان نیز با مشارکت دسته جمعی و خواندن سرود به تکمیل بنای مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) پرداختند.^۲

بچه‌های عزیز! در احادیث و روایات معصومان - علیهم السلام - نیز به همکاری و مشارکت یکدیگر تأکید فراوان شده است.

آیا می‌خواهید با نمونه ای از آن آشنا شوید؟ من روی کارتی کلام گهرباری را بدون نقطه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده‌ام. یکی از دوستان شما آن را می‌خواند. خوب دقت کنید: «اگر همه شما در راه نیکی و نیکوکاری به هم پیوندند و هماهنگ شوید، دوستدار و علاقه مند به یکدیگر خواهید شد».^۳

حالا نوبت مشارکت همه شما است؛ چطور؟ با مسابقه

مسابقه ای با مشارکت دو گروه ۵ نفره جهت به دست آوردن حدیث زیبا و کوتاهی از امام علی (علیه السلام)

شیوه مسابقه به این صورت است که جدولی ۱۰ × ۱۰ بر روی تخته رسم می‌کنیم که تمامی خانه‌های آن از حروف گوناگون پر شده است. افراد هر گروه با مشارکت و همکاری یکدیگر باید

۱. هـ. آ. کرگ، بلال بلال، یعقوب آزند، امیر کبیر، ج ۱، ۱۳۶۲، (ص) ۹۵-۹۷.

۲. غلامحسین زرگرنژاد، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، سمت، ج ۱، ۱۳۷۸، (ص) ۳۳۹.

۳. حدیث تربیت، پیام آزادی، ج ۶، ۱۳۷۰، ج ۳، (ص) ۱۴.

موارد متفاوت از مشارکت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و... را از جدول پیدا کنند و دور آن خط بکشند. گفتنی است که ۱۰ مورد از مشارکت در جدول آمده است که با کنار هم قرار دادن حروف به صورت افقی، عمودی، مورب و... می‌توان به آن‌ها دست یافت.

گروه‌های شرکت کننده در مسابقه دقت کنند که هر مورد ۱۰ امتیاز دارد. نکته مهم در این مسابقه این است که افراد هر گروه بایستی با مشارکت و مشورت با هم بتوانند زودتر موارد ۱۰ گانه مشارکت را به دست آورند. هر گروهی که از اصل مهم مشارکت و همکاری دسته جمعی و اصل مشورت بهره ببرد، خواهد توانست امتیاز بیشتری کسب نماید. بعد از به دست آمدن ۱۰ مورد از موارد مشارکت در زمینه‌های گوناگون، ۱۱ حرف در جدول باقی می‌ماند که با ترکیب این یازده حرف، عبارت سه حرفی عربی که حدیثی از امام علی (علیه السلام) است به دست می‌آید. هر گروهی که پیام جدول که همان کلام گهربار حضرت علی (علیه السلام) است را به دست آورد ۵۰ امتیاز کسب خواهد نمود. در پایان جداگانه امتیازهای اعضای هر دو گروه با هم جمع می‌شود. هر گروهی که با مشارکت و همکاری و همفکری افرادش، امتیاز بیشتری به دست آورد، برنده نهایی محسوب خواهد شد.

ن	م	ن	م	ا	ز	ج	م	ع	ه
ت	ش	ک	ی	ل	ن	م	ا	ی	ش
ع	ا	و	و	ز	م	ا	د	ر	گ
ی	ر	ت	ی	ا	ر	د	و	و	ا
ا	ک	م	ت	ه	ک	م	ا	پ	ه
د	ت	ی	ع	ت	ک	ع	ی	د	ن
ت	گ	ز	ا	و	ن	ی	ت	ر	ع
ب	ر	ی	م	س	ج	د	و	ا	ن
ی	و	ه	ی	گ	ر	د	ش	ا	ی
م	ا	ر	ا	ن	ع	ل	م	ی	و

موارد ۱۰ گانه مشارکت که از جدول به دست می‌آید، عبارتند از:

۱. نشریه دیواری

۲. مشارکت گروهی

۳. تشکیل نمایشگاه

۴. عیادت بیماران

۵. تمیزی مسجد

۶. نماز جمعه

۷. روز مادر و پدر

۸. اردو

۹. تعاونی

۱۰. گردش علمی

حالا ۱۱ حرف (ک، ت، م، ع، ا، ی، ت، ا، ن، ع، ن) باقی ماند. هر گروهی که بتواند با ترکیب این حروف به فرمایش امام علی (علیه السلام) که درباره کمک و یاری کردن است برسد، ۵۰ امتیاز به دست خواهد آورد.

هر گروه با مشارکت گروهی افراد با یکدیگر مشورت کنند و جواب را بگویند.

آفرین، «کما تعین تعان»

حضرت علی (علیه السلام) در فرمایش گهربار خود می‌فرماید: «چنان که یاری کنی، یاری کرده می‌شوی» یعنی به قدر آنچه تو مردم را یاری کنی، خدا و مردم نیز تو را یاری می‌کنند.^۱ حالا همه حاضران با مشارکت یکدیگر با صدای بلند حدیث را تکرار کنند: «کما تعین تعان» به امید همبستگی و مشارکت همه شما عزیزان در سال تحصیلی جدید و در تمام طول زندگی تا به نتایج درخشان آن که پیروزی و موفقیت در همه عرصه‌هاست نایل گردید. شما را به خدای بزرگ و مهربان می‌سپارم.

۱. محمد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه ۷ جلدی)، دانشگاه تهرانف ۱۳۶۶، ج ۴، (ص) ۶۲۳.

کارگاه خلاقیت و نوآوری

با سلام خدمت مربیان گرامی!

تشکیل کلاس‌های پرورشی در تابستان از راه‌های جذب دانش‌آموزان و غنی‌سازی اوقات فراغت آن‌ها محسوب می‌شود. به این دلیل مجموعه‌ای از کاردستی‌های متنوع در جهت تفهیم مطالب دینی و اخلاقی برای این قشر فراهم شده است. این مجموعه دارای شش عنوان زیر است:

۱. گناه؛

۲. احترام؛

۳. نماز؛

۴. امامت؛

۵. دعا؛

۶. وقت.

در این مجموعه سعی شده است از امکاناتی ساده و قابل دسترس استفاده شود.

طرح‌های ارائه شده فقط به عنوان نمونه می‌باشد. هیچ الزامی در کار نیست تا مطابق آن‌ها وسایل ساخته شود. لذا مخاطب آزاد می‌باشد تا با سلیقه خود هر نوع وسیله‌ای را فراتر از الگوی نمونه ارائه دهد. هنگام تهیه کاردستی به نکات ایمنی و بهداشتی توجه نمایید.

می‌توانید مجموعه‌ای از کاردستی‌های دانش‌آموزان را جمع‌آوری کنید تا در نمایشگاهی به نمایش عمومی گذارده شود.

درضمن پوستری رنگی از کارهای انجام شده، به همراه کتاب ره توشه تحویل مربی می‌گردد تا با نصب آن در کلاس کمکی برای ساخت کاردستی‌ها باشد.

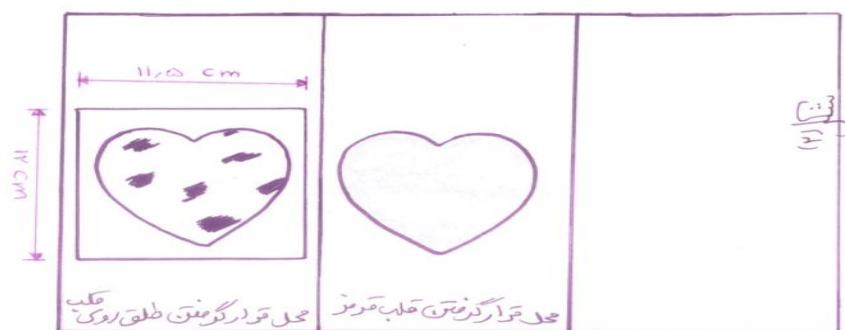
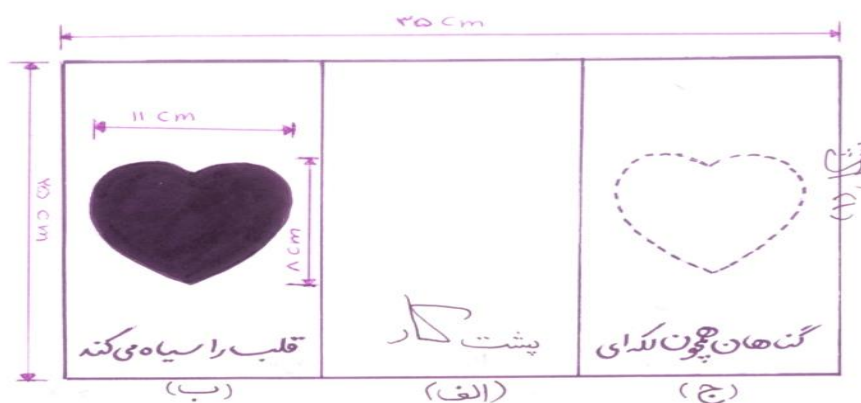
گناه

وسایل مورد نیاز:

مقوا، کاغذ رنگی (قرمز، مشکی)، چسب، قیچی، پلاستیک یا طلق

روش ساخت:

- مقوای 25×35 را به سه قسمت مساوی تقسیم کنید. طبق الگو
- قلبی در ابعاد داده شده با کاغذ رنگی تهیه و در قسمت ب بچسبانید. شکل ۱
- در قسمت ج شکل یک قلب را ترسیم کرده و جای هاشور را ببرید. شکل ج
- پشت آن را طلق بچسبانید و روی طلق را با ماژیک چند نقطه سیاه بگذارید.
- در شکل ۱، در قسمت ج و ب جمله‌های داخل طرح - الگو - را بنویسید. آن گاه قسمت ب را روی الف تا بزنید و بعد قسمت ج را روی ب تا بزنید.



احترام

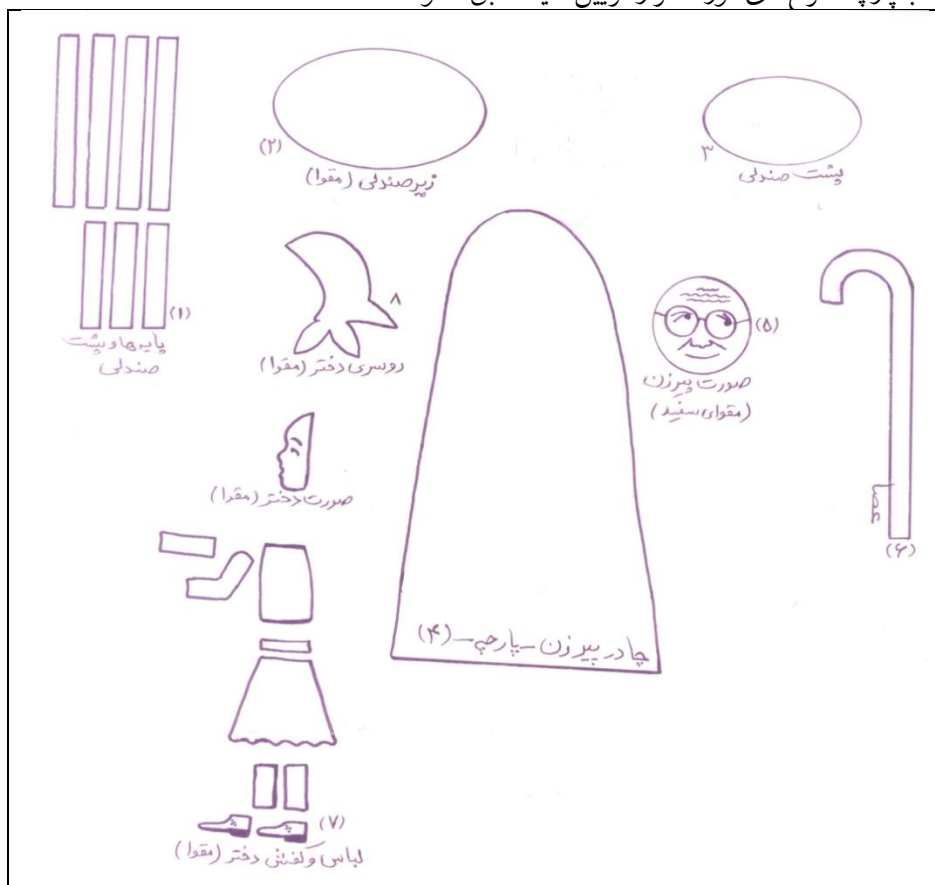
وسایل مورد نیاز:

مقوا، مداد، خط کش، پاک کن، کاغذ رنگی یا پارچه، چسب و قیچی.

روش ساخت:

- روی مقوا ۴ شکل ۱ و ۲ و ۳ و ۴ را طراحی کنید و برش بزنید. (طبق الگو)
- طرح های برش خورده را - شکل ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ پیرزن، دختر و عصا - را روی مقوا بچسبانید.

- با پارچه طرح های مورد نظر را تزئین کنید. طبق الگو



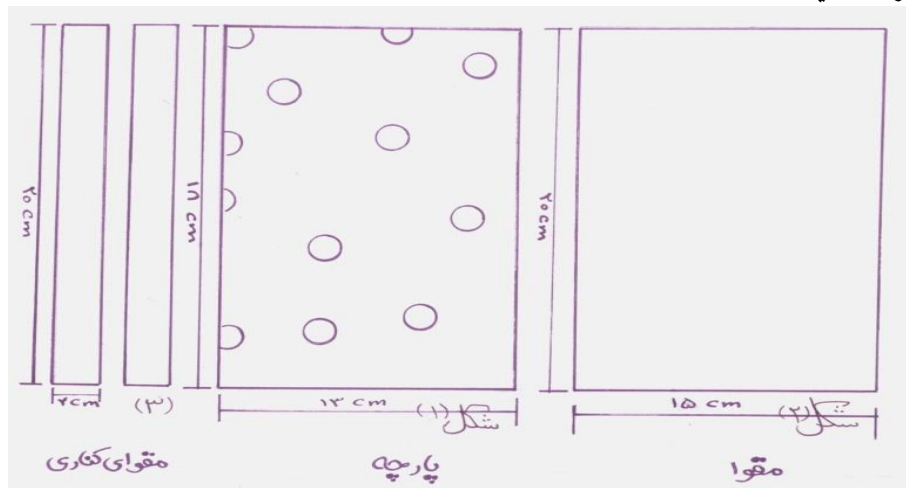
نماز

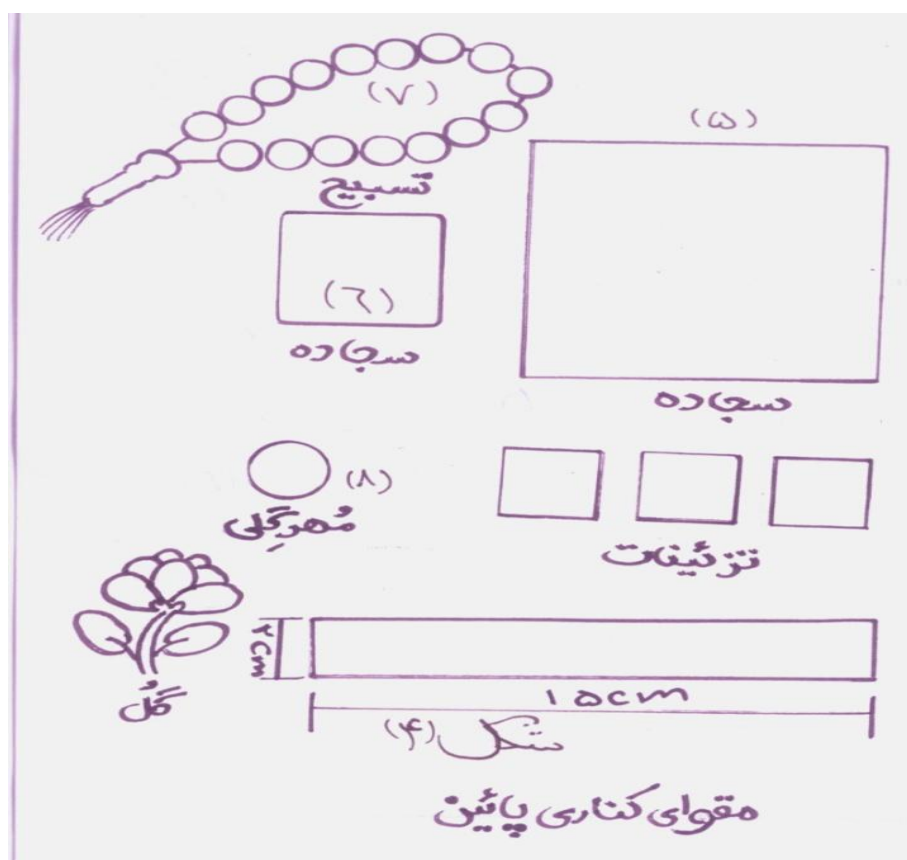
وسایل مورد نیاز:

مقوا، کاغذ رنگی، پارچه، آب رنگ، ماژیک، قیچی، مُهر کوچک، دانه‌های تسبیح و چسب.

روش ساخت:

- پارچه 13×18 - شکل ۱ - را روی مقوای 15×20 - شکل ۲ - بچسبانید.
- طول و عرض مقوا را با کاغذ رنگی به عرض ۲ سانت بپوشانید. (شکل ۳ و ۴)
- دو عدد کاغذ رنگی - شکل ۵ و ۶ - را روی سجاده قرار دهید. (جانماز)
- مُهر گلی تهیه و در سجاده بگذارید. با دانه‌های تسبیح - شکل ۸ و ۷ - یک تسبیح کوچک درست کنید.





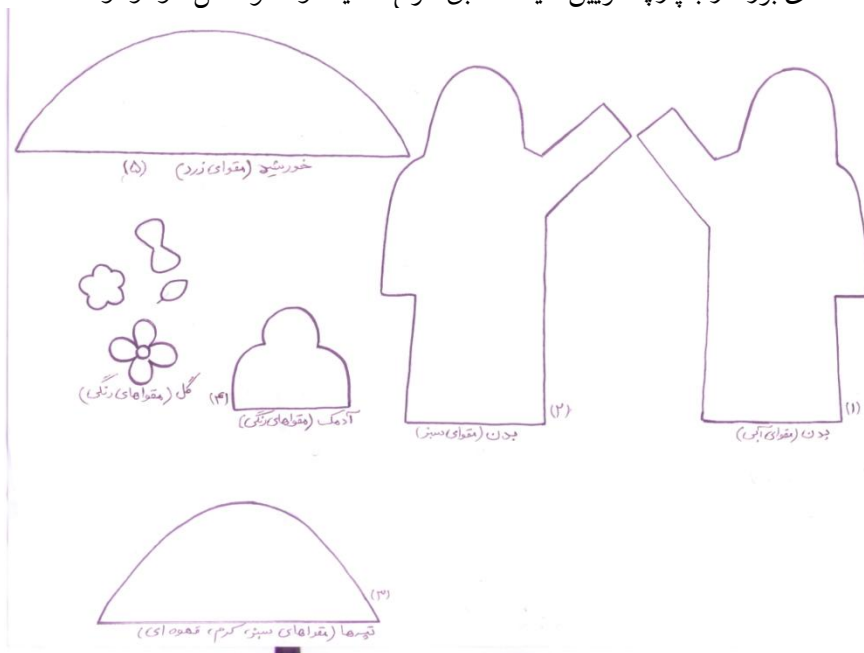
امامت

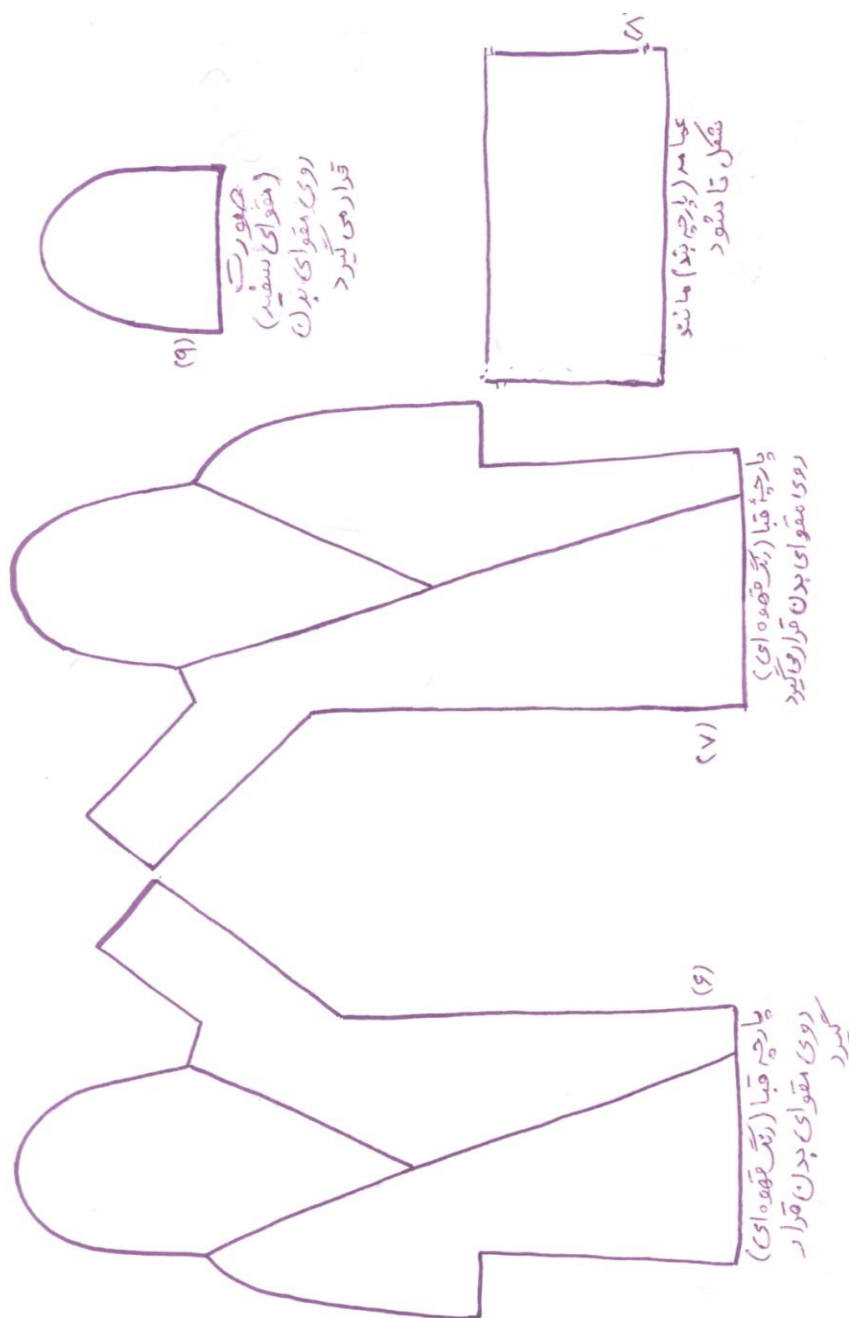
وسایل مورد نیاز:

مقوا، کاغذ رنگی، پارچه، چسب، مداد، قیچی و ماژیک.

روش ساخت:

- در وسط کادر 30×40 طرح دو آدمک - شکل ۱ و ۲ - را بعد از برش، بچسبانید (طبق الگو)
- در پایین کادر 30×40 تپه - شکل ۳ - را با کاغذ رنگی برش داده و زیر دو تصویر بچسبانید.
- تصاویری چند از شکل ۴ با کاغذ رنگی برش زده و در اطراف تپه بچسبانید.
- با کاغذ رنگی خورشید - شکل ۵ - را برش زده و در بالای کادر قرار دهید.
- آدمک‌های بزرگ را با پارچه تزئین کنید. مطابق طرح ضمیمه و الگو شکل ۶ و ۷ و ۸ و ۹.





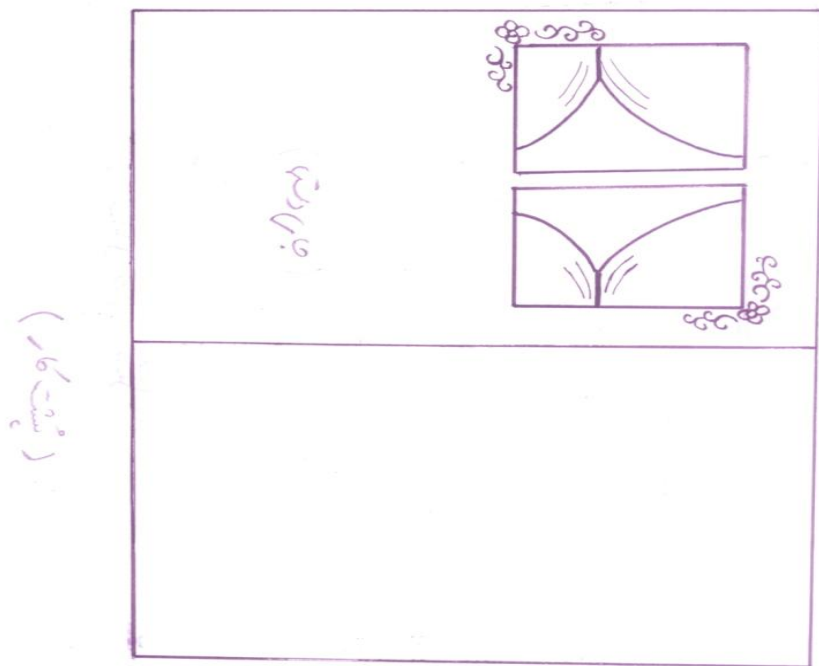
دعا

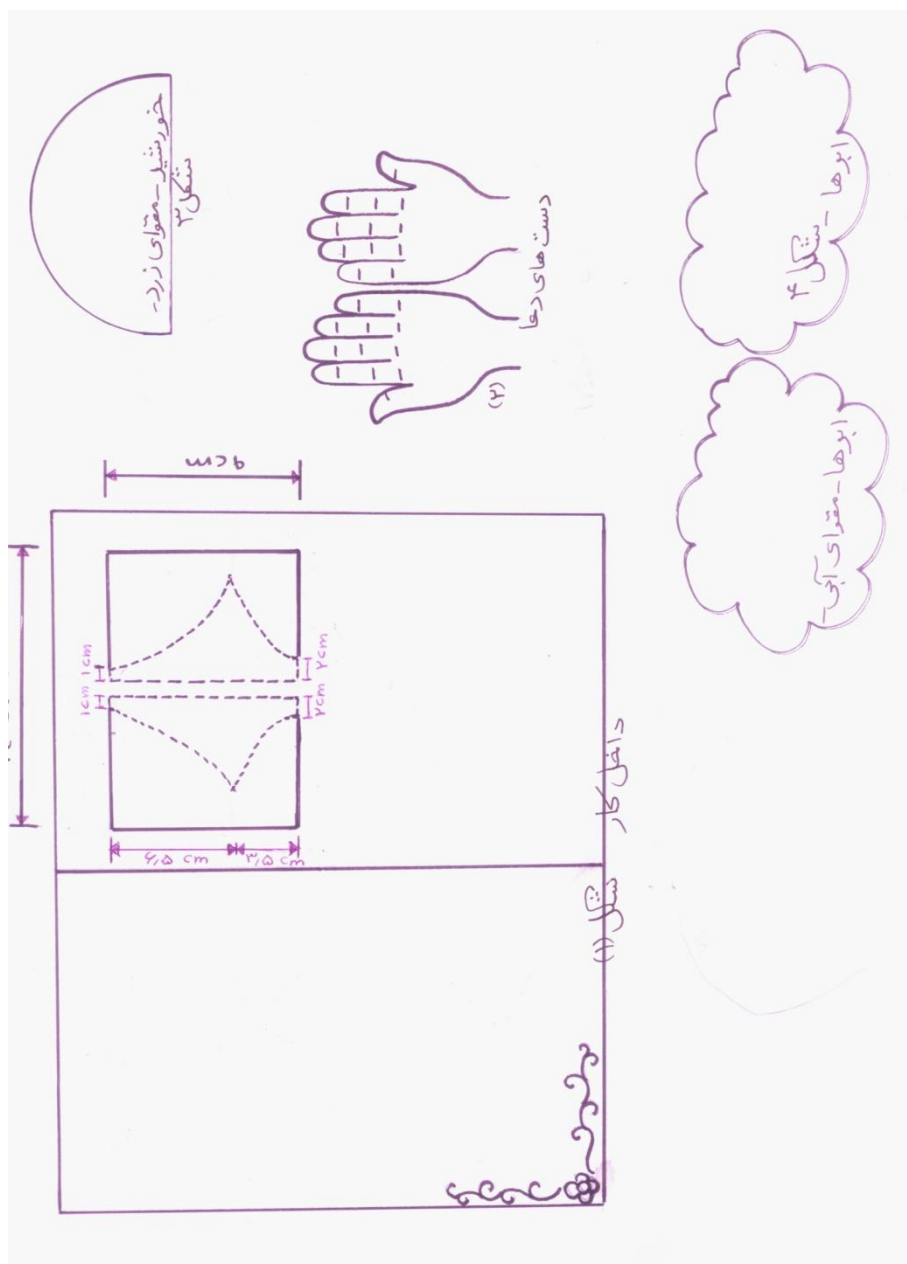
وسایل مورد نیاز:

مقوا، کاغذ A4، کاغذ رنگی، چسب، تیغ موکت بری و ماژیک

روش ساخت:

- مقوا را به دو قسمت مساوی تقسیم کنید.
- روی کارت طرح شماره ۱ پنجره را با ابعاد داده شده رسم کنید. نقاط هاشور زده را برش دهید.
- طرح دودست - شکل شماره ۲ - با کاغذ رنگی تهیه و زیر پنجره بچسبانید.
- طرح ابر، خورشید را با کاغذ رنگی تهیه و داخل کارت بچسبانید. طبق الگو - شکل ۳ و ۴.





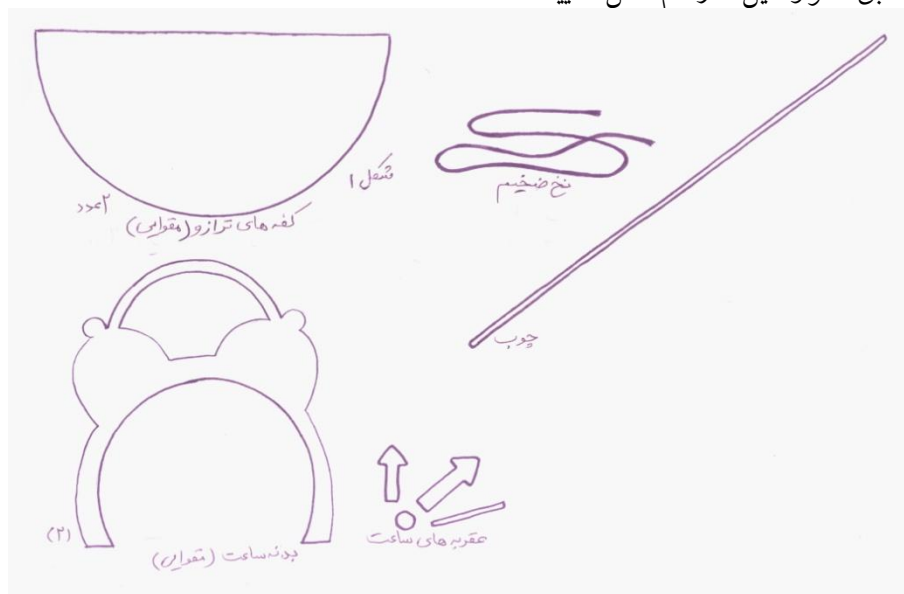
وقت

وسایل مورد نیاز:

کاغذ رنگی، کاموا سفید، چسب، مداد، خط‌کش و مقوا سفید

روش ساخت:

- شکل ترازو را روی مقوای A۴ طراحی کنید.
- کاغذ رنگی را روی خطوط طراحی بچسبانید. در یک کفه ترازو - شکل ۱ - ساعت - شکل ۲ -
- در کفه دیگر ذره‌های طلا را نقاشی کنید.
- برای نگه داشتن کفه ترازو از نخ کاموا و چوب استفاده کنید.
- طبق الگو وسایل کنار هم کامل نمایید.



مربی گرامی، ضمن عرض خسته نباشید تقاضا می‌شود برای استفاده از تجربیات گرانمایه شما در طول تبلیغ طرح هجرت، یک درس همانند کتاب ره توشه با موضوعی مستقل، در سه صفحه آخر این کتاب، تنظیم و ارایه نمایید.

با تشکر از همکاری شما

